



رستوران میشو



میزبانی بر یادمانندی در مجالس شما



سعادت اباد، بلوار شهرداری، یابین تر از اتوبان یادگار امام، جنب خیابان شهید حسینی

22 14 72 11 | 22 14 72 10 | 22 13 44 29 | 22 14 72 13 | 22 14 72 12

Instagram icon | Mishov.restaurant

پذیرش آگهی در فصلنامه پیام شبستر

فصلنامه پیام شبستر آماده درج آگهی‌ها و تبلیغات شما می‌باشد.

درج آگهی در این نشریه علاوه بر آنکه در معرفی شما به هم‌شهریان ابزاری مناسب خواهد بود، بدلیل نوع مطالب مندرج در آن که منجر به ایجاد انگیزه برای نگهداری طولانی مدت مجله می‌گردد، اثری طولانی خواهد داشت. ضمن آنکه با سفارش آگهی، دست‌اندرکاران را در تداوم انتشار مجله، که برای سال‌ها از آرزوهای مردم فرهنگ دوست شهرستان بود، باری نموده و از این جهت فعالیتی فرهنگی نیز محسوب می‌گردد.

شماره‌های دریافت آگهی:

فکس: ۰۲۱-۶۶۹۳۷۳۶۴

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۳۹۲۹۴

فراخوان مقالات

دست به دست هم دهیم تا سرزمین مادری را به مکان بهتری برای زندگی تبدیل نمائیم.

فصلنامه پیام شبستر تریبونی برای تمامی اهالی منطقه و فرصتی برای چاپ مقالات، خاطرات، اسناد، عکس‌ها، داستان‌های شما و پیشنهادات و انتقاداتتان در خصوص فعالیت‌های نهادها و ارگانهای دولتی و غیر دولتی می‌باشد.

- مطالب حتی الامکان کوتاه و حداکثر برای ۴ صفحه نشریه تهیه، تایپ و از طریق ایمیل ارسال فرمایید. چون مطالب به نام خودتان چاپ خواهد شد لذا درج نام و نام خانوادگی الزامی است.
- منابع مطالب در گیومه مشخص گردد.
- تحریریه در رد، تلخیص و ویرایش مطالب ارسالی آزاد است.
- مسئولیت مطالب و آگهی‌ها به عهده نویسنده و سفارش دهنده است.
- استفاده از مطالب مجله با ذکر منبع آزاد می‌باشد.

صاحب امتیاز: جمعیت خیریه شبستریهای مقیم تهران

مدیر مسئول: جمشید صالحی شبستری

سردبیر: سید حسین غزالی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر حسن امی نلو، حسین روشن، محمد رضا رونقی، اکبر صالحی

شندی، جاهد فیضی زاده، ابوالفضل موحد، ابوالفضل هدایتی آذری

مدیر مالی: جمعیت خیریه شبستریها

مدیریت پشتیبانی و تدارکات: جمشید کتانی - فرج کریمی

مدیریت اجرایی: سیدمحمد ورنذیلی

روابط عمومی: حسین شوقی - فرج کریمی

مدیر هنری و ناظر چاپ: فرزانه عالمی

صفحه آرا و گرافیک: فاطمه تیموری

همکاران: محمد چاپک، فتح اله کمالی اصل، عباس امیر هدائی، حسین اقدسی

بهمن صالحی، مهدی فرید پور

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۹۱۸۸

فکس: ۰۲۱-۶۶۹۳۷۳۶۴

۰۲۱-۶۶۴۳۹۲۹۴

سندوق پستی: ۱۵۸۷۵۸۴۶۷

پست الکترونیکی: Payameshabestar@gmail.com

مجله پیام شبستر در کلیه نقاط به‌ویژه شهرستان شبستر و تهران نماینده می‌پذیرد. شما نیز در صورت علاقه همکار افتخاری ما باشید.

کلیه خیریه‌های شهرها و آبادی‌های شهرستان شبستر در صورت علاقه می‌توانند ما را در بخش فصلنامه شبستر یاری و پشتیبانی نمایند.

صفحه	سرفصل	عنوان	نویسنده/تهیه کننده
۶	سرمقاله	توسعه	جمشید صالحی شبستری
۸	سخن روز	قیمومیت یا مهندسی اجتماعی	سید حسین غزالی
۱۰	مقالات	جمعیت هلال احمر شبستر و فعالیت‌های انسانی آن	تقی خبازی
۱۲	تاریخ و جغرافیای شبستر	مسجد خیراب- آقا قبری	اسماعیل اسماعیل زاده شبستری
۱۳	گزارش	مراسم افطاری جمعیت خیریه شبستری‌های مقیم مرکز	
۱۴	شهرها و آبادیها	چهرگان	
۱۵	تاریخ شفاهی	خاطرات یک معلم	دکتر سیروس برادران شکوهی
۱۹	نیکنامان و خیرین	میر علی اکبرهاشمی	محمد مصطفی سید شبستری
۲۱	نیکنامان و خیرین	حاج علی مردپرور	محمود سخاوت بنیسی
۲۲	فرهنگ و ادبیات محلی	اولگر اوجقارین چیراقلار کیتابی حاقدا	اکبر صالحی «قاداش»
۲۴	فرهنگ و ادبیات محلی	توررؤم(تورم) گئدر وادی- رحمته، سئوگیلیم	اصغرساعی «وولکان»، نادر ایلاهی
۲۵	فرهنگ و ادبیات محلی	شهرپر، اراده	لزگی پور ، حسین روشن
۲۶	فرهنگ و ادبیات محلی	یا هن دئی! یا یوخ!	حسین اقدسی
۲۸	فرهنگ و ادبیات محلی	ایمام عابباس قؤللوغونا گئدن تولکو	حسین محمد خانی «گونئیلی»
۲۹	فرهنگ و ادبیات محلی	شبستردن گلن سس پوستو	علی اصغر سفیری
۳۰	فرهنگ و ادبیات محلی	سن شیندیواریم، سان منیم، شبستری میرزه علی معجز	اکبر صالحی «قاداش»
۳۱	فرهنگ و ادبیات محلی	من بیر توزام	رامیز رؤوشن
۳۲	فرهنگ و ادبیات محلی	تورکجه بایاتیلار و فارسجا دوبئیتی لر	محمد رضا رونقی
۳۳	فرهنگ و ادبیات محلی	رسوم عروسی در روستای تیل	جیران امینی
۳۷	اندیشه	چرا ودرچه صورتی به داوری دیگران اهمیت ندهیم؟	ابوالفضل هدایتی آذر
۴۰	از دریاچه ارومیه چه خبر؟	تراز فعلی دریاچه ارومیه بیش از ۲ متر با تراز اکولوژیک فاصله دارد	جاهد فیضی زاده
۴۴	دانستنی‌ها	دانستنی‌هایی از حقوق خانواده	محمدعلی صفی زاده شبستری
۴۶	دانستنی‌ها	معالجه مرض قند(دیابت) با غذا و گیاهان داروئی، شیشه آشی	دل افروز دلربا، ام‌البین خسروی
۴۷		خیرین فرهنگی شهرستان شبستر	
۴۸	گزارش	داور زمانخانی دبیر انجمن ادبی شبستر	
۴۹	گزارش	بانوان تلاشگر روستای «تیل»	جیران امینی
۵۰	گزارش	بزرگداشت مقام معلم نهمین مجمع عمومی‌بازنشستگان آموزش و پرورش	
۵۱	اخبار	اخبار منطقه	جاهد فیضی زاده
۵۴	با مخاطبین	نظرات مخاطبین	ناصر جعفرزاده
۵۵	جدول		سهیلا رونقی



فرم اشتراک فصلنامه پیام شبستر

۱ فرم مشخصات را تکمیل فرمایید.
 ۲ وجه اشتراک را به شماره کارت ۵۸۹۲ ۱۰۱۱ ۴۹۰۳ ۳۵۴۶ در بانک سپه
 شعبه فاطمی به نام جمعیت خیریه شبستری‌ها و یا شماره حساب جاری طلائی
 ۱۷-۳۲۳۵۴۱۲۱۲ به نام جمعیت خیریه شبستری‌ها در بانک سپه شعبه
 فاطمی کد ۱۷۰ (مخصوص مجله پیام شبستر) واریز فرمائید.
 ۳ فرم مشخصات یا کپی آن را همراه با فیش بانکی یا کپی آن به نشانی تهران
 صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۸۴۶۷ ویا شماره نمابر ۶۶۹۳۷۳۶۴ ارسال نمایید .
 ضمنا می‌توانید مدارک را به مسئولین نشریه تحویل دهید.
 ۴ هزینه اشتراک یکساله فصلنامه و پست مبلغ ۳۰/۰۰۰ تومان می‌باشد.

فرم مشخصات:

نام و نام خانوادگی: تاریخ تولد: مدرک تحصیلی: شغل: نشانی:
 دقیق پستی: کد پستی: تلفن تماس:

سپاس



جمشید صالحی شبستری

سپاس، تشکر و قدردانی اولین وظیفه و ساده‌ترین کاری است که هر انسان می‌تواند در مقابل کمک-کننده و یا یاری‌دهندگان انجام دهد. با توجه به این که خالق هستی نزدیک‌ترین و مهربان‌ترین یاری-دهندگان می‌باشد؛ شایسته است که شکرگزاری اصلی از پروردگار رحمان و رحیم باشد و همه می‌دانیم که تشکر از مردم همانند سپاس از ایزد یکتا خوانده می‌شود؛ لذا ما نیز به عنوان گردانندگان مجله پیام شبستر ضمن شکرگزاری به درگاه خدای یگانه از صاحبان اصلی فصلنامه یعنی شما خوانندگان بزرگوار و همشهریان عزیز کمال تشکر و قدردانی را داشته و اعلام می‌داریم تمام تلاش ما و هدف اولیه مجله در راستای تأمین نظرات خردمندانه و شایسته شما عزیزان ارجمند می‌باشد و بر همین اساس در پائیز سال گذشته یادمان سزوارانه‌ای برای شاعر محبوب منطقه‌مان شادروان میرزا علی معجز شبستری پس از بیش از هشتاد سال از درگذشت آن مرحوم برگزار کردیم و شما سروران ضمن استقبال فاخر از ما تقاضای استمرار این حرکت را داشتید و ما با لبیک به این خواسته در ۹۸/۸/۲۰ در پردیس تأثر تهران همایش بزرگداشت استاد عاشیق قشم جعفری کندرودی گرانقدر را با حمایت و پشتیبانی کندرودی‌های ارجمند و با همکاری استاد عاشیق سلجوق شهبازی مدیرعامل و ریاست هیئت‌مدیره خانه عاشیق‌های ایران، مدیریت موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به نحو مطلوبی با شرکت عاشیق‌های محترم کشورهای آذربایجان، ترکیه و گرجستان و عاشیق‌های پرآوازه سراسر کشور برگزار کردیم و با استقبال گسترده شما بزرگواران مواجه شدیم

مشکل می‌باشد ولی گروهی از همکاران عاشق مجله اعلام آمادگی کردند تا به یاری شما همشهریان ارجمند این کار ارزنده را انجام دهند و ما ضمن اعلام اسامی و تلفن این عزیزان از همه شما علاقمندان تقاضا داریم این فارغ‌التحصیلان خانم و آقا از دانشگاه‌های داخلی و خارجی را همراه با تلفن آن‌ها به این گروه معرفی نموده و در تهیه و تکمیل این آلبوم ما را یاری دهند و در استمرار این حرکت در آینده نسبت به تهیه آلبوم تولیدکنندگان و کسبه و اصناف مختلف و سایر خواسته‌های منطقی شما شهروندان با فرهنگ خواهیم پرداخت. طبیعی است که این آلبوم شامل کسانی خواهد بود که شما به ما معرفی نموده و یا ما موفق به دریافت اطلاعات آن‌ها شده‌ایم. همشهریان فرهیخته؛ ما با یاری خدای متعال و همکاری همدیگر در آینده کارهای ارزنده و لازمی را که تاکنون اقدام نشده انجام خواهیم داد چون همه آگاهیم که رمز موفقیت در کارهای بزرگ اتحاد، همدلی و همکاری می‌باشد.

بطوری که در سالن یکهزار نفری حدود یکهزار و چهارصد نفر تماشاگر مستقیم این همایش کم‌نظیر بودند و شکوه و جلال خاصی به آن بخشیدند و لذا ما نیز در برابر همه این علاقمندان گرمی و همه پیشستیبانان ارجمند مجله سر تعظیم فرود می‌آوریم و سپاسگزاری می‌کنیم و واضح است که این استقبال افتخارآمیز نتیجه اطلاع-رسانی گسترده رسانه‌های گروهی بوده و گزارش کامل مراسم همه و همه نتیجه همکاری قابل تحسین همکاران خبرنگار و ادمین‌های عزیز فضای مجازی بوده و ما صمیمانه از همه این بزرگواران سپاسگزاریم. یکی دیگر از خواسته‌های تعداد زیادی از همشهریان فرهیخته شهرستان تهیه آلبوم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شهرستان شبستر (ارونق، انزاب و رودقات) می‌باشد. با توجه به این که بسیاری از این عزیزان در خارج از کشور و در قاره‌ها و کشورهای مختلف ساکن و مشغول می‌باشند و خیلی‌ها در نقاط مختلف کشور پخش هستند کاری بسیار

دموکراسی؛ حکومت انتخابی (۲)



سید حسین غزالی



نشده‌اند. پس معرفت ما ناشی از توانائی ما در ابطال است، نه نتیجه اثبات یقینی و قطعی.

۲ حکومت بر خود موجه تر از حکومت دیگران است؛

توماس جفرسون، سومین رئیس جمهور آمریکا و از مدافعان استقلال آن کشور از امپراطوری انگلستان، نویسنده اصلی اعلامیه استقلال آمریکا و بنیانگذار سنت اصلی دموکراسی آمریکائی (دموکراسی جفرسونی) می‌گفت؛ که اگر آدمیان چنانکه مخالفان دموکراسی معتقدند، نمی‌توانند بر خود حکومت کنند، بطریق اولی نمی‌توانند بر دیگران نیز حکومت کنند. پس حکومت بر خود موجه تر و ممکن تر است، تا حکومت بر دیگران.

جفرسون چهار اصل اساسی برای دموکراسی قائل بود: اول، مشارکت

قطعی؛

برخی از فلاسفه قدیم و جدید از جمله جان استوارت میل، برتراند راسل و کارل پوپر از موضوع معرفت شناسانه‌ی شکاکانه از دموکراسی دفاع کرده‌اند. میل بر آن بود که دانش و معرفت به طور عمده محصول تعامل اجتماعی، مشاوره و مذاکره است، و گرنه حقیقت را نمی‌توان به صورت عینی، مطلق و کلی دریافت کرد. پس چون شک و عدم یقین و قطعیت بیانگر وضع انسان است و هر معرفتی حاصل تعامل به شمار می‌رود، در نتیجه دموکراسی تنها نظام معقول ممکن است. راسل و پوپر نیز استدلال می‌کردند که نمی‌توان با قطع و یقین مطلق به معرفت امور دست یافت و قطعی ترین حکمی که می‌توان در باره‌ی قواعد علمی صادر کرد، این است که بگوئیم که هنوز ابطال

در قسمت اول مقاله؛ به موضوعاتی چون: "مفهوم و منشاء دموکراسی"، "شهروندی و حقوق مدنی" و "سه مفهوم اصلی دموکراسی در سده بیستم"، پرداختیم. در این قسمت به مبانی نظری و توجیحات عقلی که در دفاع از دموکراسی از منظرگاه‌های متفاوت نظریه پردازان علوم سیاسی آورده‌اند، اشاراتی گذرا خواهیم داشت. این مبانی نظری، بر اساس طبقه بندی دکتر حسین بشیریه استاد سابق علوم سیاسی دانشگاه تهران بیان خواهد شد:

می‌توان توجیحات و مبانی منطقی و عقلی در دفاع از دموکراسی را بر حسب نقطه عزیمت اندیشمندان بصورت زیر طبقه بندی کرد:

۱ توجیه دموکراسی بر اساس عدم امکان کسب معرفت یقینی و

آنها یکسانند، بنابراین هیچ چیز دیگر جز آنکه مردم برای خود می‌پسندند، غایت حکومت به شمار نمی‌رود.

۶ توجیه دموکراسی بر اساس مصلحت‌اندیشی انسانها.

اگر تاسیس حکومت برای تامین و پاسداری از مصلحت مردم است، در آن صورت مردم خود بهتر از مرجع دیگری می‌دانند چه می‌خواهند و مصلحت خودشان چیست و از این رو بیش از هر مرجع دیگری شایستگی حکومت (بر خود) را دارند. نظریه‌های جدیدتر دموکراسی بر چنین اساسی حکومت مردم سالاری را توجیه کرده‌اند. در این نظام رای مردم، بالاترین ملاک و بهترین وسیله ارزیابی حقانیت حکومت است. هراستدلالی که مرجع دیگری جز خود مردم را در تشخیص مصلحت ایشان برتر و صالح تر بداند، لاجرم به حکومتی غیر دموکراتیک، خودکامه و یا توتالیتر می‌انجامد.

۷ توجیه دموکراسی بر اساس پیروند دموکراسی با صلح طلبی.

بر اساس این استدلال، احتمال آن که دموکراسی‌ها با یکدیگر درگیر جنگ شوند، کمتر از احتمال درگیری جنگی میان حکومت‌های غیر دموکراتیک است، زیرا عامه مردم اصولاً از جنگ و ستیز گریزانند و اگر در حکومت حضور داشته باشند، از جنگ پرهیز می‌کنند. جنگ‌های بزرگ و کوچک را معمولاً حکام خودکامه و خودسر و یا حکومت‌های الیگارشی وبسته به راه‌انداخته‌اند.

این تقسیم بندی تلخیصی از تقسیم بندی مبانی توجیهی دموکراسی بر اساس نظریات دکتر حسین بشیریه در کتاب "دموکراسی برای همه" می‌باشد.

لازمه قرارداد اجتماعی برای پذیرش قدرت حکومت است و چنین حکومتی همان دموکراسی است.

۴ توجیه دموکراسی بر اساس اطاعت مردم از قوانینی که خود وضع کرده‌اند؛ به نظر روسو تنها در دموکراسی، انسانها که آزاد شده‌اند، می‌توانند در عین فرمانبرداری از حکومت آزادی خود را حفظ کنند؛ زیرا در دموکراسی انسانها از قوانینی اطاعت می‌کنند که خود وضع کرده‌اند. پس اطاعت از قوانین خود همان اطاعت از خود یعنی آزادی است. بنابراین در دموکراسی اطاعت از قوانین و آزادی یکی و یکسان است. در این شرایط حتی آزادی مردم عمیق تر شده و خصلتی مدنی و اخلاقی یافته است. از چنین دیدگاهی دموکراسی تنها حکومت مشروع و ممکن است، زیرا در آن آزادی و قانون یکی هستند، به سخن دیگر دموکراسی تنها حکومت بر حق و مشروعی است که با آزادی انسان سازش دارد.

۵ توجیه دموکراسی بر اساس فایده.

جرمی بنتهام فیلسوف سیاسی بزرگ انگلیسی استدلال می‌کرد؛ که اگر همه انسانها خواستها و نیازهای یکسانی دارند و شادی و رنج‌هایشان همانند است، پس ارضای نیاز و تامین شادی هیچ کس نمی‌تواند بر شادی دیگری برتری داشته باشد. بنابراین آن چه در تصمیم‌گیری‌های عمومی باید ملاک باشد، تنها کمیت یعنی شمار افرادی است که از آن تصمیم‌گیری‌ها بهره مند میشوند. پس دموکراسی حکومتی است که در آن بیشترین میزان شادی برای بیشترین شمار مردم در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که کار ویژه اصلی حکومت به نظر بنتهام تامین رفاه و سعادت و فایده عمومی است و مردم نیز از حیث شایستگی در برخورداری از

سیاسی دوم، برابری اقتصادی، سوم آموزش فضائل مدنی و چهارم، نمایندگی مردم. آرمان جفرسون برقراری دولت شهرهای کوچکی بود که هر یک حدود صد خانوار را در برگیرد و امکان "دموکراسی مستقیم" را فراهم آورد. باین حال وی با توجه باینکه نمی‌توان کشور بزرگی چون آمریکا را با نظام دولت شهرهای کوچک اداره کرد، "نظام فدرالی" را پیشنهاد کرد.

نمایندگان مردم در این جمهوری فدرال به تعبیر جفرسون می‌بایست از درون "اشرافیت طبیعی دانش و فضیلت" برگزیده شوند تا از سلطه مصنوعی "تبار و ثروت" جلوگیری شود. بدین سان جفرسون می‌خواست دموکراسی مستقیم کلاسیک را با نظام دموکراسی نمایندگی مدرن در هم آمیزد.

وینستون چرچیل نیز می‌گفت دموکراسی در میان انواع دیگر حکومت، بهترین نوع حکومت است. به سخن دیگر اگر توجیهی برای حکومت هست، اول برای دموکراسی است، بعد برای سایر اشکال حکومت.

۳ توجیه دموکراسی بر اساس برابر طبیعت انسانها؛ (قرار داد اجتماعی)

اگر بپذیریم که انسانها برابر زاده شده‌اند، باید در نتیجه بپذیریم که همگان حق یکسانی در شرکت در حکومت بر خودشان دارند. همچنین از آنجا که انسانها به حکم طبیعت، آزاد زاده شده‌اند، حق دارند نسبت به پذیرش اقتدار سیاسی و اطاعت از آن، آزادانه رضایت یا مخالفت خویش را اعلام دارند. استدلال اصحاب نظریه قرارداد اجتماعی مانند "جان لاک" و "ژان ژاک روسو" و "منتسکیو" مبتنی بر چنین منطقی است. به نظر آنها، آزادی و برابری مقدمه حق است؛ حق مقدمه توافق و رضایت است و توافق و رضایت



خاطره‌ای از گذشته‌های دور

جمشید محبوبی

محل مرا به خیابان فردوسی تبریز مسافربری خورشید هدایت کردند که هر روز بامداد یک دستگاه اتوبوس موتور جلو قدیمی به مقصد بندر شرفخانه در سواحل دریاچه در حال احتضار حرکت می‌کرد و بعد از ظهر همان روز به تبریز برمی‌گشت.

یادم نیست چه روزی از هفته بود در یک بامداد زیبای پائیزی ساعت ۶ بامداد با اتوبوس شرفخانه به سوی شبستر مرکز بخش حرکت کردم. مشهدی علی خطیبی که راننده و مالک اتوبوس هم بود و در محل او را عمو خطاب می‌کردند. در شبستر پس از گرفتن ابلاغ آموزشی عصر همان روز برای تهیه وسائل مختصر

عمر دو بایست در این روزگار تا به یکی تجربه اندوختن با دگری تجربه بردن به کار بازگشت به گذشته یا ایستایی زمان امری محال است. تذکر این یادمان‌ها در اعماق ذهنم در شعور ذاتیم به زبان حرکت می‌دهد که بگویم و بنویسم لذا شادی و سرور از این یادآوری یاد ایام جوانی را دوباره به روح و روانم جان می‌بخشد. اجازه فرمائید به آبان‌ماه ۱۳۳۹ خورشیدی برگردم. که ابلاغ آموزش و پرورش در دست پسران پسران نشانه‌ی کوزه‌کنان و مرکز بخش شبستر را گرفتم. کدام وسیله نقلیه مرا به آن‌جا خواهد رسانید؟ بالاخره برای رسیدن به آن

یاد ایام جوانی جگرم خون می‌کرد خوب شد پیر شدم کم کم نسیان آمد
این نوشتار بی‌هیچ تعارف یادمان یادگاران شیرین و دلپذیر از مردمان نجیب و مهربان روستای کوزه‌کنان است که امروزه شهر کوزه‌کنان نام گرفته است. بیش از نیم قرن پیش چند سالی در میان مردم خونگرم این شهر به خوبی و خوشی زیسته ام. هنوز هم یاد ایام شباب و مرور خاطرات گذشته ذهن به خواب رفته‌ام را بیدار و آرزوی بازگشت به گذشته را در اندرون دلم بیدار می‌کند. ولی به ناچار با زمزمه بیتی از سعدی بزرگواری خود را تسلی می‌دهم:
مرد خردمند هنرپیشه را

گلی با سقف کوتاه بود که تیرهای چوبی آن سیاه بود. مختصر نوری که از پنجره چوبی و موربانه خورده به درون می‌آمد اتاق را نیمه‌روشن می‌کرد. در محل سه نفر آموزگار زندگی می‌کردند. با اضافه شدن من به این جمع، جمع چهارنفره ساکنین آن خانه را تشکیل دادیم.

روستا از آب لوله‌کشی بهداشتی و برق بی‌بهره بود. توضیح می‌دهم این خانه حیاط کوچکی هم داشت. سرویس بهداشتی آن در گوشه‌ای از حیاط قرار داشت. البته نمی‌توان بسیار متوقع بود که منزل معلم از کیفیت بهتر از خانه‌های اهالی می‌شد؛ بلکه به جز چند یا چندین خانه ثروتمندان وضعیت زیستی مردم برتر و بهتر از منزل ما نبود.

آب شرب اهالی فقط از چشمه هادی (هادی کهریزی) تأمین می‌شد. مظهر آن در انتهای جنوبی روستا قرار داشت. آب خوردن و آب مصرفی آشپزی ما و دبستان را آقای میرصالح ملکی فرزند آقای میرآقا ملکی خدمتگزار مدرسه از همان قنات با کوزه می‌آورد. آب شست‌وشو و سایر مصارف از جویباری تأمین می‌شد که از وسط دهکده می‌گذشت.

آقای میرصالح بعد از مدتی سکونت در تهران به رحمت ایزدی پیوست که برایشان طلب مغفرت می‌کنم.

نخستین آموزشگاه ۴ کلاسه پسرانه بنا به تقاضای اهالی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی بنیاد نهاده شده بود که به نوشته تاریخ فرهنگ ارونق و انزاب که در شهریور ۱۳۳۸ خورشیدی چاپ و منتشر گردیده است. نصف هزینه این مدرسه را شادروان مهدی ابراهیمی

پس از پذیرایی و مختصر استراحت، جوانان رختخواب و اندک وسایل مرا به درب منزل مسکونی آموزگاران دهکده حمل نمودند. از اولین برخورد و خوش آمدگویی و خوشرویی آقای کمال‌الدین شفیعی که مدیر دبستان نیز بودند بسیار مسرور شدم. با تشکر و قدردانی از راهنمایان و وسایل زندگی مرا در گوشه اتاق جای دادم. (با آرزوی سلامتی برای آقای شفیعی که بعد به مدیریت دبیرستان شرفخانه منتقل و بعد از بازنشستگی آن شهر را به اقامت دائم برگزیدند و در حال حاضر نیز در آن محل اقامت دارند). رختخواب و کیف مرا در گوشه‌ای تاریک و نور که هیچ شباهتی به اتاق نداشت جای دادند. محل اقامت یا به اصطلاح خانه آموزگاران، اتاقکی تاریک با دیوارهای

++++

زندگی با اتوبوس عمو مشهدی علی به تبریز برگشتم. بعد از چند روز با همان اتوبوس به مقصد کوزه‌کنان که در مسیر خود بعد از پیاده‌کردن مسافران در شبستر و خامنه به شرفخانه می‌رفت حرکت کردم.

در این سفر هم‌صندلی من در اتوبوس مردی از اهالی خامنه بود. در طول مسافرت از حال و هوای کوزه‌کنان و اخلاق و آداب و خلق و خوی آنان پرسش‌ها کردم. گویا خشم خفته آن مرد درباره مردم این مکان بیدار شد. از گفتار او چنین استنباط می‌شد کوزه‌کنان کانون شقاوت و مرکز مردمان بی‌شفقت و بی‌رحم است. زندگی در آن جا برای مردم غیربومی به ویژه جوانان بسیار اندر بسیار سخت و ناگوار است. همسفرم افکارم را پریشان و روانم را آزرده کرد. پس از پیاده‌شدن او در خامنه اتوبوس راه خود را ادامه داد و پس از عبور از قهوه‌خانه ی بین راهی قره کهریز و رودخانه کم‌آب و پر سنگلاخ که از عرض جاده جریان داشت در جلوی قهوه‌خانه آقای حسن صفا که کدخدای کوزه‌کنان نیز بود متوقف شد. با دلپهره و دلشوره فراوان از مشتریان قهوه‌خانه نشانی مدرسه و منزل معلم ساکن دهکده را جویا شدم. برخلاف انتظار اهالی حاضر در آن محل با مهربانی و شفقت و با احترام تمام مرا به صرف چای و رفع خستگی دعوت کردند. افکار منفی و تصورات واهی ناشی از تلقین آن همسفر که به کلی مرا دگرگون کرده بود، کاسته و به ادامه کارم امیدوار شدم. و با کمک اهالی مختصر وسایل موجود در صندوق اتوبوس تخلیه و به قهوه‌خانه منتقل گردید.

بودم. به زحمت مختصر اجاره‌بها را به ایشان پرداخت می‌کردم. یادش به خیر و روانش شاد. از سایر معتمدین و محترمین کوزه‌کنان تا آن جایی که حافظه فرسوده‌ام اجازه می‌دهد می‌توان از آقایان عباس عباس‌زاده، غلامحسین قادری، اکبر و حسین آقازاده، میرآقا ملکی، حاج محمود مقدسی، و خندانی نام برد. در آن سال‌ها استفاده از گاز خانگی حتی به صورت کپسول گاز در مرکز استان و تهران نیز معمول نگردیده بود. هیچ‌گونه نهاد بهداشتی از قبیل درمانگاه، بهداشتی و موسسه بهداشتی در این دیار وجود نداشت. حتی حمام دوش بهداشتی نیز دایر نبود. افراد روستا همین‌طور آموزگاران مقیم روزهای پنج‌شنبه با طی کیلومترها راه کوهستانی خود را به خامنه می‌رساندند. ضمن خرید مایحتاج از گرمابه بهداشتی آن‌جا نیز استفاده می‌کردند. من هم روزهای پنجشنبه پس از تعطیلی مدرسه با پای پیاده همراه با روستائیان به خامنه رفته از موهبت پنجشنبه بازار و حمام بهداشتی آن بهره‌مند می‌گشتم.

تنها روحانی کوزه‌کنان در سال ۴۰ و ۴۱ خورشیدی میرزا ستار دهقان بود که در آن زمان در قم به تحصیل اشتغال داشت. در ماه‌های محرم، صفر و رمضان در مساجد منبرداری را تمرین می‌کرد.

گویا حجت‌الاسلام دهقان نیز چند سالی است که جهان فانی را ترک کرده‌اند. برای ایشان رحمت الهی آرزو می‌کنیم.

مهمان انافاک ما بود. آقای میرکریم موسوی از آموزگاران بومی و ساکن کوزه‌کنان بود. گویا در حال حاضر در شبستر به فروش لوازم مشغول هستند. با آرزوی تندرستی ایشان او به فرد فرد آموزگاران محبت خاصی داشت.

یادآوری آن ایام تارهای روحی مرا به ارتعاش درمی‌آورد. درون پریشانم را جان تازه می‌بخشد. به یاد رادمردانی می‌افتم که بی‌منت و با خلوص نیت چترهای مهربانی را بر سر آموزگاران از جمله حقیر گسترده بودند. از آن جمله می‌توان از روان شاد حاجی‌نوروز نوروزی یاد کرد. که از هیچ کوششی برای رفاه حال ما دریغ نداشتند. او تنها خواربار فروش دهکده بودند که در مدت یکسال مستأجر ایشان

++++

دریانی و بقیه به کمک اهالی تأمین می‌گردد. نخستین دبستان کوزه‌کنان به وسیله آقای عباس قلی آقاجانی با همکاری میریوسف گلابی اداره می‌شد. بنا به گفته اهالی برای تأسیس دبستان در کوزه‌کنان آقایان میرفتاح موسوی، سیدعباس موسوی و میرعلی حبیبی پیش‌قدم بودند و زحمات زیادی کشیدند. شنیده‌ها حاکیست هر سه نفر دنیای خود را عوض کردند و به رحمت ایزدی رفتند. سیدعباس مردی محترم و مقدس مآب و در میان جمعیت روستا به قداست مشهور بود. میرفتاح و برادرش میرمرتضی از ثروتمندان به حساب می‌آمدند. آقای حبیبی سخنگوی مشکلات آبادی در مقابل مسئولان دولتی بودند که گاه‌گداری به محل می‌آمدند. در آن زمان کدخدا حسن صفا عهده‌دار دهبانی محل بود. قهوه‌خانه سر جاده اصلی نیز متعلق به او بود که از روستا فاصله چندانی نداشت. این قهوه‌خانه که پاتوق اهالی بود به وسیله فرزندش (سرخوش) اداره می‌شد.

در سال ۱۳۳۹ دبستان کوزه‌کنان ۶ کلاسه بود. آقای کمال‌الدین شفیعی مدیریت مدرسه را عهده‌دار بودند. آقایان اسماعیل غفاری و لطیف کریم پور و اسماعیل طهمورثی که اهل و ساکن خامنه بودند در روزهای کاری فاصله چند کیلومتری جاده کوهستانی از خامنه و بالعکس را با دوچرخه رکاب می‌زدند.

آقای محمدرضا رونقی اهل و ساکن شبستر با انرژی پایان ناپذیر جوانی، فاصله ۱۲ کیلومتری را با دوچرخه خود رفت‌وآمد می‌کرد. گاه‌گاهی نیز به علت شرایط آب و هوایی و خستگی

محلّه سیسبک



اسماعیل اسماعیل زاده شبستری



سیسبکلنون انباری یوخ آغالار وارلیلی کهریز آلاز باغ آلاز
 چوخ قور خورام بیر بیر بنی بوغالار سودان اتری خان باجیلار آی بالا
 بیر دامجی سوقلیتینه توکولر اول گن نودان اوسته تیکیلر
 قاب دو لونجا جوان قدی بوکولر یتیمیش عورت نوبت بکللر آی بالا (معجز)

همچنین مسجد قدیمی محلّه سیسبک با همت ایشان در سال ۱۳۹۶ تجدید بنا شده است. بین ساختمان حسینیه و مسجد کوچهای وجود دارد که در سمت دیوار غربی مسجد یاد شده حوض آبی وجود داشته که شاخهای از آب قنات خیراب به آنجا جاری

متر میباشد. در طول محلّه مزبور ده باب کوچه و دربند وجود دارد که در ورودی هیچکدام از آنها، تابلوی نام کوچه نصب نشده است. لازم به یادآوری است که در محلّه مذکور حسینیهائی توسط خیر محترم جناب آقای یوسف کلاهی در سال ۱۳۷۶ احداث گردیده

محلّه فوقالذکر در سمت شرقی ورودی راسته بازار واقع گردیده که در نبش شمالی آن مسجد آقا قرار دارد که اخیراً از طرف اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان شبستر تجدید بنا شده است. طول محلّه یاد شده ۳۸۰ متر و عرض آن ۹ متر و در بعضی قسمتها ۱۰

عباسقلی پورعلی محمدی، میرزا علی عطاری، کربلایی علی حاسبی، میرزا علی معجز شبستری، قاسم طاحونهچی و...

● مشاغل رایج در گذشته:

۱- جد پدری مرحومین برادران مصحفی (محمدباقر و محمد جعفر) حدود ۲۰۰ سال پیش به شغل باریما اشتغال داشتند.

باریما (پرورش پيله ابریشم) به این صورت بود که کرم ابریشم (۱) حشره کوچکی به طول حدود دو سانتیمتر میباشد.

این حشره از ترشحات بزاق دهان خودش پرده محافظی به دور خودش تنیده و در میان آن محصور میشود.

خوراکش برگ توت است و با خوردن آن در یک پيله ۱۲۰۰ متر تار ابریشم میتند.

بدینسان جهان را درباره آفرینش سرگشته و حیران مینماید، این پيلهها جهت بافت پارچه ابریشم به تفلیس ارسال میگردد.

۲- آقایان رضا و علیاکبر اقدام نسبت به بافت چادرشب مشغول بودند.

۳- آقایان اسدپوربابا، میرزاعلی محمد حسین زاده، بافندگان فرش

۴- کربلایی... حاسبی نبات ریز. (۱) تاریخ معجم به آن هم اشاره کرده است.

سلمان حسین زادگان، آقامیرجعفر ساداتیان، حاج غلامرضا قرهیاوسی، کربلایی محمد علی قرهیاوسی، حاج محمدحسین اختری، حاج لطفعلی برقی، محمدرضا مؤدب، محمدباقر مصحفی، محمدجعفر مصحفی، حمدطاهر تاراجی، ابراهیم تاراجی، میرزا نصرالله یحیی پور، میرزا علیاکبر خلوصی، حاج جواد حسینزادگان، غلامرضا کلاهی، حاج قربانعلی عسل فروش، آقاحسین حبیبی، میرزا علی محمد حسینزاده (چاوش)، کربلایی میرهاشم پیمان، میراسماعیل پیمان، حاج میرجواد پیمان، حاج علی اکبر علوفی، حاج

بین ساختمان حسینیه

و مسجد کوچهای

وجود دارد که در سمت دیوار غربی مسجد یاد شده حوض آبی وجود داشته که شاخهای از آب قنات خیراب به

آنجا جاری بوده که آن محل قلیتین نامیده میشد که مردم محل آب مورد نیاز خود را از آنجا تأمین میکردند، روبهروی قلیتین سمت شمالی معبر کوچهای وجود دارد که منزل مرحوم معجز در وسط آن مستقر میباشد

بوده که آن محل قلیتین نامیده میشد که مردم محل آب مورد نیاز خود را از آنجا تأمین میکردند، روبهروی قلیتین سمت شمالی معبر کوچهای وجود دارد که منزل مرحوم معجز در وسط آن مستقر میباشد، در نیش جنوبی انتهای محله سیسبک که به گذرگاه عمومی ختم میشد اداره دارایی شبستر در زمین باغ سابق مرحوم عبدالله جعفری احداث گردیده است، در نیش شمالی انتهای محله نیز ساختمان مدرسه امیرکبیر در زمین قبرستان متروکه به مساحت ۲۶۵۲ متر در سال ۱۳۵۲ ساخته شده است که در حال حاضر نیز دایر میباشد، در سمت شرقی معبر عمومی انتهای محله سیسبک جوی آبی وجود داشت که رودخانه چای به طرف جنوب جاری بود و چند متر پائینتر از انتهای محله، آسیاب مرحوم قاسم طاحونهچی معروف به قاص دده (مردی نابینا و سخنور که در نوازندگی ساز استادبود).

مرحوم معجز باایشان دوستی دیرینه داشت و اکثر شبها در پشتبام آسیاب نامبرده حضور پیدا میکرد و ضمن استماع آهنگ ساز دنواز قاص دده به قصهگویی و داستانهای ایشان گوش میداد.

● درگذشتگان شاخص ساکن در محله سیسبک

حاج تارورد، حاج مهدی و حاج

بزرگداشت استاد عاشیق قشم کندرودی

تنظیم گزارش: محمد باقر احسانی (آراز گونئیلی)



کندرودیهای مقیم تهران (همشهریههای عاشیق قشم) و سایر سازمانها و افراد علاقمند به فرهنگ و هنر آذربایجان و گونئی برگزار شد، در ابتدا گروههای عاشیقهای شرکت کننده که از نقاط مختلف ایران در مراسم حاضر شده بودند، به اجرای دسته جمعی پرداختند، سپس نوبت به سخنرانی افراد و شخصیتها رسید.

اولین سخنران مراسم آقای جمشید صالحی شبستری مدیر مسئول نشریه پیام شبستر بود که به عنوان دبیر فستیوال و همایش بزرگداشت، به ایراد سخن پرداخت.

آقای صالحی در ابتدا ضمن تبریک هفته وحدت و میلاد پیامبر اسلام (ص) در معرفی شهرستان شبستر گفت: این منطقه به منطقه فرهنگ و ادب و شهرستان خیرین معروف است و مردم این خطه آذربایجان در مواقع بروز مصیبت در ایران و جهان همیشه یار و یاور و شریک غم مصیبت دیدگان بوده‌اند. وی از تمامی دست‌اندر کاران برگزاری مراسم و سازمانها و اشخاصی که به هر طریق در برگزاری مراسم بزرگداشت عاشیق قشم دخیل بودند از جمله اهالی روستای کندرود زادگاه عاشیق قشم و جمعیت خیریه کندرودیهای مقیم تهران، خانه ایران عاشیق‌قلاری و مدیر عامل آن عاشیق سلجوق شهبازی، و شهرداری تهران به

بزرگداشت استاد عاشیق قشم کندرودی (گونئیلی) با حضور شخصیت‌های فرهنگی، سیاسی، ادبی و هنری آذربایجان و ایران در سالن پردیس تئاتر تهران در اواخر آبانماه سالجاری برگزار شد. در این مراسم، که در ادامه بزرگداشت بزرگان و نام آوران منطقه شبستر و ارواق وانزاب برگزار می‌شد، علاوه بر عده کثیری از اهالی شهرستان شبستر و همشهریان مرحوم عاشیق قشم و علاقمندان هنر عاشیقی، نمایندگانی از کشورهای آذربایجان، ترکیه و گرجستان، شخصیت‌هایی از جمله دکتر حسین زاده معاون وزیر صنعت و معدن، دکتر امین لو نماینده شهرستان در ادوار گذشته مجلس شورای اسلامی، پروفیسور آصیف محمد اوو، خانم دکتر آقا پور علیشاهی نماینده فعلی مجلس، دکتر علی اکبر صفی پور، فاریس خلیل اوو، علیرضا قجاری معاون مدیر کل ارشاد آذربایجان غربی، دکتر عابدینی مشاور وزیر صنعت و معدن، دکتر حسین صیامی فلکلور شناس و محقق فرهنگی، دکتر بابک ربوفه رئیس اداره موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و شخصیت‌های ادبی، فرهنگی، و سیاسی علاقمند به هنر آذربایجان و خانواده عاشیق قشم، حضور داشتند.

در این مراسم که به همت و تلاش خانهای عاشیق‌های ایران (ایران عاشیق‌قلاری انوی)، نشریه پیام شبستر، جمعیت خیریه

سخنران مراسم هم طی سخنانی به معرفی این مجله و نشریه برای حضار پرداخت و سرفصلهای این نشریه را بر اساس اهداف آن برشمرد. وی از حضار و اهالی شهرستان خواست همچون گذشته پشتیبانی و حمایت‌های خود را از نشریه دریغ ندارند.

یکی دیگر از سخنرانان مراسم بزرگداشت عاشیق قشم، آقای نقابی از فرهیختگان و پیشگامان فرهنگ و ادب شهرستان شبستر بود. آقای نقابی به بیان خاطرات خود از عاشیق قشم پرداخت و سخنان خود را با خواندن این بایاتی به پایان برد:

عاشیقین هارایندان ائل یاتمازهارا یندان
گونده بیر کرپیچ دوشور عمرومون سارایندان
سخنرانی بعدی مراسم، آقای داور زمانخانی جمع آوری کننده آثار و اشعار عاشیق قشم در دو کتاب: «ائل منی آتماز» و «وطن بولبولویم، ائل عاشیقیم» بود.

وی طی سخنانی به زبان ترکی، صحبت‌های بزرگانی را بیان کرد که در مورد شخصیت، استادی و تبحر عاشیق قشم در هنر گفته بودند.

آقای زمانخانی ضمن تعریف خاطرات خود با استاد و توجهات‌ایشان به خودش، به مقطعی از زندگی عاشیق قشم اشاره نمود که به دلیل دفاع از مظلوم و حق مردم و مقاومت در مقابل استبداد شاهی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و در کوه ساکن شده بود. وی اضافه نمود: انقلاب اسلامی انتقام عاشیق قشم را گرفت و ما اکنون به برکت همین انقلاب است که برای آن مرحوم و دیگر بزرگان مراسم بزرگداشت می‌گیریم.

دکتر حسن امین لو نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی از شهرستان ارومق و انزاب (شبستر) هم طی سخنانی، ضمن خوش آمدگویی به مهمانان و حضار شرکت کننده در مراسم گفت: قرار بود دکتر محمد زاده استاندار محترم آذربایجان شرقی هم در این مراسم شرکت و سخنرانی داشته باشند اما متأسفانه به دلیل وقوع

خاطر تخصیص سالن محل برگزاری مراسم، تشکر و قدرانی کرد. آقای صالحی افزود: بعد از برگزاری مراسم بزرگداشت شاعر بزرگ شهرستان، مرحوم معجز شبستری، عده زیادی از فرهنگ دوستان و علاقمندان به بزرگان و مفاخر منطقه و آذربایجان، درخواست کردند که اینگونه مراسمات بزرگداشت ادامه پیدا کند و ما هم در همان راستا، امروز شاهد برگزاری بزرگداشت عاشیق قشم، استاد سخن و هنر عاشیقی هستیم.

مدیر مسئول نشریه پیام شبستر در مورد مرحوم عاشیق قشم گفت: وی یکی از افتخارات بی بدیل منطقه ما و رهرو حق و استاد سخن است. اصولاً همه عاشیق‌ها رهرو حق بودند و هستند که عاشیق قشم هم در راه دفاع از مظلوم دادش بلند بود و به این خاطر در رژیم گذشته مجبور شد چند سالی را در کوهها سپری کند.

آقای جمشید صالحی دبیر اجرایی بزرگداشت ادامه داد: ما به پاس قدردانی از زحمات این استاد و تلاشی که یک عمر برای شادی مردم داشته است، این مراسم را برگزار می‌کنیم و من از طرف دست‌اندر کاران مجله پیام شبستر به برگزاری این گونه مراسمات افتخار می‌کنم.

بعد از صحبت‌های آقای صالحی، آقای بابک ربوفه رئیس اداره موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران سخنرانی نمود: وی با نگاه تخصصی به موسیقی عاشیقی گفت: موسیقی عاشیقی تنها موسیقی است که تمامی کشورهای که این نوع موسیقی را دارند در یک دستان و پرده بندی، با مقامهایی که برای آن تعیین شده‌اند، اجرا می‌شود و این نشان دهنده قدرت، صلابت و قدمت این نوع موسیقی است.

دکتر ربوفه در پایان سخنان خود گفت: ما می‌بایستی همیشه به یاد بزرگان قوم خود باشیم و آنان را گرامی بداریم.

آقای سید حسین غزالی سر دبیر مجله پیام شبستر، دیگر



تلاشهایی می‌شود که این مراسم یکی از همین تلاشهاست. وی در پایان سخنان خود از مجله پیام شنبستر و سایر دست‌اندرکاران برگزاری مراسم و گروه‌های عاشیقی شرکت کننده در مراسم، استاد سلجوق شهبازی مدیر عامل خانه ایران عاشیقلااری، مهمانان خارجی و شخصیت‌های ادبی و فرهنگی، تشکر و قدرانی کرد.

دکتر حسین زاده معاون وزیر صنعت و معدن هم طی سخنانی در این مراسم، ضمن ابلاغ سلام وزیر صنعت و معدن به حضار گفت: ما باید تلاش کنیم سنتها و فرهنگ خود را به فرزندمان منتقل کنیم و ملتهایی که سعی در حفظ ریشه‌های خود هستند در تمام اعصار و قرون پایدار و پابرجا هستند. این بیانات معاون وزیر که به زبان ترکی انجام شد مورد تشویق شدید حضار حاضر در سالن واقع شد.

در این مراسم گروه‌های عاشیقی از نقاط مختلف ایران و کشورهای ترکیه، آذربایجان و گرجستان شرکت کرده بودند که به اجرای برنامه پرداختند.

از جمله عاشیق «صفر آک اوزوم» از ترکیه که به اجرای اشعاری از عاشیق قشم پرداخت

و عاشیق قارا بور چالی از کشور گرجستان و گروه عاشیق‌های گونئی به سرپرستی عاشیق احد علیشاهی گروه عاشیق‌های کرج و استان البرز به سرپرستی عاشیق فرج مرادی

گروه عاشیق‌های همدان به سرپرستی عاشیق نصرت اله زرگر گروه عاشیق‌های تبریز به سرپرستی عاشیق شهباز سلیمانی گروه عاشیق‌ها سهند آوا به سرپرستی عاشیق اروج ناجی وند گروه عاشیق‌های اهر به سرپرستی علی فریدی گروه عاشیق‌های استان قزوین به سرپرستی عاشیق مجیدی

پور

گروه عاشیق‌های قره داغ به سرپرستی عاشیق عارف حمیدی گروه عاشیق‌های میانه به سرپرستی عاشیق عارف قاسمی گروه عاشیق‌های ده ده قور قورد به سرپرستی عاشیق ستار

بابایی

گروه عاشیق‌های مشکین شهر به سرپرستی عاشیق علی حضرتی

و گروه فولکلور به سرپرستی استاد فرامرزی و خانم فاروقی و گروه عاشیق سلجوق شهبازی

یکی از نقاط قوت این همایش، استفاده از اجرای دو مجری توانمند به نام‌های خانم سمیرا تقی زاده و دکتر قدیر پاشاپور بود که صحبت‌های آنان بخصوص صحبت‌ها و دیگلمه‌های ترکی دکتر پاشاپور در میان برنامه‌ها، رنگ و بوی خاصی به همایش بخشیده بود به طوری که تحسین حضار را برانگیخت.



زلزله دز استان، ایشان نتوانست در این مراسم شرکت کنند که من حاوی سلام ایشان برای شما حضار محترم هستم.

دکتر امین لو ادامه داد: هر قومی دارای فرهنگ بخصوص خود می‌باشد و ما ترک‌ها هم دارای فرهنگ مخصوص خود می‌باشیم. یکی از مولفه‌های مهم و اصلی فرهنگ ما ترک‌ها و آذربایجانیها، سنت و موسیقی عاشیقی است.

دکتر امین لو گفت: بعد از ظهور اسلام و حتی قبل از آن، عاشیق‌ها با نام‌های مختلف از جمله «اوزان»، «ده ده»، «بخشی» و غیره در جامعه و میان مردم حاضر بودند و عاشیق‌ها نقش مهمی در گسترش اسلام داشتند و با ساز و آواز خود، بنا به گفته کتاب حماسی ده ده قور قود، مبانی اسلام را به مردم معرفی می‌کردند. دکتر امین لو افزود: تمام و اکثریت قریب به اتفاق ترک‌های جهان مسلمان هستند و می‌توان گفت ترک‌ها بزرگترین قوم مسلمان را از نظر جمعیت در جهان تشکیل می‌دهند و عاشیق‌ها نقش بزرگی در گسترش دین اسلام و بسط آن در میان این قوم داشتند.

دکتر امین لو در مورد تعریف واژه عاشیق گفت: عاشیق عارف است، عاشیق شاعر و نوازنده است و در اشعار و صحبت‌های خود، مسائل اجتماعی و دردهای جامعه را بیان می‌کند.

نماینده سابق مردم شنبستر افزود: مهمترین نکته‌ای که عاشیق‌ها را برتر از سایر هنرمندان قرار می‌دهد عرفان است که در میان آنان وجود دارد. عاشیق باید عارف باشد و عاشیق‌ها عارفند، حالا عارف به چه معناست؟ شیخ محمود شبستری در مورد عارف می‌گوید:

«دلی که معرفت نور و صفا دید

ز هر چیزی که دید اول خدا دید».

که عاشیق علمسکر این جمله را به ترکی ترجمه و در اشعار خود آورده است.

دکتر امین لو گفت: ما باید در کنار حفظ سایر سنت‌های خود، به حفظ این هنر و سنت خود هم اهتمام بورزیم. البته

وطن بۆلبۆلو، ائل عاشیقی



دکتر ح. م. صدیق / استاد سابق دانشگاه‌های تهران

من بو مقاله مده‌ایکینجی کیتابی اینجه لمه یه چالشمبشام. متالارین سؤنودا وئردیییم صفحه سایلاری، همین کیتابا عائددیر.

عاشیق قشم کۆندۆرلۆدور، میشوو داغینب اته یینده دۆنیایا گۆز آچمیشدی. قشم اۆزۆنۆ- عاریفلر دیلی ایله- مهمان حساب ائدیر. یعنی غیب عالمیندن بورا قوناق گلیمیشدی و جاهل گۆزلردن گیزلنمیشدی. هم مهمان و همده پنهان ائدیلیمیشدی:

میشوو سنه قوربان اولوم،

منی مهمان ائيله دین سن.

یامان گۆنده، بد چاغمدا،

منی پنهان ائيله دین سن (وطن بولبولویم- ص ۲۳)

و یا:

بئش ایل اولدوم داغدا پنهان،

قۆدود منی قاری دوشمان،

ایاغیمی دلدی تیکان،

مأمورلار منی گۆددۆلر،

عایله می اینجیتدیلر. (وطن بولبولویم- ص ۲۰)

و یا:

ائی اولو آتامین سیر داشی میشوو،

ائی آغری داغینب قارداشی میشوو!

بو زامبور قشمین بولداشی میشوو،

پنهان ساخلا منی، گلدیم، ها گلدیم! (وطن

بۆلبۆلویم- ص ۴۵).

عاشیق، گۆنچ و اویونچ ایله اۆز اصالتی و اۆز کۆکۆندن دانیشاندا، قومی منسوبیتینی ایتیرمه مه یی بیر اصل حساب ائتمه یینی اۆزه چکیر. بیز اوندان یادگار قالان شئعرلرینین بیر نچه یئرینده بو مسأله یه راست گلیریک. آنا محبتی و وطن عشقی، ائل قایغیسی ایله ده بیرلشنده، شاعیرین «منده تۆرکم» کیمی اویناق گرایلبسی یارانیر:

آنام منه لایلا دیئیپ،

ائلیم تۆرکدۆر، من ده تۆرکم.

سۆد وئریپ منی بسله ییب،

عاشیق شئعی و عاشیق داستانلاری، آذربایجان کلاسیک ادبیاتی ایله یان- یانا بۆیۆمۆش و یئتگینلییه چاتمبشدر و اۆزۆنه مخصوص بیر معنوی ده یر و یارادچیلیق یاتاغینا چئوریلیمیشدیر. تۆرک دیلی خلقلر آراسیندا یارانان بو ادبیات یاتاغی، اولوسلار و میلتر آراسیندا تایی تاپیلماز بیر گئیش ساحه دیر. شفاهی عاشیق ادبیاتی، رسمی کلاسیک ادبیاتیمبزیله یاناشی یوزایلردن بو یانا گلیب بیزه چاتان معنوی بیر وارلیق ساییلیر. یعنی باشقا میلترلایله فرقلی اولراق، آذربایجان تۆرک شئعی ایکی اساس دالا بۆلۆنۆر: ۱. رسمی کلاسیک شئعر، ۲. عاشیق شئعی.

بوایکی بۆلۆمۆن یانیندا البته کی اۆچۆنچۆ فولکلوریک شئعلرده، هر میل آراسیندا اولدوغو کیمی بیزده ده واردیر.

عاشیق شئعی میزده ایشلنن شئعر اۆلچولری عمومیتله هجا اۆلچۆلریدیر و اۆزۆنه مخصوص قاید- قانونلاری واردیر. بو قایدالاری ایلیک نظمه سالان ادبیات نظریه چیسسی امیر علی شیر نوایی اولموشدور. او میزان الاوزان ادلی شئعر اۆلچولرینه عائد یازدبغی کیتابدا «اوزان» ozan شئعلرینه ده یئر وئرمیشدی.

اوزان یا عاشیق شئعی نینده، هر شئعده اولدوغو کیمی ایهام، خیال، ایجاز، عاطفه و بو کیمی شئعه عائد صنعتلر و ایچه ریکلر گۆرۆنۆر و اؤنلاردان داها اهمیتلی بودورکی، سۆز جۆک داغارجبغی و موسیقی گئیشی داها قاربیق شکیلده گۆزه چاریپر. بلکه ده دئمک اولار کی، موسیقی عاشیق شئعی نین ان اساس عامیلی ساییلیر.

عاشیق دئدیگده، بورادا شئعر یازما قابلیتینه ده مالیک اولان ساز و سۆز اوستادلارینې نظره آلېرام. اؤنلاردان بیز ایله چاغداش اولان بیرسی، مرحوم عاشیق قشم دیرکی، بورادا شئعلرینین بعضی مضمون و معنالارینې سېرالاماغا چالېشاجام.

عاشیق قشمین شئعلری ایندی. اۆچ مجموعه حالیندا علم عالمینه معلومدور: ۱. ائل منی آتمازه. ۲. وطن بۆلبۆلویم، ائل عاشیقیم.

آذربایجان، آذربایجان (وطن بولبولویم - ۱۵).
آذربایجانن هر نقطه سی اونا دوغما دېر، سئویمیلیدیر.
عمرونون بعضی ایلرینده بیر مدت اورمودا یاشامیشدېر و
بو گۆزل جنت بوجاگی اولان شههره شئعرلر یازمیشدېر:
نه قده ر اورمودان دانبشسام آزدېر،
نهرلرده اۆزن اۆردکدی، قازدېر.

قشمین وار- یوخو صدقلی سازدېر،
گۆزل اولار ییغنجاغی اورمونون (وطن
بولبولویم - ۴۷).

و یا تبریز اۆچون حصر ائتدییی قهرمانلیق مضمونلو
شئعرلرینده، حماسه پرور بیر عاشیق- شاعیر
کیمی چپخېش ائدیر:

بۆتۆن تاریخلرده آدېن- سانېن وار،
حسین باغانېن وار، ستارخانېن وار.

استبداد غنیمی باقرخانېن وار،

سنه آرخالانېر بوایران، تبریز! (وطن بولبولویم - ۴۸)

و یا مشکین، مغان و اردبیله عائد یازدېغی بیر قوشمادا،
وطنه باغلی روحو و صمیمی دیلی ایله ائللریمیزین شرف
و شوکتیندن سۆز ائدیر:

قوجا بیگلی گۆردوم آغېر ائللیدیر،

ساری خوجالېدېر، سیاه تئللیدیر.

مقدیم طایفاسی شیرین دیللیدیر،

چوخ اوجا دۆشۆبدور داغلی آنلانېن (وطن بولبولویم -
۴۸).

اول قاشی کمان گلمهدی! (وطن بولبولویم - ۲۱)

قشم غم و کدردن چوخ سۆز ائدیر. اۆزۆنۆ درد یاناغی
ساییر. لاکن، اصلینده او، سئوینج و گۆلمک- دانبشماق
شاعیریدیر. گۆلمه یینی ایسه، ائللرین شادایانالېغېنا
باغلايېر:

دلی کۆنلۆم باتما غمه،

ائللر گۆلسه، من گۆله رم (وطن بولبولویم - ۱۶)

عاشیق قشم اۆزۆنۆن دئدیینه گۆره، آذربایجان خلقینین
دوشمنی اولان شاه رژیمی ایله مبارزه ایلرینده ۱۵ ایل
داغلاردا- داشلاردا قاچاق یاشامیشدېر:

قشم بولبول ایدی گۆل بوداغېندا

بئش ایل قاچاق اولدو میشوو داغېندا. (وطن بولبولویم -
۴۸)

دیلم تۆرکدۆر، منده تۆرکم. (وطن بولبولویم - ص ۱۷)
و یا:

قشم سئور گۆنئی ائلین،

خدمته باغلادی بئلین.

اونودمادی انا دیلین،

دۆز بۆلۆلۆم باهار گل سین (وطن بولبولویم - ۱۸)

اؤنون نشر اولان شئعر مجموعه لرینین آغېر حصه سی
یوردونون تعریفیندهدیر. عاشیق، اۆزۆنۆ گۆنئی یوردونا
باغلی بیر ورغون حساب ائدیر و هر سۆز باشېندا
گۆنئیدن دانبشېر و «گۆنئیستان» ی وصف ائدیر:

یازدیم تاریخلرده قالسېن یادگار،

باهار گۆنئیده دیر، یاز گۆنئیده دیر.

همی یایلاغې وار، همی آرانې،

قوبا گۆنئیده دیر، قاز گۆنئیده دیر (وطن بولبولویم - ۴۴)

عاشیق محمد علی اوغلو عاشیق قشم، اۆزۆنۆ خسته
قاسیمین نوه - نتیجه لریندن حساب ائدیر. او،
بعض «قلندر» و گاهدا «زامبور قشم» تخلص ائتمیشدیر.

او، همده اۆزۆنۆ عاشیق حسین جاوانېن دوستو و معنوی
قارداشی ساییر و اونا بیر چوخ شئعرلر هدیه ائدیر:

عاشیق حسین قۆیدو گئتدی،

اۆرھگیمی سۆیدو گئتدی.

یوخسا مندن دۆیدو گئتدی،

گلمهدی جاوان، گلمهدی،

عاشیق قشم گۆنئیلیدیر. دفعه لر گۆنئی بۆلگه سینه اولان
محبت و عشقینی دیله گتیرمیشدیر. اوزاق دۆشدۆیۆ
زمان ایسه، آلاهدان بیر داها اؤرایا دۆنه بیلمه یی دیله
میشدیر:

قشم، سئویرم یوردوم ایرانی،

منه قسمت ائیله آدرستانی.

کۆنلۆم چوخ ایسته بیر گۆنئیستانی،

بو میسکین قولونا کرامت ائیله،

قادر الله منی حمایت ائیله. (ص - ۱۶۲)

آنا یوردو آذربایجانا جانان سئوگی بسله یین عاشیق قشم،
اؤنسوز اۆزۆنۆ یوخ حساب ائدیر، اؤنون قوچاق نبی، هجر
و کؤراوغلوسونا گۆوه نیر و اۆزۆنه سؤیکنه جک و دایاق
ساییر:

سین واردېر قوچاق نبین،

بوز آتا میندی هجرین.

تورکو دیلینده شئعرلرین،

یارانمیشلارین پناهی،
ایکی دۇنیا پادشاهی،
سنسن عفو ائدن گناهی،
سن ماسوانی یاراتدین (وطن بولبولویم- ۳۳)
اؤنون جوشغون مذهبی بیر روحی واردپر. مشهده زیارته
گئتدییی زمان بیر نئجه گرایلی و قوشماایله اۆره کدن
آغلاپر، سبتقاپر و امام رضا(ع)دان عنایت ایسته بیر:
گلدیم آغا زیارته،
ضریحینه عبادته.
من محتاجام عنایته،
اجازه وئر غریب آغا (وطن بولبولویم- ۳۵)
عاشبق قشمین یارادبجیلپغیندا «حیدر بابا
مکتبی» اینجیلریندن سایپلان «میشوو داغی» منظومه
سینین اؤزونه مخصوص یئری واردپر. شاعیر، ۴۰ بنده-
باخین اولان بو منظومه نین هر بندینی، میشوو داغینا
خطاب ائده رک سؤزلرین دئییر، طبیعت گؤزلیکلرینی
و جنّت کیمی گوشه لرینی وصف ائدیر، کندلرین و دره
لرین آدلارین سبرالایپر، گووه نرک شیخ محمود و میرزا
علی معجزدن آد آپارپر و بیر سؤزله فخریه کیمی یازدبغی
منظومه نی عاشبق ادبیاتی خزینه سینه آرتپر:
میشوو داغی پاییز تویبار باشلانار،
قؤورغانین یانانلاری داشلانار.
گؤل تعریفی بیزیم ائله خوشلانار،
میشوو داغی سندن الهام آرارلار،
عاشبقلار کؤکله ییب سازین چالارلار. (وطن بولبولویم،
ص ۲۱۲).
عاشبق قشم جعفری، شمسی ۱۲۸۸- نجی ایله
دوغولوموش ۱۳۶۸- نجی ایله وفات ائتمیشدیر. ۸
یاشیندا ایکن آتاسین و بیرایل سؤنرا آناسینی الدن
وئرمیشدی. ۱۳۱۳- نجوایله کیمی غربته یاشامیش
و ۲۵ یاشیندا ائولنمیشدی. اؤنون اثرلرین، آقای داور
زمانخانی و آقای حسین محمد خانی گونئیلی تویلاپ
چاپ ائتمیشلر.
۱۳۹۳- نجوایل شهر یور آپیندا اؤنون اؤچون طنطنه
لی آغبرلاما توره نی بریا ائدلمیشدیر. عاشبق قشمین
یاشادبغی ائو، اؤلکه میزین ملی اثرلری سبراسیندا ثبت
اؤلونموشدور و اؤنون آدینا مدنیت ائوی قورولماقدادپر.
الله اؤنا غنی- غنی رحمت ائله سین.

«میشوو» سؤزۆن بورادا معنوی بیر آنلامیدا اولمالدپر.
یعنی سؤز یوخ کی بؤیا- باشا چاتدیغی و منسوب
اؤلدوغو ائللریده قصد ائدیر. او، عاشبق حسین جوان
کیمی سیاسی مهاجرته اؤز گتیرمه دی و یا گتیره بیلمه
دی. لاکن ائللرینین حمایه سینده و یوردونون قوینوندا
یاشادی و عزت گؤردو. چۆن کی اؤزؤ دئمشکن دؤیوشکن
و مبارز بیر روحیه صاحبی ایدی:
ظلم کارا اؤز وئرمه ریک، قان سؤرانی ازه ریک،
ائل یؤلوندا هر سیتمه دایاناربق، دؤزه ریک.
قشم کیمی بنش ایل تمام یایلاقلاردا گزه ریک،
اینانمیشبق ازل گؤندن اسلاما، قرآنا بیز.
عاشبق قشم عارف بیر عاشبقدپر. دده قوربانی کیمی،
علسگر تکی عرفان نغمه کاری دیر اؤزؤ شریعت طالب،
حقیقته وورغون و شاه مردان علی(ع) مریدی سایپر:
من طالبم شریعته،
وورولموشام حقیقته،
چوخ دئمشم جمعیته،
مولامدان الهام المیشام (وطن بولبولویم- ۲۴)
قشمین آذربایجاندا یایغین اولان طریقتلرین هانسینا
باغلی اؤلدوغو هله آیدینلاشمامیشدپر. اما هر حالدا
او اؤزونه «قلندر» لقبی وئریر و بیر طریقتچی عاشبق
کیمی ظهور ائدیر:
شاه مرداندپر مرادیم،
قلندر قشم دیر آدمیم. (وطن بولبولویم- ۲۴).
اؤزؤن کفرؤن دوشمنی حساب ائدیر و بیر مبارز حقیقی
مسلمان کیمی دئییر:
من قشمم شعر یازپر،
کفرؤن کؤکونو قازپر (وطن بولبولویم- ۲۵).
و یا:
من آلاهبین بنده سییم،
الله منه مددکاردپر،
من ائلمین گور سسی یم،
یازدبقلاریم یادگاردپر. (وطن بولبولویم- ۲۶)
و یا:
مولام منی ارشاد ائدیب،
مرشدؤم شاه مرداندپر.
اؤخوموشام دؤرد کیتابی،
اما کیتابیم قراندپر. (وطن بولبولویم- ۳۰)
تانری درگاهینا ایسه اؤز گتیرنده ده عارفانه دانیشپر،
شئعلری، طریقت اهلی آراسیندا سسلن «کلام» لارا
بنزه بیر:

ایلك اؤنجه، یئری وار بو دانیشیقلاری، هیدایت و مودیریت ائدن، آذربایجانین شرفلی و ائلینین، یوردونون، مدینیتی اوغروندا چالیشان اینسان، جناب موهندیس محمد زیدی دن درین تشککورلریمیزی بیلدیره رک، بو عزیز ائل آغ ساققالینیا داها اوغورلار دیله یک.



موهندیس محمد زیدی

عاشیق حسن اسکندری ایله دانیشیق



سرحدلردن آشان عاشیقلا ریمیزدان دیر. پیام شېستر فرشباف: عاشیق، بوندان کی، واختینیزی بیزه وئردینیز، میننتداریق. عاشیق قشم آدینا چاپ اولوناجاق پیام شېستر درگیسی نین اؤزل سایینا گۆره واختینیزی آلمیشیق، آلتی بئددی سورغوموز اولاجاقدیر. عاشیق قشم له باغلی اولان

دانیشیغا کئچدیک، اتکده، سیزی بو صمیمی دانیشیغین اوخوماغینا قوناق ائدیریک. آشیق حسن اسکندری بؤیوکلویوقده رده آلچاق کؤنول دور. آشیق حسن اسکندری یه بیر چوخ آغیرلامالار توتولوب دور، او سیرادان، بهمن فرهنگسراسینین شهید آوینی زالیندا، تای هله گورونمه یین طنطنه لی آغیرلاما صابیر و ساهیر ادبی درنکلی نین رفیندن توتولموشدو. او، سسی

دانیشیق آپاران: موهندیس وحید فرشباف کاغیذا کؤچورن: منوچهر فضلی خلف (آزر ائلی)

آذربایجانین، ان سئویلن، خالقین اوره بینده یئر سالان، ائلیمیزی اونودولماز خاطیره لر یاشادان عاشیق حسن اسکندری نین قوللوغونا گئتدیک، آچیق قاپی و قوناق سئورلیک له قارشیمیزا چیخدی. خوش-بئش دن سونرا

سازیم لا چالیدی - او خودو. هر گون برنامه دن قباق عاشیق لارا بیر سیرا سوال لار وئرردیم، او سوال لار کی، ذهنیمه گلردی.

عاشیق قولو بویوک عاشیق ایدی، حسین جاوانین شاگردی ایدی، مثلن، اونا بیر سوال وئر، او بیرر آشیکا آیری سوال وئرردیم، دئیردیم: بو گون سن دن بو سوالی ائده جم، جاوابین نه اولاجاق؟ اما عاشیق قشمه دئمه دیم سندن فیلان سوالیم اولاجاق، بیلیردیم او حاضر جاوابدی. دوزایش دئیلدی، اونا دئیم، سندن بو سؤزو سوروشا جام، نه جاواب وئر جک سن.

برنامه نین مجری سی ده اوزوم ایدیم، او زامان کی، اعلان ائله دیم، ایندی عاشیق قشم گله جک، دئمک هم، گوردوم قباقدا بیر نچه شخص دستمال چکیب آغلابیرا، هم آن دا دؤندوم - گوردوم عاشیق قشم گلیر، اما! ائله بیل کی، ساولان داغی دی گلیر - سازی دا قولتوغوندا، من اوزوم ده کدرلدیم.

آنچاق، گلدی، سؤز صوحبت باشلانیدی، خوش - بئش دن سونرا، عاشیق دان خبر آلدیم: عاشیق قشم، نچه ایل دی عاشیق لیق ائدیرسن؟

دئدی: من، یئددی یوز ایل دی آشیغام!

گولومسه ییب، سوروشدوم: نچه یاشین وار عاشیق؟!

دئدی: یتمیش بئش یاشیم

دئدیم: یتمیش بئش یاشین وار!

اوچ ایل اورادا برنامه آپاردیم، اوچ ایل دن سورا، عاشیق قشم له داها تانیس اولدوم. سالام - علئیک لریمیز داها صمیمی لشدی، اوزو ده عاشیق قشم دن سؤز - مؤز سوروشمازدیق، موقید اولادیق.. آنچاق، اوره بیمه دوشدو، دوستلارین طریقی یله عاشیق قشمی ده برنامه یه دعوت ائله دیم، گلدی، برنامه یه. بیر نچه عاشیق، عاشیق قولو کی، رحمت لیک عاشیق حسین جاوانین شاگردی ایدی، عاشیق علسگر مرندی ایدی، او دا رحمته گندیب. عاشیق بشیر ایدی، گتندی جیبه ده شهید اولدو، یئددی سکیز عاشیق داها وار ایدی. او زامان برنامه نین بیلیتی ۵ تومن ایدی، عاشیق لارا قرار قویموشدوم هر گونلرینه بئش تومن وئرردیم، پولون قالانینی او گون آپاریب خرجه یردیک. او جور ده اولاردی پولون قالانینی هم گون خرچلردیک. عاشیق قشم ده بیرینجی گون سازینی گتیرمه میشدی، منیم

معلوماتینیزدان ایستیفاده ائده جه بیک .

عاشیق حسن: چوخ خوشگلیبسینینیز، خیدمتینیزده ایم. فرشباغ: عاشیق قشم له تانیسلیغینیزهاچان باشلادی؟ کیمین توسطویله اولدو؟ عاشیق حسن: تامام ائشیدن دوستلاریمیزا، عاشیق لاریمیزا، موغنی لریمیزه، ایران خالقینا، او تایللی - بو تایللی آذربایجان خالقینا سلام عرض ائدیرم.

من، ۱۳۴۹-۱۳۴۹ دا بیر ایل قوال چالمیشام، اوندا عاشیق قشمین آدین ائشیدردیم، ۱۳۵۰-دن ساز گؤتورموشم، یاواش - یاواش ساز گؤتورن زامان، هر دن بیر قهوه یه گلردی. عاشیق قشم کونورده اولاردی. هامی سئوینردی عاشیق قشم گلیب. اوجا بویلو بیر شخص ایدی، لبه دار پاپاق قویاردی، عینک ووراردی. بیر سؤز عرض ائدیم کی، بیز گندیب اونا سالام وئرمه یه ده اوتاناردیق، موقید اولاردی بیز اونا سالام وئرنده. او زامان اونون قییافه سی یله تانیس اولدوق. اوزو ده بعضی واختلار قهوه ده اوخویاردی، چوخ گؤزل حزین سسی وار ایدی. عاشیق قشم سؤز اوستادی ایدی، واقعن - سؤز دئیردی. عاشیق قشم له یاواش - یاواش تانیس اولدوق. ۱۳۵۴-ده تربیت کیتابخاناسیندا برنامه قویدوم، اورجلوق گنجه لری، او زامان بیر هفته قباقدان آدلاریمیز گنجدردی ساواکا، بیزه جاواز گلردی. او طریقی له فرهنگ و هنر ایداره سیندن جاواز آلدیق.

+++++

جک بیزی ده! پاسبان بو سۆزو دئییه ن اینقیلاب دان -زادان خبر یوخ ایدی، ۵۲-جی ایل ایدی. اما بو سۆزلر گرک دئییه!

خولاصه، گلیم ائوه، ائومیز، قاپینی دؤیدوم، گوردوم، بولار یاتمایب. یئر زاده سالدیق، گوردوم، قاپی دؤیولدو، دئدیم: دده وای...! بو کۆپک اوشاغی (ساواک) گلدیلر! بیر بالاجا پنجره میز وارایدی، آچدیم، گوردوم، عاشیق قشم له بالابانچی دی. قشم دئدی: دئدیم، گنجه نین بو واختی حسن ی آپارلار من یاتام؟! دور منی آپار، اولارا! قاپینی آچدیم، منی قوجاقلادی- آغلادی.

مشهدی تیمور دئدی: آخی، بو یاتمایب کی، گنجه نین اولیندن باشلایب آغلاماغا تیمور قایتدی- گئتدی، عاشیق قشم له گلدیگ ائوه بو منیم اول خاطیره مایدی کی، عاشیق قشم له تانیس اولموشام، یاواش- یاواش رحمت لیک له یاخینلاشدیق، گل- گندیمیز چوخالیدی، بیزه چوخ گلیب- گئردی. بو بیرنجی خاطیره می ایندییه جن بیر یئره دئمه میشدیم. سونرا اینقیلاب دا بیر نچه یئره منی معرف لیک ائله دی، توپا - زادا گئتدیم. او توی لارین بیری ده صوفیان دا ایدی، گئتدیم صوفیان دا مجلسه

ایندی مجلسده بیر طرفده فدایی لر، بیر طرفده موجهیدلر! بو طرف دئییر: موجهیدی! تعریفله، او طرف دئییر: فدایی نی

آلدم اوزوم او خودوم، دوز دئییر دیلر، انجاق مستقیم ایشاره اولمادیغینا گۆره بوروشدوردوم و دئدیم، بوردا ائله بیر سۆز یوخدور. منی ساواکین «سه راه امین» کومیتة سینه طرف آپاردیلار. بونلاریکیسی ده گنجه منی اورا آپارماقدا، بیر آزدان سونرا، پاسبانلارین بیری، او بیرینه دئییر کی، بابا، اؤتور گنتسین، ساوادسیز بیر آدمادی، وئریلر، بو دا اوخویوب، ویله گنتسین! دئدی: یوخ، او جور دئییل، گرک آپارام!

دئدیم: آغا، قوی آپارسین دای! اولن، سیزی بورا قویوبلار دعوا دوشمه سین! سونرا دا، بیر دعوا یوخ ایدی کی، قوی آپارسین! پاسبان دئدی: یوخ، اؤتورورم گنت، اما بو سۆزلری بیر یئره اوخوما. آپارلار یازیق ائیلرلر. سن دئییرسن؟! بس شاه گنتسه، یئرینه کومونیسست گله جک؟!، ماللا گله جک، سیزی ده در به- داغین ائده

+++++

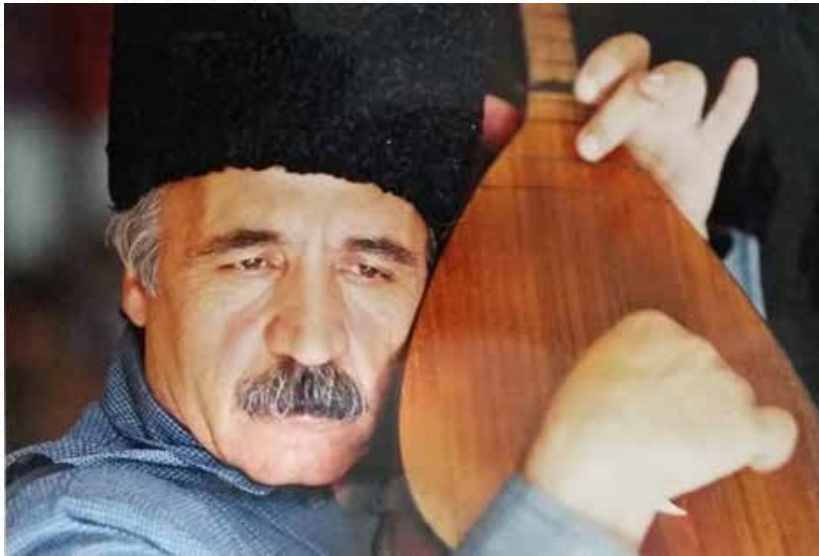
نه تهر ۷۰۰ یئددی یوزایلدی عاشیق سان؟! دئدی: بالام، سن اوشاقسان، بیلمزسن، منیم دده م محمدعلی عاشیق ایدی، خسته قاسیم عاشیق ایدی، علسگر عاشیق ایدی، کیم عاشیق ایدی.

باشلادی اوخوماغا گنجه لرایکی پاسبان گلردی، برنامه نین سونوندا، اوللار دا بیر پول وئردیم. او گنجه ذوالفقار (سلطانی) بیر شئعیرینی اوخوموشدوم. برنامه نین سونوندا پاسبانلار زحمت یانا وئرنده، دندیلر، قوی جماعات گنتسین سنینه ایشیمیز واردیر. بیز او زمان نچه یولداشا بیر ژیان آلمیشدیق. یولداشلاریم ماشینین ایچینده ایدلر. ماشینا طرف گئتدیم، باشیمی پنجره دن ایچه ری سوخوب یولداشلاریم دئدیم، جیلریمی تئز بوشال دین، کار- کاغیز اولماسین. هامی گئندن سونرا، منه دئدیلر: اوللار نه دیر سن اوخورسان؟ سن گرک سکینه دایی قیزی دان- زاددان اوخویاسان!

دئدیم: مگر نه اوخوموشام؟ دئدیلر: آپاریب دیرناقلارینی چکنده گوررسن!

جیب- قولتوغومو آختاراندا، بو بیری جیبیمده دئمه ذوالفقارین شئعیری او بیری جیبیمده قالیمیشدی، اونو چیخارتدیلار، دندیلر بودو باخ، سن کارگردن اوخویورسان، شاهی تولکو ائله ییب سن؟ باشلادیلار اوخوماغا، اوخویا بیلمه دیلر.

دئدیم: وئرین اوزوم اوخویوم.



تعريفله! من ده قالميشديم آرادا، اوندان سونرا، عاشيق قشم له شرفخانادا بير توي گتتديم، حيطی دؤشه ميشديلر، باغلی بير حيطايدی، دام- دووار دا دولو آرور- قيز- گلین، حيطده ده ايگنه سالماغا يئر يوخدو! من ده اوخويورام، اؤز ده او زمان سسيم زيل ايدی، سسیمی آتميشام باشيما! اوخويورام، عاشيق قشم ده اوتوروب يوخاری باش دا پپ چکیر. آما، هئچ سؤزومه قولاق آسان يوخ ايدی کی، بونه دئير- نه اوخويور!؟

ايش اورا يئتيشدی کی، ايتيه ديلر، عاشيق قشم اوخوسون، گلديم- اوتوردوم عاشيقين قاباغيندا، دنديم: مئيدان سيزينکی دير! رحمتليک، دوردو آياغا، بالابان- قوالچی دا منيمکی ايدی. بالابانچی تیمور، قوالچی رضایدی عاشيق قشم آياغا دورماق همن! ائله بيل، قورباغا گولونه داش آتديلار، هئچ کيمدن جينقير چيخميردی، اوجور کی، ائشيديرديم، ياواش- ياواش پيچيلداشسيرديلار، بيری دئيردی: عاشيق منيم فاميليم دی، او بيری دئيردی، عاشيق منيم قوهومومدور، بيری دئيردی بيزيم آغ ساققاليميزدی.

فرشباف: عاشيق قشمين يازيب- اوخوما ساوادی يوخ ايدی، شئعيرلری- داستانلاری- سؤزلری هاردا ساخلایاردی؟ عاشيق حسن: قشمين ساوادی يوخ ايدی، شئعيرلرينی- داستانلاریني دئيردی، بير نوه سی وار ايدی، او يازاردی. قشم

اؤز منه دئيردی، تا باشلاييرام داستانی اوخوماغا، داستان گلير- دورور گؤزومون قاباغيندا. او سينه دفترايدی.

: فرشباف: عاشيق قشم، اؤزوندا قاباکی عاشيقلارين هانسیندان، چوخ تاثیر آلميشدی؟

عاشيق حسن: عاشيق قشم بيزه دئمزدی، اوستادلاری نين کيم اولدوغونو، کتچميش عاشيقلارين هامیسی نی اؤزونه اوستاد بيلردی. خسته قاسيم، دده قوربانى، عاشيق علسگر، بولاری اؤزونه اوستاد بيلردی. آما اونون دؤوره سينده ياخشى عاشيق لار وار ايميش، مثلن، عاشيق تقى و بير چوخ بيلن عاشيقلار وار ايدی، چوخ بيلن عاشيقلاردان، گونئی ين اؤزونده، چوخ اوستاد عاشيق لار اولوب آدلاری ايندی ياديمدا دئيل. قشم، هميشه اونلارين آدلاریني دئيردی. اؤز قيزيمين تويون دا قشم

چاليب- اوخويوب ۶۲-ينجی ایل ده، عاشيق قشم ايدی- عاشيق عبدالعلی ايدی، بير ده علی فرشباف ايدی. گون چيخاناجن چاليب- اوخودولار. قشمين چوخ گؤزل حافيظه سی وار ايدی، او گنجه، قشم بير سئگه اوخودو، عاشيق ايدی دا، آما سئگاهی چوخ گؤزل اوخودو، سليمان روستم اونا بير شئعير يازميشدی، اونا اوخودو. البته، ايندی او شئعير ياديمدا دئيل.

بير تویدا او شئعری اوخوتدوق، اوخوماسی دیکلمه سی بير ساعات زامان چکدی. عاشيق دا اونا جاواب يازميشدی.

قشمين حافيظه سی کا مپيو تر کیمی ايدی فرشباف: بيز بيله نی، سيز عاشيق قشمين شاگيردی کیمی قوللوغوندا اولوبسوز، او دؤوره دن- اؤيرنديکلريندن نه لر ياديزدادير؟ عاشيق حسن: دنديم دا، عاشيق قشم دن اوتانارديم، هئچ نه

دئدیم: قشمی هاردان تانیبیرسیز، شئعیرلریندن خبر آیرسیز؟ دئدیله: او زامانلار کی، سرباز توتدو اولاردی، بیزیم کنددن اوچ دنه سرباز توتوب آپاریرلار گوئی طرفینه، بولار دا جاواندیلاز دا، سؤز قویورلار کی، قاشینلار. بولار قاپیر- گلیرلر قشم گیلین کندینه، کئنده هئچ کیمی تانیبیرلار کی، گئتسین لر او قاپییا! گؤرورلر، بیر قاپی آچیق دی. قشمین قاپیسی همیشه آچیق اولاردی. قشم باشقا بیر کیشییدی. گئدیله رایچه ری. عاشیقین ایکی طبقه لی ائوی وارایدی. بیلیمیر ایندی ساتیب لار یا قالیر، یوخاری طبقه دن سسله بیر، کیم سیز؟

دورور گلیر، گؤرور بولار سربازلیق لیباسیندادی. گؤروشور، آپاریر یوخاری. خانیمی نین آدی فاطما- یدی، چاغیریر: فاطما- فاطما چؤرک گتیر- چای گتیر. کوندورده گؤزل لاواشلار بیشیردیله، بولارا چؤرک- چای گتیریلیر، یئییب- ایچدیکن سورا، خبر آیر: بالا، هاردان گلیرسیز؟ هارالی سیز؟ سربازیق، قاشمیشیق، گلدیک بو کئنده، گؤردوک سیزین قاپی آچیق دی.

اون سکیز گون اولاری ساخلا بیر ائوینده. اون سکیز گوندن سورا، گتیریر کندلرینده تحویل وئریر. قشم بئله بیر شخصیت ایدی! عوضینده، بیر عاشیق وارایدی، آدین دئیمیرم، چوخ دا بیلن عاشیق ایدی ها، قوی آدینی دئیمیرم، دا، عاشیق محمدایدی، مامئد، دئیردیله، حتتا قاپیسینا تویچو

فرشایف: آغ ساققلار معمولن؟ عاشیق حسن: هامیسی- هامیسی، جاماعات هامیسی! او زامان کی بیز گئدیله، بیر کئنده تویا گئتدیم، ارسنجانا. بو یئرله عاشیق قشم آز گلردی، کوندوردن باشی آیینمزدی کی، بو یئرله ده گلین، کئنده یئتیشدیم، قشم دن سوروشدولار، قشم دن اوخو، دئدیله، من ده بیلدیم قدر اوخودوم دا! یئرله اوتورانان سورا، خبر آلدیم، قشم، بورا گلیددی؟! دئدیله: یوخ، گلمه ییبدی



+++++

سوروشمازدیم، چکینردیم. مثلن، دوراردیق گئدردیک کندلرینه- اونون یانینا، گؤروشردیک، آما، هئچ نه سوروشمازدیم. فقط، بیر گئجه ایکی میز تک ایدیک ائوینده، عاشیق علسگردن صؤحبت ائیلهدی، علسگردن منده ۵ کیتابی وار، لاتین جا، او سؤزلری کی، دئییردی، هئچ بیر بو کیتابلاردا یوخ دو. قشم دن هئچ نه سوروشما میشام، آما، اوخوماقلارین اوخوموشام. ایکی کاسئت اوخوموشام عاشیق قشم دن، جوازین دا آلمیشیق، یئنه ده تزه لیکده بیر کاسئت اوخوموشام او دا عاشیق قشمین او تای سفری دی، جاوانلیقدا گئدیله، اورانی سئچیب اوخوموشام داستان لا بیرلیکده. خوب، من کی، اوخویا جاغام، قوی اوندان اوخویوم دا!

آلاه رحمت ائله سین، خسته قاسیم- دده قوربانی، عاشیق عابباس دا بیزیم اوستادیمزدی. بوتون شاعیرلر بیزیم اوستادیمزدی. اولارین شئعیرلرینی ده اوخویارام، آما، قشمی هامیدان قابق بیلیمیشم و قابق دی دا! قشمین سؤزلرین اوخویاریق. ایندی من گئتمیشم کانسئرتله قشمین ایکی شئعیرین اوخوموشام، هئچ بیرین بیلن یوخ دو!، دئیمیرم، قشمین سؤزلرین سیزه اوخویان اولماییب؟! بونلاری ازبرله بیلن اوندان علاوه، قشمین گئتدی یئرلرین بیر چوخونا گئتمیشیک، آدی گلنده خالق روحونون حقیقنده صلوات چئویریب دی.

دانشماغا سۆزونوز واردیر، آرتیق سیزی یورماق ایسته میرم، سون سۆز بویورون!

عاشیق حسن: قشم رحمته گئندن زامان بیز نچه عاشیق گنتدیک تعزیه سینه، قاییتدیق- تبریزده ده گۆی مچیدده مراسیم توتدوق. اردبیلدن سلیمی دعوت ائتدیک مراسیمده اوخوماغا، گلدی. اوزامان جاوان ایدیم اللی- آیاقلی یدیم، مچیدی ده من دولاندیردیم. قشمین اؤز شئعیرلرینی وئردیک اوخودو. سون دقیقه یه جن مچیددن دوروب گئندن اولمادی. هامی گلن لر آخیراجا اوتوردولار. بیزلردن ده دانیشان فالان اولدو. روحانی ده بوستان اوانین امام جمعه سینی دعوت ائتمیشدیک، گلیب چاتا بیلمه دی. حاجی محمد صؤحبت ائیلهدی (حاجی محمد پاسدار ایدی) گۆزل ده صؤحبت ائیلهدی. قشم گۆزل معلوماتلی اینسان ایدی، یاددان چیخما یا جاق منیم ایدی کیتاییم وار، کیتاب کی! تاید اولماسی اون ایکی ایل چکدی. عاشیق قشم له دئییشمه لریم وار او کیتاب دا، البته، اوز- اوزه دئییشمه میشیک. اوز- اوزه دئییشمک جورعتیم اولمازدی. عاشیق رحمته گئندن سورا، دئییشمه سایاگی جاوابلار یازمیشام، اوستادین شئعیرلرینه، وئره جم باخاسیز، کاغیز باهادیر، آز سایدا چاپ ائمیشم. احتیمالن، چاپ اولوناجاق، ۳۱۱ صفحه دیر.

کی، بیرى تقلید ائیله سین- اوخوسون اونون دیلینجه، ایندی، من دئییم، فیلانکس اونون یولون گندیر، یوخ! ایندی داستانلار یوخدو، البته، عاشیق دا دا گوناہ یوخدو، زامان جمع لیب. قشمین اؤغلو مظاهیر، کرج ده اولار، او دا اوخویار، اما، سسی قشمین سسینه بنزه میر. او جور بیرى تاپیلماز کی، قشمین یولون گنده. قشم آدی دیلرده دئییله جک، قالا جاق. اؤزو ده قشم چوخ گۆزل اینسان ایدی پاک آدام ایدی.

فرشباغ: عاشیق بیلیرم کی، سیزین قشم حاقدان ساعاتلار



+++++

گلنده، قاپینی باغلاردی- چیخیب کوچه ده تویچولارلا دانیشاردی. اونا گۆره ده، باجاریقلی بیر عاشیق اولاراق (آلاه رحمت ائله سین دوستوم ایدی)، آد قازانمادی، آدی هئچ یئرده یوخدو.

اما، قشمین قاپیسی همیشه آچیق اولاردی، تویچو گلردی- قاپینی دؤیوب اؤسگوره- اؤسگوره گندردی ایچهری. آرزیم دی بوتون عاشیق لار بوجور اولسون- قاپیسی آچیق اولسون، بیزیم کیمی یوخ! ایش لر تلفون لار اولوب، زامان بئله دی. اؤزوموز ده خانیم لار هرایکیمیز مریض له میشدیک تزه یاخشیلاشمیشیق. تویچو قاپی یا گلنده، چاغیراریق ایچهری- قوناق اوتاغینا عاشیق ائلین چۆره بین یئیب، اؤز ائلینه بورجلودو. نه تهر دئیرلر: اتی ده اؤزونون اولسا، سومویو ائلین دی. منیم باغیم- بوستانیم یوخ ایدی کی، گلیب بورانی آلمیشام، ائلین گوجودو، اونا گۆره ده ائلین قدرینی بیلمه لیبیک، ائلدارلیق چوخ چتین دی

فرشباغ: عاشیق قشم دن سورا اونون یولونوهانسی عاشیق لار داوام ائتدی؟ ایندی هانسی عاشیق یا عاشیق لار او یولدا گندیر؟

عاشیق حسن: عاشیق قشمین یولونون داوامچیسی اولمادی، یوخدو! قشم داستان دئیردی، شئعیر معدنی یدی. ایندی نه داستان وار نه ده اونون لحنی- لهجه سی له اوخویان وار- قشمین سسی تک ایدی. هئچ کیم اونون یولون گئندمز. فقط سس دئییلدی

عاشيق دهقان لا دانشيق



دانشیق آپاران: موهندیس شافعی
فیلم چکن: سرهنگ رسول غلامی

عاشیق دهقان، بیلگین، سینه دفتر،
گۆزل روایتچی و اوزونه مخصوص و
اوره یه یاتان سسله اوزون ایللردیر،
عاشیقلیق صنعتین لذتینه ائلینه
پای وئیر.

شافعی: عاشیق دهقان، بیز گرک
سیزی دده چاغیراق، سیز چوخ بؤیوک
عاشیقیمیز سینیز.

عاشیق دهقان: سن واقعن هونر سئون
و هونر تانیان اینسان سینیز، ساغ
اولون!

شافعی: ایکی هفته قاباق سیزه بیر
آغیر و طنطنه لی تۆرن توتدولار، او
موناسیته ده سیزه تبریک دئییریک
عاشیق!

عاشیق دهقان: ساغ اولسونلار،
او اوچونجو آغیرلامایدی کی منه
توتولموشدو. گلن هفته ده منی تبریزه
دعوت ائدیبلر.

شافعی: ماشاللاه اولسون، همیشه
سیزه بئله ساغلام گۆرک!

عاشیق دهقان: ساغ اولون، من
آلاهدان اوزون عؤمور آلمیشام،
عیلتی ده بو دور کی، ایندی یه دک،
آغزیما، سیغاردا، نه بیلیم نه دن، نه
دن، ضررلی بیر شئی لر دن دیمه ییب
دیر.

شافعی: چوخ گۆزل! عاشیق، سیزین
اوستادلارینیز کیملر اولوبدور؟

عاشیق دهقان: اوستادلاریم، باشدا
عاشیق فرهاد، قیرمیزی باش علی،
عاشیق موسی، عاشیق عباد، بونلارین
مجلس لرینده اولوب اویرنمیشم.

کلبه قولام قهوه خاناسیندا چالیردی.
چالیب- اوخومانین سونلاری ایدی.
بیر اورتا بوی، عاشیق ساز الینده
کۆینک ده، چکمه آیغیندا، بالابانچی
یانیندا، اوستاد فرهادا یاخینلاشیب،
دئدی: عاشیق من ده آشیغام! من
سونرا بیلدیم کی، او عاشیق قشم دیر.
عاشیق فرهاد دا دئدی: بیر قاطر

چال، اوخو!
رحمتلیک عاشیق قشم، سازینی
چیخارتدی، بیزیم طرفده بالابانچی
اولماز، اؤزده، بالابانچی دا چالیدیلا،
قشم بیر آز باش گۆزونو اوخویا- اوخویا
اوینادی، اوخودو. هامی خوشلارینا
گلدی، گولوشدولر.

شافعی: قشم اؤزوايله ساز
گتیرمیشدی؟
عاشیق دهقان: هیه! سازدا، بالابانچی
دا!! منیم تانیشلیغیم عاشیق قشم له
اوردان باشلانندی. سونرا من زنجیر
خیاواینیدا، کافه برادران دا ۱۸ ایل
اوخوموشام. قشم ده اورانین یانیندا
مصطفی نین قهوه خاناسیندا

مثلن، عاشیق امراه و قوربانلی
داستانلارینین چوخونو، عاشیق
موسی دان اویرنمیشم.
شافعی: شاگیردلرینیز حاقدان نه دئییه
بیلر سینیز؟

عاشیق دهقان: اورمودا شرقی و غربی
آذربایجاندا، البته چوخو غربی ده ۲۴
نفر شاگیردیم اولوبدور.

غربی آذربایجاندا بوتون عاشیقلا
شاگیردیم اولوبلار. آذربایجان شرقی
ده، بناب دا عاشیق باهار دا منیم
شاگیردیم اولوبدور. اینقیلابدان قاباق
دا ایللر بویو اورمورادیوسوندا، عاشیقلا
برنامه سینی من دولاندرمیشام.

شافعی: اوستاد دهقان بیز
ائشیتیمیشیک کی، سیز عاشیق
قشم له اولوبسونوز. عاشیق قشم له
نه وقت وهانسی ایلدن تانیشلیغینیز
باشلانندی.

عاشیق دهقان: دوز دئییرلر، منیم
۱۶-۱۷ یاشیم ایدی، بؤیوک اوستادیم
عاشیق فرهادین شاگیردی ایدیم.
باهار فصلی ایدی. اورمودا مرکزده

وارایدی، اوردا گندیب چالاردیم. قشم ایله ائله یئرلرده گوروشردیک. قشمین اوز انوی کوندور ده ایدی. شبستردن تبریزه طرف گئندنه سول الده، داغلارا طرف بیر کندایدی. کوندوره ده گنتمیشم. اونولا تبریزه ده گوروشوموز اولوبدور. شافعی: سونوندا عاشیق قشم دن نه بیلیرسینیز بویورون. عاشیق دهقان: عاشیقلیغین دالیسیجا دوشموشدو، ایشی عاشیق ایدی، خوش عاشیق ایدی، اما بونو دا دئییم، بیر داستان دوزه لیدی کی عاشیق فرهادی، گویا دئیشمه ده باغلابییر دیر. من عاشیق قشمین اوزوندن بیر گون سوروشدوم: سن عاشیق فرهادی، باغلابییرسان؟ قشم دئدی: یوخ! اونا گوره اوستادیمیز عاشیق فرهاد دا ائله بیرناغیل قوشماق دوزایش دئییلدیر. آلاسهامی اوستادلارا رحمت ائله سین، فرهاد، قشمه، عاشیق موسی یا، عاشیق علی قیرمیزی باشا، عاشیق عیبادا، دده کاتبیه، پور آذره و بوتون دونیادان کؤچن اوستادلارلا بئله.



▲ ساغدان سولا: عاشیق دهقان - موهندیس شافعی - سرهنگ رسول غلامی

ساوادی وارایدی. هئچ یوخ دئییلدی. آز-ماز اکابیر اوخوموشدو. کیتاب دا چیخارتمیشدی. کیتابینا اونون-بونون شئعرلریندن ده قاتیشیب دیر. مثلن قاسیم (خسته قاسیم) ین شئعرلریندن قشمین کیتابا قاتیلیمیشدی. شافعی: قشم اوزوندن بیر یئنی هاوا چیخارتمیشدی می؟ عاشیق دهقان: واللله اونو بیلیم. اونو بیلیم کی، بالابان هاوالارینی یاخشی چالیب اوخویاردی. اورانین (او تاین) آرهاواسی یوخ ایدی کی! اوهاوالاری چالیب قورتارماق اولاردی؟! شافعی: عاشیق قشمین شاگردی وارایدی؟ اونون یولونو بو گون کیملر گئدیر؟ عاشیق دهقان: من شاگردلریندن بیرینی تانییاردیم. شبسترده، دیزه خللی کندینده، عاشیق کاظم اونون شاگردی ایدی. عاشیق قشم له فقط اورمو دا گوروشوبسونوز، یوخسا سیز ده اوینلارا گندیسینینز؟ عاشیق دهقان: بورا گلردی، منده شبستره، دیزه خللی یه و آیری کندلره توپا گنردیم، تسی ده بیر قهوه خانا

اوخویاردی. مصطفی نین قهوه خاناسیندا ایکی دوکان آشاغا، بیر اه یری آغاچ واریدی. اوخوماقدان باشیمیز آییلاندا، او آغاجین یانینا بیغیشاردیق. اوردا اوتوروب دانیشاردیق. من ایدیم، رحمتلیک قشم ایدی، رحمتلیک پورآزایدی و بیر نچه نفر آیرسی ایدی. اوردا قشم بیزه دانیشاردی. قشم سؤز- صؤحت بیلن، ائل عاشیقی، مشهور عاشیق ایدی. خوش عاشیق ایدی. شافعی: پور آذرده عاشیق ایدی؟ عاشیق دهقان: پور آذر شاعیر ایدی. شافعی: عاشیق قشمی عاشیقلیق عالمینده نجه تانیییرسینیز؟ عاشیق دهقان: دئدیم کی، یاخشی، مشهور و ائل عاشیقی ایدی. شئعر-مئر ده دئییه ردی. شافعی: عاشیق قشمین اوستادی کیملدی؟ کیملردن ایلهام آلیب، اوزنمیشدی؟ عاشیق دهقان: اوراسینی من بیلیم. اما یادیمدادی، قشم چوخ اسماییل بی دن دئییه ردی. مثلن دئییه ردی اسماییل بی-ین یانیندا، فیلان عاشیقلا باغلاشدیم. قشم، اوتایدا قالمیشدی. باکی طرفینده اؤیره نیب، گلمیشدی. شافعی: اونون، سازایفاسی یاخشی ایدی، یا سسی، سؤزو؟ هانسی؟ عاشیق دهقان: تقریبین خوش ایدی. اوزونه گوره خوش عاشیق ایدی. شافعی: دئییرلر قشمین ساوادی یوخ ایدی. بونون دئییبی شئعرلری و چالیدیغی هاوالار حاقدا نه دئییه بیلیرسینیز؟ ساوادی یوخ ایدی نجه شئعر دئییردی؟ عاشیق دهقان: ساوادی وارایدی. آز

قشم، کیمه نئيله ميشدى؟

سؤوموشدو. او هنج وخت و هنج يئرده كند اربابلاريني تعريف ائله مه ميشدي. او، اؤنلارين كندلرده رعيتته ائله ديكلري طؤلمون وكؤبود حركتلردن بيزاريدي. بونا گؤره ده اربابلار اؤنونلا دؤز گلميرديلر. او اؤزو بو باره ده بئله دئيريدي:

- آذربايجاندا ۱۳۲۵- نجى ايلدن سؤنرا اربابلارين تحريكيله گؤنو- گؤندن مئيداني بيزلره دارالديرديلار بيزيم ائويميزه تؤكولوب، عاييله ميزي قؤرخودوردولار. حتتا گؤردوم عوامي تحريك ائله بيبيركي، مني توتسالار، اؤلدوره لر. بونا گؤره گئجه ايله كنددن قاچديم، نئچه گؤن اؤيان بو ياندا گيزلنديم. «سيس» كندي نين اهالي سيندان اؤلان «كربلايي آلايه وئردى» و آيري بيز شخس ايله «قالايچي» وسايلي گؤتوروب، قارا داغ ماحاليندا قالايچيلىق ائتمه يه يولا دؤشدوك.

ميشؤو وؤقارلي عاشيق قشم حؤدودو سوز شؤهرته ماليكدير. چؤخ شاعيرلر اؤنون شأينده شئعر يازيب و اؤنون كمالاتين نظمه چكييلر، آذربايجانين شانلي شاعير عاليمي دؤقتور زهتابي نين عاشيق قشمه يازديغي قؤشمانين ايلك بندي همين سؤزه ياخشى مثال دير: سلام ميشؤومون اؤولو سسي شاهها باش ايمه دين هنج زامان قشم ياشا گونئيمين اؤدلو نفسى بيس گؤنده ائل ايله ياشايان قشم ...

قؤجا عاشيق داينيب دئدي: - گلسين، گؤزوم اؤسته يئري وار! بيز عاشيق قشم ايله اؤپوشوب گؤروشدوك، او بيزي ائوي نين ايكينجي طبقه سينده اؤلان اؤتاغا آپاردى. بؤيوك بيز كؤرسو كند ساياغي اؤتاغين يۇخاري باشيندا قؤيولموشدو. بيز ايستي كؤرسوده ساللانديق. چاي گتيرديلر. بيز آز سؤنرا كؤندورون ميلاق اؤزوملريندن كؤرسو اؤستونه قؤيولدو. عاشيق اؤزو اسكي بيز كيتاب ايدى، دئمك اؤلار، اؤز عصرينده، گؤنئي ماحالي نين جانلي تاريخيدي. او گؤجلو بيز حافىظه يه ماليك اؤلدوغو اؤچون گنج چاغلاريندا گنديب، گؤردويو شمالي آذربايجان و جنوبي آذربايجانين چؤخ يئرليندن چؤخلو خاطيره لر نقل ائديردى. آذربايجانين چؤخ يئرلرينده، او جؤمله دن گؤنئي ماحاليندا، اؤسگوده، خيسرؤوشادا، قارا داغدا چؤخ- چؤخ توييلار

+++++

يازان: رحمتليك اؤستاد « منظوري خامنه» او ايل (۱۳۶۶) قيش چؤخ آغير كئچيردى. من تهراندان خامنه يه گئتميشديم، قشمين اؤلوموندن بيز- ايكي ايل قاباق ايدى. من اؤزومله بئله بيز قارا گلميشديم كي، كؤندوره گنديب، عاشيق قشمي ياخيندان گؤروم. صوفيانين ياخينليغيندا، شبستر- تبريز جاده سيندن ميشؤو داغي ايتيينده يئرله شن كؤندور- كؤل آوا كندلرينه بيز يؤل آيريليردى. بيز او يؤل ايله گنديب، كؤل آواني كئچديك، كؤندوره چاتديق. گؤن- گؤن اؤرتاني كئچميشدي، ايكيندي چاغيدي. گؤي بؤلؤدسوز اؤلدوغو اؤچون كنده گيرن يئرده، مئيدانين بيز بؤجاغيندا گؤنه وردنه نئچه نفر داينيب، اؤزلىريني گؤنه وئريب، بيز بيزيله دانيشيرديلار. بيز اؤنلاردان عاشيق قشمين ائويني سؤروشدوق. بيز جوان اؤغلان قاباغا دؤشوب دئدي:

- گلين گئدك، من قشم دايمي نين ائويني گؤرسديم! او ايل قار چؤخ ياغميشدي. داريسقال كؤچه نين آراسيني قارلا ائله دؤلدورموشدولار كي، بو تايدان باخان، او تايدا كيني گؤره بيلميردى. اؤجا بؤيلو، ايلنده چليك، قؤجا بيز كيشي بيزه طرف گليردى، جوان اؤغلان قاباغا يئريب، اؤنا دئدي: قشم دايمي، قشم دايمي، سيزه قۇناق گلير.

عاشيق قشم وفات ائتىدى

محمدعلي اۇغلو عاشيق قشم جعفري اۇزون سۇرن آغير خسته ليكدن سۇنرا يکشنبه گۇنو ۱۳۶۸/۷/۲ دە وفات ائتميشدير. او معاصر عاشيق صنعتي نين گۇركملي نماينده سي و آذربايجانين مثلسيس عاشيقي اۆلموشدور. مرحومدان چۇخلو قۇشمالار، اۇستادنامه لر و غيره چاپ اۆلنوموشدور. واقتيله تيفليس ده عاشيق صادقي، گنجه ده عاشيق تيموري، تبريزده گۇموش كمر عاشيق علسگري، اۇرميه ده عاشيق فرهادي و داها بير چۇخ بو كيمي گۇركملي عاشيقلاري دئيشمه لرده باغلاميشدير. عاشيق قشمين مۇعاصر آذربايجان عاشيقلاري نين بۇنوندا اۇستادليق حقي واردير.

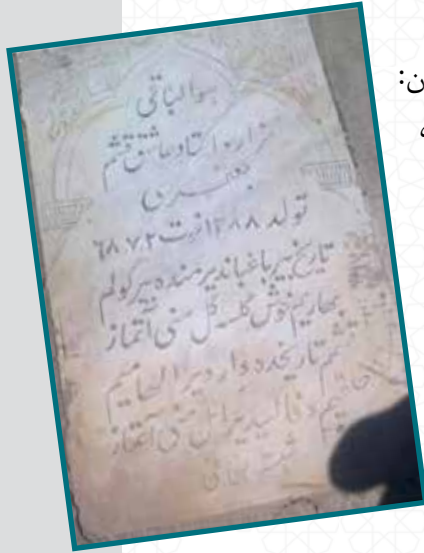
مرحوم عاشيق قشمين سۇن شئعرلريندن:

قۇجاليق، يۇخسوللوق دۇشدو بير يئره
تامام قۇهوم قارداش، ائليم ياد اولدو
بير گۇجولو چاي ايديم دالغالانارديم
كسيلىب طاقتيم، سئليم ياد اولدو

نئجه اولدو گزديبم او باغچا- باغلار
داها اله دۇشمز او جوان چاغلار
آه چكيب اوره بيم، قليم قان آغلار
بۇلبول فغان ائدر، گۇلوم ياد اولدو

مجلسلر گزديم عئشوه نازيله
صۇحبت ائيله يرديم خوش آوازيله
يانيق كرم ايله، تئليلي سازيله
دئيب دانيشماغا ديلم ياد اولدو

«قشم» هشتادا چاتيپ دير ياشيم
گنديب آتام، آنام، قالمير قارداشيم
قبريمي قازماغا يۇخدور سيرداشيم
أييلىب قامتيم، بئليم ياد اولدو



عاشيق قشم ايله اربابين حكايه سي



قوجا كيشيلرين بيري نين ديلي
توتار- توتماز دئيبير
. بو ايشين آچاري مشه قشمين
الينده دير، اؤدئسه ياخشي دير-
: بو سؤزو ائشيدن ارباب آرتيق
تعجؤبله دئيبير
- بو آد ايندي يه كيمي قولاغيم
دئيمه ييبدير، مشه قشم كيمدير
كي، سؤزو خاندان دا، اربابان دا،
كدخدادان دا، آغ ساققالدان دا
ياخشي يئربير؟
: اونا بئله جواب وئيرلر
. مشه قشم عاشيقدير، اؤزوده

اوندان باشقا بير آدامين آديني
سانديقلارا سالمايالار، من بو باره ده
اونا آرخاينليق وئرميشم!
بو سؤزو ائشيدن آغ ساققاللار
دئيبيرلر:
- خان ساغ اؤلسون، خالق بيزدن
سؤز ائشيتمز، بيزيم دئديبموزه
باخمازلار!
بو سؤزو ائشيدن خان تعجؤبله
سؤروشور:
نئجه باخمازلار؟ بو سؤز منيم
سؤزومدور، منيم سؤزومه باخمايانلار،
كيمين سؤزونه باخارلار؟-

سؤيله ين: عاشيق قشمين اوغلو)
عاشيق مظاهر جعفري)
قلمه آلان: منظوري خامنه
اسلامي انقلابدان نئچه ايللر قاباق،
اؤلكه ده ميلي شورا مجليسي،
سئچگيلري اؤلاجاغيدي.
بير گون كوندور و اورانين قونشو
كندلري نين اربابي تبريزدن
«سيس» كندينه گليب، نئجه آغ
ساققالي اطرافينا تۇپلاييب دئيبير: -
بوتون كندلي لره تاپشيرا جاقسينيز
كي، يالنيز منيم ياخين دوستوم
اؤلان..... خانا سس وئره لر و

کي، وئره جه ييني بۇرادا يازيب،
ايمضالايا جاقسانمي؟

: ارباب دئيبير

. سنين ايسته ديگين منيم
ايمده اولسا، يازيب، قۇل چكيب
وئره جه يم -

: قشم دئيبير

- من اؤزومه بير زاد ايسته مه
بيرم، يازيب- ايمضالا كي، «بو
گۆندن بري اربابي اولدوغوم بو نئچه
كندين رعيترليندن اكديكلري نؤخود
و يۇنجايا بهره آمايا جغام و يالنيز
بۇغدا و آرياني بهره سينه قناعت
انده جه يم!»

ارباب قشمدن هر نئجه جواب گۆزله
سه يدي ده بئله بير جواب گۆزله مه
بيردي؛ آما مجبور اولوب، بير رأي
آماق وعده سي قارشيسيندا بير
يۇلوق اولاراق او كندلرده نؤخود و
يۇنجا بهره سيندن اليني اؤزمه يه
راضي اولدو و ائله بير سندي يازيب
ايمضالايب، كندلي لره وئردى.
نتيجه ده رعيترلر، بير آغير يۆكون
آلتيندان قۇرتولدولار.

دؤيدوغوموز كيمي، قشم هئچ واخت
اؤزونه بير شئي ايسته مه بير، هر نه
ايسته بيرسه خلقينه ايسته-بير، بونا
گۆره ده خلقين اوريينه يۇل تاپا بيلير.
ايسته مه ينلري نين و اونون اولدوغو
ايله اؤز يئرلريني دار گۆرنلرين و بعضن
دين آدينا آپاريلان تبليغاتلارين
ضربه سينه معروض قاليرسا، متدين
آما آبيق خلقين يانيندا اؤركدن
آلقيشلا نير. خلق ياخشي بيلير كي،
چؤخونون ياخشيلغي سؤزونده و
ديلينده ديرسه، قشمين ياخشيلغي
دؤشونجه سينده و ايشينده دير.

بىرم؛ يعني اوندان بير شئي آماميش
بير شئي وئرمم

: بو دؤنه اونلار عاشيقي سيس
كندينه گتيره بيليرلر. عاشيق ارباب
ايله گۆروشور، ارباب اؤز سؤزونو اؤنا
دئينده، او دئيبير

: - ارباب، بيز سيزه سس وئرسك،
سيز بيزه نه وئره جكسيز؟ بو سؤزو
ائشيدن اربابين اؤزبينه اؤمود
جالانير، اؤز- اؤزونه دئيبير

- بۇنون ايسته ديبي نه اولاجاقدير؟
پۇل ايستر وئره رم، ائو ايستر، وئره
رم، اؤكوز ايستر وئره رم، بير كندليني
راضي سالماق، بير اربابا چتين
ايش دئييل، قۇي هر نه ايسته بير-
ايسته سين، آنجاق منيم سؤزومو
بئره سالماسين، يۇخسا رعيترلرين
ايچينده آيرسيز اولارام. او، بير آز
بئله دؤشوندوكدن سؤنرا عاشيغا
دئيبير:

- عاشيق، ايسته گؤروم نه ايسته
بيرسن؟

: قشم دئيبير

- ارباب، يۇخ دئممه يه جكسن

كۆندورلودور، سيزين رعيترلرينيزدندير
ارباب

! - آدام گۆندرين، مشه قشمي منيم
يانما گتيرسينلر
اربابين امريله ايكي نفر او كنددن
كۆندوره يۇللانير. اونلار عاشيقي
تاپيب دئيبيرلر:

-عاشيق، ارباب تبريزدن سيسه
گليب و سني گؤرمك ايسته بير، گل
گئدك سيسده اربابين يانينا!

: عاشيق جواب وئير

- منيم نه ارباب ايله ايشيم واردير،
نه ده سيسه گئديرم؛ مني گؤرمك
ايسته ين گلر كۆندوره !

: او ايكي نفر اولوب- اولاجاغي
عاشيغا دئيدكده، عاشيق جواب
وئير

- ايندي كي، خانين منيمله ايشي
واردير، گؤروشك ايسته سه،
گلسين گؤروشك، قالان سؤزلري ده
بۇرادا دانيشاريق.

: نهايت او ايكي نفر الي بۇش خانين
يانينا دؤنور و خانا دئيبيرلر

خان ساغ اولسون، مشه قشم بير آز
خسته ايدي، گله بيلمه دي.

: خان كي بئله بير جوابي گۆزله مه
بيردي، اونلارا دئيبير

- من اؤنو گؤرمه لي يم، آت، آرابا،
ماشين هر نه وارديرسا، آپارين و اؤنو
بو كنده گتيرين!

: ائلچي لر نه وسيله ايله گتمه لي
ديلسه، بير داها كۆندوره گئديرلر،
عاشيغا دئيبيرلر

: - سن سيسه گلمه سن، ارباب
بيزي اينجيده جكدير، گل گئدك
اوريا، بيليرسن كي ياخاميزدان ال
چكن دئييل. عاشيق قشم دئيبير
. گلرم، آما اونولا بير آل- وئر ائله

اوزان گۈلنگلري - عاشيق قشيم



حسين م. گۈنئيلي



اوزان ويا عاشيق اۆلچولري ايله اۆلچوله بيلن بو ساز- سۆز اوستالاري نين داها ميسيني بير سيرادا، بير اۆلچوده، بير گۆزده گۆرمك اۆلماز؛ بونا گۆره كي بۇنلارين آز سايدا اۆلاني حتي دده مقامينا دا يۆكسله بيلميشلر. دده ليك اوزان صنعتي نين ان يۆكسك زيروهه سيدير. سۆزسوز كي، دده اوزان ايله باشقا اوزانلارين آراسيندا ادا بۇيوك فرق لر واردير؛ داها دۇغروسو هر اوزان دده مقامينا چاتاييلمه بير. عاشيق گۈلنگي، عاشيق صنعتي، ائله جه ده دده قورقود كيتاييندا دا اوزانلاردا اۆلان شرطلارين بير چۇخونو آچيق- آيدين گۆرمك اۆلور. او شرطلري بئله سيرالاماق اۆلور. البته بو شرطلر يالئيز اوزان و همين ائلامدا يعني

ايفاجيسي ديرلار. البته بو اۆ دئمك دئيبيل كي، بيزيم اوزان صنعتيميزين قۇرونماسي، گليشمه سي، ديرري قالماسيندا بو ايفاجي لارين رولو آز اۆلموشدور؛ سۆزسوز كي، بونلارين دا بو صنعته و بيزيم ديلمميز و فۆلكلوريك ادبياتي ميميزي ساخلاماقدا اۆلدوقجا اۆنملي، اونودولماز و دانيلمياز امكلري اۆلويديور.

آما بو صنعتين تاريخينده اصيل اوزان و عاشيق اۆچون بير سيرا اۆلچولر و مئعيارلار داسؤيله نيلميش و قبول ائديلميشدير. داها دۇغروسو ايشاره ائديله جك بو اۆلچولره اۆزلاشمايان ساز- سۆز قوللوقچولاريني عاشيق و اوزان سسله بيريكسه، داها آرتيق ايفاجي كيمي سايلماقدا ديرلار.

عاشيق گلنه يي، عاشيق تاريخي و عاشيق ادبياتي نئچه مين ايللر بوندان اۆنجه دن باشلاميش ائنيشلي- يۇقوشلو يۇللاريني آرخادا قۇباراق گليب بو گۆنوموزه چاتميشدير. چئشيتلي دؤورلرده و چئشيتلي تۆرك ميلت-لرينده چئشيتلي آدلار ايله تانينميش بو تپيلي صنعتكارلار بو گۆن آذربايجاندا داها چۇخ عاشيق و اوزان آدلانماقدا دير. آما عاليملرين و بو هؤنر ايله ايلگيلن بيلگين لرين سؤيله ديكلري و آيبرد ائتديكلري كيمي هر قۇپوز چالاييلن و قۇپوزهاوالاري ايله سسلشه بيلن ماهني لاري اۇخويانلاردا اوزان و عاشيق دئمك اۆلماز. بلكه اؤنلار اوزان آدلانسالار دا اصلينده اوزان صنعتي نين

شئىرلارنى بېلىمك اۇنلار مان سايىلماسا دا، اۇنلارنى چالېب- اۇخوماق بو صنعتىن اۇلچولرىنە اساسن اۇنو يۇنگول ائدىر، كۆچە- بازار موغنى لرى سويىه سىنە قىدر اشاغى دۆشورور.

كۆچە- بازار اۇخوماقلارنى، يۇنگول هاوالارى دۆزگۆن اۇنلاردان ايسته ينده ده اۇنلار هن دئمىرلر. دۇغرو اۇنلاردا عاشىق اۇنلار سازلارنىدا، سۆزلىرىندە هئىچ واخت ظاليمى خائىنى، آلفىشلامايىر، اۇنون ايستكلرى اوغروندا هئىچ بىر كىچىك آدىم بئله گۆتورمورلر. ائله بونا گۆره ده قۇپوز بىزىم آتا- بابالارىمىزدا مۇقىدىس سايىلمىشىدىر. سۆزسوز كى هرنه گلدى اۇخويان، هرنه گلدى چالان و اۇزان حرىمىنى سىندىران، ظاليمى آلفىشلايان، وطن و وطن ايگىدلىرىنى، مىلى قهرمانلارنى آلفىشلامايان، خلقي نىن آمالى اوغروندا قوللوق ائتمەين دۆشونجه سى، گۆزو، دىلى پاك اۇلمايان چالېب- اۇخوياننى قۇپوزو هئىچ دە مۇقىدىس (ع) سايىلمايىر. پولا گۆره، فىلان بۇينو يۇغونون مصلحتى و ايسته يىنه گۆره قۇپوز چالان و سۆز اۇخويان، شخسى قازانجى خالقي نىن قازانجىدىن اۇستون توتان، اوستادى نىن و صنعتى نىن حۆرمىتىنى سىندىران، بۇبوك- كىچىك تانىمايان كىمسە اۇزونو اۇزان آدلاندىرسا دا، ايشىندە نه قىدر باشارى گۆسترسە دە، سۆزسوز كى ائل اۇنو اۇزان سايمايا جاقىدىر. دئمهلى بو صنعت داها چۇخ معنوي دىرلر باغلى دىر.

دده قورقود كىتابى نىن اۇن سۆزونده اۇزان باره ده باشقا بىر سۆز ده ايرەلى سۆرولموشدور كى، اۇنوبوگۆنكودىلىمىز جه دئسك، بئله سؤيله يرىك: «مرد ايله نامردى، قۇلجا قۇپوز گۆتوروب ائلدىن ائله، بى دن بيه گزن اۇزان تانىبايىلر. همىن عىبارته اساسن اۇزان عارىف اينسان

موللارنى بۇينونا دۆشدو؛ آنجاق چۇخ درىن كئچمىشدىن اۇزان عنعنه سى نىن داوامى اۇلاراق اۇبود وئرمك، دىنى شخسىتلىرى، مىلى قهرمانلارنى تېلىغ و تعريف ائتمك، حقى، عدالتى تېلىغ و مۇدافيعه ائتمك، و دىنلە يىنلىرىنى، داوامچىلارنى اينسانلىق دىرلىرى - ايله ائتكى لندىرمك بو پئشه نىن يۇلجولارىندا بو گۆنوموزه قىدر ايرە لى سۆروب، بوندىن بوينا دا داوام ائده جك- دىر. دئمهلى قاباقتى سىطىرلر ده گۆستىرلن رىسالت مىنلرجه ايللر داوام ائدىن بو صنعتىن بىلىرتى لرى دىر.

دۆزگۆن اۇنلار هرهاوا گلدى چالمىر و هرنه آغزىنا گلدى اۇخومورلار. اۇنلارنى چالدىغى هاوالار يالنىز مىلى موسىقىمىزنى هاوالارى و همىن موسىقى نىن يئره ل (محللى) هاوالارى، اۇخودوقلارنى سۆزلر، سؤيله- دىكلرى داستانلار ايسە خلقيمىزنى آرزو- ايستكلرى اوغروندا، سعادتى، باشى اوچالىغى اوغروندا ايشلىنىش، قوشولموش شئىرلر، داستانلار، حماسه لر اۇلمالى دىر. باشقا خالقلارنى موسىقى لرى، داستانلارنى و

دۆزگۆن عاشىق لارنى شرطلىرى حىساب ائدىلىر. دده اۇنلارنى شرطلىرى داها دا آغىردىر.

دۇغرو اۇنلاردا اۇزان و عاشىق لارنى شرطلىرى:

اليف: قۇپوز چالايىلمك.

ب: ياخشى سسه مالىك اۇلماقلا ياناشى قۇپوز موسىقىسى ايله اوغون هاوالارى اۇخويايىلمك.

ج: بۇي بۇيلايا بىلمك: يعنى داستان قۇشايىلمك و تاريخى اۇلاي لار تائىرىندە و داستان باغلايىلمك.

د: سؤي سؤيله مك: يعنى شئىر قۇشماق و قۇپوز هاوالارنى اوغون رىتمىك، دۆشوندوروجو، وزن- قافيه و اۇنلارنى سۆز جۇمله لرى ياراتماق باشارىسىنا مالىك اۇلماق.

ه: سازهاواسى و ياهاوالارى ياراتماق باشارىسىنا مالىك اۇلماق.

و: عاشىق گلنك لرىنى ياخشى بىلمك، مثلن مجلىسى هانسى هاوالار و سۆزلر ايله باشلاماق، هانسى هاوالار ايله بيتىرمە يى بىلمك.

ز: گۆزل اخلاق و داوانىشا مالىك اۇلماق.

ح: گۆزو پاك، اۇزى پاك، آغزى- دىلى تىمىز اۇلماق.

دئمك ايشاره ائدىلن بو شرطلرنى هئىچ اۇلماسا بىر نئجه سىنە بىيه لنه بىلمەين لره اۇزان دئيه بىلمىك.

اۇنلارنى رسالتى:

اىسلام دىنى بىزىم آتا- بابالارىمىز طرفىندىن منىمسە ننه كىمى، قام- شامانلار و اۇنلارنى داوامچى لارى اۇلان بو اۇنلار خلقي دىنى ايشلىرىنى ده يئرىنه يتىرىدىلر. آنجاق اىسلام دىنى بابالارىمىز طرفىندىن قاورانىلدىقدان سۇنرا دىنى تېلىغ داها چۇخ اىسلام دىنى چرچىوه سىندە فۇرمالاشان روحانى لر و

اۆلمالي، اۈنۈن گۆزۈ، دۆشۈنچە سى ياخشى ايله يامانى آيبرماق اۈچۈن ميزان اۆلمالي دىر.

ھمىن اثرىن باشقا بىر يىرىندە اۈخووروق: ات قولاغى ساق، اۈزان دىلى چئويك اۆلۈر. بو عىبارتە گۆرە ات قولاغى ان كىچىك ھنيرتى لرى ائشىدن كىمى اۈزان دىلى دە چئويك، چابك، ايتى، كىسگىن، يئترلى اۆلمالي، گۆجلو و باشارلى دانيشماق قابىلىتىنە مالىك اۆلمالي دىر.

اۈزان ھىچ واخت حقيقتى دانامالى و اۈنو اۆلدوغو كىمى، دۈغرۈ-دۆزگۆن و بىر امانت كىمى دىلە گىتىرە لي دىر.

اۈنچە سۆزۈنو سالدېغىمىز دەدە عاشىق لار، داھا دۈغرۈسو دەدە مقامىنا يۆكسلىمىش اۈزانلار و عاشىقلار بو خارىدا گۆستردىمىمىز قوشۇل (شرط) لار دان باشقا بىر سىرا اۈزلىكلرى دە اۆلمالي دىر. بو اۈزانلار اىچرى لرى و قلب لرىنى پاك ائله مك و پاك ساخلاماقلا ياناشى داھا ياخشى و يارابان ايش لرى گۆرمكە ائلىن اىچىندە داھا چۆخ يىتر اچمىش، حۆرمەت قازانمىش، ائلىن افساققالي، يۈل گۆسترنى، معنوي اۈندرى كىمى تانىنمىشلار؛ بئله كى ائل بىر چۆخ ايشلرىندە اۈنلار اۈز توتوموش، سۈسىال دۈيون لرىن چۆزۈمونو، ساواشاني بارىشدىر ماغي و چۆخلو قاباغا دۆشمەلر و افساققاليق لارى اۈنلار دان اوموموشلار. بو كىمى اۈزانلار لرىن داسۆزۈ كىچرىلى اۆلموش، بوپوروغوندان بۈيون قاچىران اۆلمامىشىدىر. دەدە قۇرقود كىتابى نىن اۈن سۆزۈندە ان مشهور اۈزان اۆلموش و ادى بۆتون تۆرك مىلتلرىندە ساىغى ايله چكىلن دەدە قۇرقود بارە دە دئىلىلر:

«رَسُولِ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَمَانِ يَاقِينِ بَايَاتِ بُوَيْنِ دَانَ» قۇرقود «اتا دئرلر، بىر ار قۇپدى. اۈغوز بىن اۈل كىشى تمام بىلىجىسى ايدى. نە دئىرسە اۈلاردى. غايىبىدن دۇرلو خبر سۆيلردى. حق تعالى اۈن گۆگلىنە ايلھام ائدردى.» (رَسُولِ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَمَانِ يَاقِينِ

ياخىن بايات بۈيوندان (ائلىنن) قۇرقود اۈن دئىلىن، بىر كىشى چىخدى. اۈ كىشى اۈغوزون تمام بىلىجىسى ايدى. نە دئىرسە اۈلاردى. غئىبىدن چئشيتلى خبرلر سۆيلردى. حق تعالى اۈنۈن قلبىنە ايلھام ائدردى).

شامانىزم دۆشۈنچە سى داشىيان و ايسلام دىنى بۇياسى االمىش بو جۆملە لردە دەدە قۇرقودون كىملىىنى گۆسترمك اىستە يركن، دەدە اۈزانلار لرىن دا نئجە لىيى گۆستىرلىر.

ھمىن كىتابدا اۈزاني خوش يىمن، اوغور و خئىر سىمگە سى ساياراق دئىلىلر:

«اثل و گۆندە چالىب- چاغىران اۈزان اۆلسون!»

دۇنيا مىلت لرى نىن ھىچ بىرىندە اۆلمايان، بىزىم مىلتىمىزدە اۈلان و مىنلرچە ايللر بوندان قاباقدان باشلايان عاشىق عنعنە سى، عاشىق صنعتى اۈز تارىخى بۈيو چۆخلو ائنىش- يوققوشلارى آرخادا قۇباراق، كۆكلو و درىن اۆلدوغو اۈچۈن، ھابئله اۈزۈنو خالقي، مدنىيتى و ھۆنرى قارشىسىندا سۆزۈملو بىلن اۈزانلار لرىن چالىشمالارى نئىجە سىندە يۈلۈندەن جاىماياراق، دايانمادان اۈز يۈلۈندا ايرە لي گىتمكە دىر. نە اۈچۈن بو صنعت بو قدر سۆيلىمىش، بو قدر داوام ائتمىشىدىر؟ بئله بىر سۆزۈنۈ نئچە نىيت لا (جوابلا) يانيتلاماق اۈلار:

۱- بو موسيقى نىن چۆخ ساي لى ھاوالارى اصلى بىيە سى اۈلان خالقيمىزىن ياشادىغى طبيعتدن، خالقىن ياشانتىسى و احوال- روحييە سىندەن الىنمىش و بو خالقىن روحو، جاني، اتى، قاتى ايله يۇغرولموشدور. داھا دۈغرۈسو بوھاوالار چالىنار كن دىلسىزلىيى ايله خالقيمىزىن، آرزو- دىلكلرىنى، سئوگى- شنىلكلرىنى، كدر- نىفرت- لرىنى، عادت- عنعنە لرىنى، اوغور و سارسىنتى لارىنى تامامىلە دىلە گىتىرىر. بئله كى اۈزبايجان دان لاپ

اۈزاق يىرلردە دە اۈزبايجانى گۆرمە مىش موسيقى عالملىرى بىزىم اۈزان موسيقىمىزى ائشىتمكە بو موسيقى نىن ياراندىجى يىرىن نئجە طبيعتى، آب- ھاوا شرايطىنە مالىك اۆلدوغونو، يئىە لرى نىن ياشايش دورومونو بئله سۆيلە يە بىلىلر. باشقا سۆزلە دئسك بىزىم قۇپوز- عۆمومىيىتلە موسيقى ھاوالارىمىز اۈن- بابالارىمىزىن اۈزلىرى نىن اۈزاق سىلرى ايله سىلەشىر، مىلى، حماسى قهرمانلىق داستانلارىمىزدان، سئوگى و محبت داستانلارىمىزدان، درىن اىناملارىمىزدان، ھم دە عادى سۈسىال ياشايشىمىزدان قايناقلاىر.

قۇپوز موسيقىسى نىن چاغداش گۆركملى نۆمىندە سى اوستاد عاشىق چنگىز مھدى پور نئچە ايل اۈنچە چۆخلو اۈزانلار ايله بىرلىكدە اۈنمايا چاغىرلىمىشىدى. اۈنلار لرىن سازىنى سۆزۈنو سئون بىر اۈزبايجانلى اۈنلارى ھلندە اپارىر. اۈنلار ھلندە اۈزبايجان موسيقىسى ھاوالارى ايله چىخىش ائندىن سۆنرا اۈزادا اۈلان بىر موسيقى عالمى بونلار ياخىنلاشىب دئىر: «من سىزىن، دۇنيانىن ھانسى نۇقطة سىندەن گلدىگىنىزى بىلىمىر، انجاق چالدىغىنىز ھاوالار دان بونو دويورام كى، بوھاوالارىن ياراندىغى يىرلر داغلىق، ھاواسى سۇبوق، ھاالىسى اۈزىق محرومىيىتلە ياشايان بىر يىردىر.»

بونلار اساسىن بىزىم موسيقىمىز طبيعتىمىز و ياشايشىمىزىن سسى و اۈزك دۇيونتولرى دىر. بىز موسيقىمىزى قاوراماق و سئومكە اۈزۈمۈز قاورايب سئوبرىك.

۲- بو صنعتىن قالارقى اۆلدوغونا ايكىنجى ندىن، بونون اىلاھى و يا اىلاھى لشدىر بىلدىيى و مۇقدىس- لشدىر بىلدىيى دىر. بئله كى بىزىم بو گۆنە قدر تانىدىغىمىز و اۈرنىدىمىز عاشىق داستانلارى اۈرنك اۈلاراق، دەدە قۇربانى داستانىندا اۈنۈن دۇنيايا گلە سىنە سبب، سۆنسوز اۈسسىنا

بونودا آرتىراق كى، همىن داستانلاردا ھانسى قەرمان سئوگىلىسى نىن آردىنجا گىندىدە دالىنجا خئىير دوعا اۇلورسا، اۇنون اوغرونا خئىير چىخىر، مورادىنا چاتايلىر، سئوگىلىسى نىن آردىنجا گىندىدە آتا-آناسى، ائل اغساققاللارى و ائل آغ بىر چىكلرى نىن راضىلىغى، خئىير دوعاسى اۇلمايىندا، كرم-اصلى داستانىندا كرم كىمى اوغورسولوغا اوغرايىرلار. بو كىمى اۇلاي لار دا ائله بئله تصادۇفى دئىيل، بلكە شۇعورلو، بىلە-بىلە اۇلاراق، داھا چۇخ تريبىيە وى مقصددا شىماقدايىرلار.

اۇزان مكتىبى و اۇزان داستانلارنىن اساس مقصدى سئون لرى وائىشيدن لرىنى دۇزگۇن اخلاق، اينام، ياشايىش طرزى، وطن وائل سئوگىسىنە يۇنلتىمك دىر. همىن داستانلاردا ھمىشە حق ظفر چالير، حق عدالت يئرئىنى آلىر، حاقلنى حاقينا چاتير، ناحاق ايسە اۇز ايشلە دىيى و دۇشوندو بو يانلىش و خىانتىن سۇنوجونا اوغرايىر.

اوزان مكتىبى نىن چاغداش نۇمايندە لرىندىن بىرى دە عاشىق قشم دىر. مىندىن سۇرۇشسالار عاشىق قشم كىم دىر؟ دئىيەرم:

- عاشىق قشم، اۇز ائلى نىن گور سسى، اۇدلو نفسى، دانىشان دىلى، آغلايان گۇزو، گۇلومسە يىن اۇزودور. عاشىق قشم، پهلوي رۇئىمى و فئۇدالىزمە قارشى مىلى مۇبارىزە دە خلقى نىن الى نىن ياتماز بايراغى، كسگىن ياراغى، حق سئورلىق، عدالت سئورلىق يۇلونا ايشىق ساچان چىراغى دىر.

مىشۇو داغلارنىدىن دايانىش، دىرنىش، دىك باشلىق ايلھامى آلمىش عاشىق قشم، وطن خائىنلرى نىن، مىدنىت دۇشمىنلرى نىن، اينسانلارى نۇكر، دىلسىز، قۇلو باغلى كۇلە ايستە يىنلرىن اۇنوندە يئىلىمىز، ايلىمىز دايانىش و دىرنىش ھئىكلى دىر. رحمتلىك پروفئىسور زھتابى ھلە باغداددا ياشادىغى ايلردە عاشىق

پئىغىمبىرى گۇرمە سى، كلبى- حورى زاد داستانىندا كلبى ايله حورى زادىن آتالارى آلماز و سالماز ادلى سۇوداگرلرىن صدقە وئرمك ايله آتا اۇلمالارى، محمود- نىگار داستانىندا محمود بولاق باشىندا يوخلادىقدا قنبر ادلى تبرىزلى جوانى حضرت علي نىن اۇنا قارداش وئرمە سى- يعنى ايكى بارماغى آراسىندان تبرىزى، اۇرادا قنبرى گۇستىرىب،- اۇنوسنە قارداش وئردىم بو يورماسى، سۇنرا مىصىر شىرىندە حسين پاشانىن قىزى نىگارنى اۇنا گۇستىرىب بوت وئرمە سى و چۇخلو باشقا داستانلارنىمىزدا بونلار كىمى اۇلاي لار بو ايدىمىزىن جانلى شاھىدى دىر.

داھا اچىق سۇز بو كى، بو عاشىق داستانلارنىن چۇخ درىن كئچمىشىمىزدە كى ايناملارنىمىزدان، شامانىزم و ايسلام دىنىدىن ائتگى لىمە سى، همىن سۇلجىكلرىن خالقىمىزىن مۇقدس سايدىغى خىضر پئىغىمبىر كىمى شىخصىتلرلە باغلى اۇلماسى و س، بو داستانلارنى، باشقا عاشىق عنىنە لرى نىن، بونلار يانچى اۇلان و تىكلىمىللىشىدىن موسىقىمىزىن ائل ايجىندە آرتىق حۇرمەت قازانماسىنا و يئر اچماسىنا سبب اۇلموشدور.

+++++

تانىنمايان بىر درويشىن بىر آلم وئرمە سى، ھابئله قوربانى يا يوخودا حضرت علي (ع) نىن پرىنى بوت وئرمە سى، صىدى داستانىندا عم اوغلو- عم قىزى اۇلان صىدى ايله پرى- نىن، ايكى قارداش اۇلان آتالارى نىن نذىر- نىزائىلە مە سى ايله دۇنيايا گلە لرى، صىاد- سادات داستانىندا ھرات شىرى نىن مىلىك تۇجارى اۇلان ھدايت سۇوداگرىن صدقە وئرمە سى ايله اوغلو صىادىن دۇنيايا گلە سى، صىادىن بىر تىجارت سىرىندە دريا قىراغىندا بىر آغاچا سۇيكنە رك يوخلادىقدا «سادات» كرمان پادشاھى فاروق شاھىن قىزى نىن اۇنا بوت وئرىلمە سى، وراق- گۇلشن داستانىندا سونسوز اۇلان ايكى آتانىن صدقە وئرمە سى ايله قايى- لارىنا بىر درويشىن گلە سى، درويش بونلارنى ھدىيە سىنى آلىب ايكى آلم وئرمە سى، بونلار آلمالارى قادىنلارى- ايله يئىمكلە آتا- آنا اۇلمالارى، عاشىق غرىب- شاھ صنم داستانىندا تبرىزلى حسين ادلى جوانى بىر بولاغىن باشىندا ياتىب يوخلاماسى ايله اىمام علي (ع) حضرت لرى نىن اۇنون يوخوسونا گلە سى، تىفلىس شىرى نىن پادشاھى اۇلان قھراب پاشانىن قىزى شاھ صنمى اۇنا بوت وئرمە سى، ھابئله تۇي پولو قازانماق اۇچون تىفلىسدىن حلبە گىتمىش غرىب عاشىق حلبدىن تىفلىسە قايىتمالى اۇلاندا اۇچ اىلىق يۇلو اىمام علي (ع) نىن ياردىمى ايله اۇچ گۇندە گلە سى، اىمامىن آتى نىن آياغى آلتى نىن تۇرپاغى ايله آتا- باجىسى نىن آغلاماقدان گۇرمز اۇلموش گۇزلىرى نىن شفا تاپماسى، ائله جە دە توفارقانلى عباس گۇلگىزىن آردىنجا گىندىدە، شاھ عباسىن ادامالارى نىن يۇلدا اۇنو قوبويا سالسا دا مۇولا علي (ع) نىن ياردىمى ايله چىخماسى، دىرى- دىرى قوبىلاندىقدا، وورولوب بارالاندىقدا اىمام علي (ع) نىن دادا چاتماسى و اۇنو قورتارماسى، بھرام- گۇل اندام داستانىندا بھرامىن خىضر

قشمه يازديغي بير منظومه سينده بئله دئميشدي:

سلام ميشووومون آلؤلوسسي
شاها باش ايمه دين هئچ زامان قشم
ياشاگونئيمين اؤدلونفسي
پيس گونده ائل ايله ياشايان قشم...

اؤزان صنعتي نين گؤركملي و دؤزگؤن
نؤماينده لريندن اؤلان، اوتوز ايل بوندان
اؤنجه (هـ ش. ۱۳۶۸، م. ۱۹۸۹)
دؤنياسيني ديشن عاشيق قشم جعفري
محمدعلي اؤغلوساده جه ساز چالان، سؤز
اوخويان، مجلس يولا سالان بير عاشيق
دئيلدير. بيليرسيز كي گئچن يوز ايلده،
ائله بو تاي آذربايجاندا يوزلرجه عاشيق
گليب گنديدير. اؤنلارين ايچينده ياخشي
سس، شئعر قريحه سينه، ساز چالماق
قابيليتينه ماليك اؤلانلارين دا سايي آز
اؤلماييدير؛ اؤنلارين داها ميسي نين امه
يي تقديره لاييقدير؛ آجاق بيز بو گؤن
اؤنلارين ايچيندن هله ليك عاشيق قشمه
عزيمه تؤزني كئچيرييك. بونون نندي
ندير؟

بونون سببي عاشيق قشمين عاشيق ليق
شرطلرين نين هاميسيني دئيه بيلمه سك
ده، داها چؤخونا ماليك اؤلماسي، ائل
ايله اؤلماسي، ائل ايله ياشاماسي، ائل ايله
اغلانماسي، ائل ايله گؤلمه سي دير.
ئل ايله اغلانماسي، ائل ايله گؤلوب،
ئلي نين درديني اؤز دردي بيليب،
اؤزو آخيره بير ائله چئوريليب
نه قدر ائل وارسا، قشم ده واردير.
عاشيق قشم اؤز ده دؤغرو معنادا عاشيق و
اؤزان اؤنلاردا اؤلمالي بير سيرا شرطلرين
بير شئعرينده ترنوم اندير:

بير كاميل اوستاددان درسيني آلا
ئل ايچينده پاك دؤلانا، پاك قالا
تجنيس، ديواني دن خبردار اؤلا
حقيقتدن ده ايمدادي گركدير.

عاشيق قشم دؤخسان ايله ياخين عؤمرونده
چؤخلو چتينيكلرله قارشيلاشميشديرسا،

اؤز دينجليبي و اؤزل ياشاييشي اؤچون هئچ
واخت عاشيqliق دب لريني، رسم لريني
اياق آلتينا قويماميش، اؤزانليغي
حؤرمتين سي ندير ماميشدير. ائله بونا گؤره
ده قدير بيلن ائليميز اؤنو هئچ واخت
انوتاماميش گؤنو- گؤندن آرتيق ائميش و
ايندي- ده ائماقادير. قشم اؤز ده دئيبير:
ايلار دؤورورار، ايللر دؤلانا
بيليرم نيم ده بير دؤورانيم وار
بولود آلتدا قالان گؤن شافان وئر
خلقمين يانيندا اديم- سانيم وار
اؤنجه ايشاره ائديلن كيمي هميشه ائل
عئشي ايله ياشايان، ائل قايفيسي چكن،
وطني و ائلي نين ايستكلريني، خئيريني،
اؤزونونكولردن قاباق بيلن اؤزان بير
شئعرينده دئيبير:

خلقي باشا سالديم، اؤزوم قؤجالديم
يانديم اؤز درديمي ايچري سالديم
ائليمين قاداسين، بلاسين آلديم
دئيدم خؤش گؤن ائلين، بو

داغلار منيم
عاشيق قشم دؤغرو ائلامدا اؤزانليق
شرطلرين چؤخونا بيه لن بير اؤزان
اؤلموشدور. اؤ عاشيق گليكلرين چؤخلو
يؤنلريني بيله رك، اؤنا اؤزكدن باغلي ايدى؛
يعني قؤبوز چالراق، ملاحتلي سس ايله

+++++

اوخويور، دستان قؤشور، شئعر سؤيله
بير، ائله جه ده سازهاوالاريني ياخشي
تانيبير، يئني سازهاواسي ياراداييليردي.
بونلاردان دا اؤنملي- پاك كؤنول، پاك
گؤز، خئيرخواه بير روحيه يه ماليك،
سؤزونو دئمه يي ياخشي بيلن، سؤزون
يئريني تانيبان بير ائل آغ ساقالي دير.
بونو هم اؤنو گؤرن لردن ائشيتمك اؤلور،
هم ايچريسي نين گؤرونوشو اؤلان،
«ئل مني آتماز»، «وطن بؤلبولويم، ائل
عاشيقي يم» و «عاشيق قشمين ياشاييش
و ياراداييلغي» عؤنوانلي كيتابلاردا
باسيلان شئعري نيندن دويماق اؤلور.

بونلاردان علاوه
«عاشيق قشمين ياشاييش و ياراداييلغي»
آدلي كيتابدا اؤنو تانيسانلار طرفيندن ايره
لي سؤرولن فيكلرلر، هابئله همين
كيتابدا باسيلميش «عاشيق قشم ايله
اربابين حئكايه سي» باشليقلي مقاله دن
ده اؤنو چؤخ گؤزل اؤيرنمك اؤلار. بو دده
قورقود يادىگاري و داوامچيسي نين بير
پارچا اؤيودونو بيلرلكده اوخويوروق:
بشر اؤدور يامان گؤنده دؤست داليندان
قاچماسين
گيزلين سيزين بو دؤنيادا هر نادانا
اچماسين
تيكه دؤستي سالار گئدر، يامان گؤنده
دايانماز
نامرد آدام كؤرپو سالسا، اؤمود اؤلوب
كئچمه سين.

قشم ده نه يالتاقلاماق وار، نه هر ياراما
يالورماق. اؤ اؤزونويئتتيديرميش، چؤخلو
اينسانليق و اؤزانليق دئيرلرينه ماليك اؤلان،
هميشه آلاها آرخالانان، هميشه اؤندان
يارديم اومان بير اينساندير.
هركس بير يار ايله تاريخده ياشار
كردگاريم كيمي يار اولا بيلمز
بالاجاتيه نين چيسگيني اؤلار
اؤجاداغلار كيمي قار اؤلا بيلمز
قشم بعضي شئعري نينده اؤزونو «زنبور

ماحالي نين جانلي تاريخي ايدي.
تدقيقاتچي عالميم و شاعير اوستاد يحيي
شيدا عاشيق قشم باره ده بير مقاله سينده
ياز ميشدي:

- هر گاه دئسك كي، او تايلي - بو تايلي
عاشيق صنعتي عاشيق قشم سيز
تشكىلشله بيلمز - يالان دئيل.

توركيه لي عالميم و فولكلور شوناس پروفئسور
ياووز آك پينار عاشيق داستانلاريني
توپلاياركن بير نئجه تورك اولكه سينه
باش وورور. چوخلو داستانلاري بيلنلردن
اؤيره نير و قلمه آير، توفارقانلي عاباسا
يئتيشنده، او تايلي فولكلور شوناسلار
دئيرلر:

- «هئچ كيم اؤنو گؤنئيلي عاشيق قشم
كيمي ياخشى بيلمير». عالميم همين
داستانى قلمه الماق اؤچون تبريزه گلير
و سؤروش - سؤروش گلير، عاشيق قشمي
كؤندور كندينده تاپير. اؤنون قۇناغي
اؤلور، سؤزو گئدن داستانى و چوخلو
باشقا سؤزلري سؤروشور، قلمه آيب
گئدير.

بيز بو گون آدي - سانى، سؤزو - ساوي
يؤزلرجه ايل اؤنجه دن گليب بيزه چاتان حاق
عاشيقى و آدينا داستان باغلانميش دده
قوربانينى، حلال روزو آردينجا تيفليس دن
حلبه گئدن عاشيق غريبي، ناموسونو،
شرفيني قۇروماق اوغروندا شاه عاباسلا
دؤيوشن و ناموسونو اؤنون يالان قورتاران
توفارقانلي عاباسى، سارلى - سؤزلو دده
علسگري، درين معنالى قوشمالاري،
اؤبودلري اؤلان خسته قاسيمي، چوخلو
اؤلوب - گئتميش ساز - سؤز اوستالاريني -
ياشايشى داستانلاشميش، حلال روزو
اوغروندا جلالي وطن اؤلموش، كيميلىنى،
وطنىنى، ديلينى، مدنيتىنى ميلى ناموسو
بيلن، و بونلارين اوغروندا جانينى اسيرگه
مه ين عاشيق قشمده تاپيريق. يولو
داواملى، روحو شاد اؤلسون، مزارى نورلا
دؤلسون.

خائين لرينه، اؤنون هؤنري، دؤشونجه
سى، آزادليغي و توتدوغو يولا پيس
باخان لارا، آچالدىن - لارا دا اؤلدوقجا
زهرلي اؤلدوغونو دئسك ايسته ميشدير.
دئسك او ياخشى لارا اؤلان مۇناسيبتىنى
هر يترده بيلديره - بيلديره، يامانلارا اؤلان
مۇناسيبتىنى ده گيزلتمه ميشدير. اؤنون
بو كيمي فيكىرلري آشاغيدا كي «جيغالى
تجنيس» شئعر پارچاسيندا داها آرتيق
دويولماقدادير.

قشم گؤيلوم قۇشو گيره گؤلشانه
شئيدا بؤلبول اؤچا، گيره گؤلشانه
ائليم گيره گؤلشانه
بؤلبول گيره گؤلشانه
گوروم وفالى يارين -
تئللرينده گؤل، شانه
حقيقى دؤست ايله گيرم گؤلشانه
اؤزوم گؤلمز باخيب ياغي گورونجه.

او خئيرلري، گؤزليك گتيرن طبعي
قووه لر خئير دوعا وئر ميش، اؤنلارا، هابئله
وفالى يارينا و نهايتده اؤزونه و حقيقى
دوستونا خوش گون آرزولاماقلا ياناشى،
اؤزونو اؤنلارين يانيندا ايسته يركن، ياغي،
ياد - يابانچيني دا آري كيمي سانجماق
اؤچون، «اؤزوم گؤلمز باخيب ياغي
گورونجه» - سؤيله ميشدير. هابئله مرد ايله
نامرده اؤز مۇناسيبتىنى بيلديره رك، مردين
يارما آشيني آقيشلاماقلا برابر، نامردين
پيلووندان قاچماغي دا تاپشير ميش وئله
- ليكله اؤنودا لاميش، زهرله ميشدير:
نامرد ايله پيلوويمه، مردلعي يارما آشي
عاقيل، نامردين بير ايچيم سؤيونو دا
ايچمه سين!

عاشق قشمين عؤمرونون سؤن ايللرينده
كؤندوره گئديب اؤنونلا گوروشن عالميم
و يازيچي رحمتليك اوستاد عبدالكريم
منظوري گوروشونون نتيجه سيني يازاندا
ئله بير جؤمله رايشلتميشدير:
- عاشيق اؤزو اسكي بير كيتاب ايدي؛
دئسك اؤلار اؤز عصرينده گؤنئي

قشم» كيمي تانيدير - اؤرنك اؤلاراق:
زنبور قشم، قضا سنله دؤلانير
غم لر گلير بير - بير اؤسته قالانير
ويا:

زنبور قشم هله ياشدا جاناندي
اؤن ايكي ياشيمدان جيگر يم قاندي
هابئله:

زنبور قشم غم ائيله مه تاريخ بؤيو وار آدين
آللاه شيري ولي الله شاه - مردان اؤستادين
يئنه ده:

ياسين، الرحمن عزيز دير ياز بيليدير قرآندا
قالخ آياغا زنبور قشم، بوش قالان مئيدانه
باخ
بيزه بئله گلير كي، عاشيق قشم بو تخلوصو
ائله بئله و حئساب سيز - كيتاب سيز سئچمه
ميشدير. بونا گوره كي، او درين دؤشونجه
لي، اؤنجه سؤيله دييميز كيمي سؤزو
يئر ينده دئين بير اوزان ايدي. بس فارس
ديلينده «آري» آنلامى داشييان بو كلمه
ني تخلوص سئچمك دن مقصد نه ايميش؟
منجه عاشيق قشم بو سؤزون آنلاميني
و آري نين - اؤز ليكله ده بال آريسي نين
خاصيت لريني نظره آلاراق، زنبور سؤزونو
ده «گؤنئيلي قشم»، «كؤندورلو قشم»،
«قلندر قشم» عيبارت لري سيراسيندا
اؤزونه تخلوص گؤتورموشدور. نئجه كي،
«گؤنئيلي قشم» اؤنون هانسي بؤلگه
دن اؤلدوغونو، «كؤندورلو قشم» هانسي
كنددن اؤلدوغونو، «قلندر قشم» اؤنون
دؤنيايا بئل باغلاما ديغيني، دؤنيا مالينا،
مادي بزه ك - دؤزكلرينه آلانما ديغيني
اچيقلانير. هاميميزين بيلديبي كيمي بال
آريسي نين دا اؤز ييه سينه خئيرلري،
آما اؤزگه لر، اؤنو اينجيدن لر، اذبيت
ائله ين لر زيبانلي و زهرلي اؤدوغونو
نظره آيب، بعضن ده اؤزونو «زنبور قشم»
آداندير ميشدير. اچيق سؤز بو كي،
عاشيق قشم اؤزونو، اؤزلره و سئون لرينه
بير قوللوقجو، زحمت چكيب - مينتسيز
خيدمت ائدن ساياراق، ائل، وطن

صنعتینه عاشیق اولان، عاشیق قشم

(۱۲۸۰ - ۱۳۶۸ گونش ایل)

کوندورده او گوئی ده
کیم منی خبر آلسا
عزیزیم اوگوئی ده
قبریم او گوئی ده



جواد دربندی



▲ استاد عاشق قشم و نوه پسر دیلبر

قشم، عاشیق محمد علی اوغلو، آذر بایجانین میشو داغینین اتیپنده یئرلشن « کوندور » کندینده بیر اکیچی عایله سینده دونیایه گۆز آچیر. ایلک نوجوانلیق چاغلاریندان، یاشایش چتینلیک لریله اوز به اوز اولان کند اوşaغی، مهاجرت مجبوریتینده قالب، اوتای آذربایجانا کۆچور. اوزون مدتدن سونرا ۱۳۱۳- جو گونش ایلینده وطنه قاییدیر. عاشیقین ایلک معلمی آتاسی عاشیق محمد علی اولسا دا، بو صنعتین مکملشمه سی اوچون، شوروی سابق ده قشم اینجه صنعت خادملری مکتبینه یازیلیب، نچه- نچه اوستاد عاشیق لاریندان درس آلیر. بو جمله دن آدیم عاشیق اسلام یوسف اوف (۱۸۹۳) و مشکینلی عاشیق اسد (گونش ایل ۱۲۶۲) و باشقا شاعیر لریله ده یاخیندان تانیس اولوب آنادیلین وادیاتین کسب ائدیر. دئمک بوساحه ده استعدادینا و ماراغینا باغلی بارا گلیر.

آغاجی ائله مه دی، و هر یونگول و بایاغی شعری و تصنیفی ده سازدا چالیب اوخومادی، بلکه فرصت اله دوشنده ده اکیچیلیک کناریندا اثرلر یاراتدی. بو یاراتدیغی اثر لردن، چاپا وئرلمه یین شعر لریندن سا وای نچه چاپ اولموش اثری خلقی اوچون یادگار قویدو.

۱ ائل منی آتماز ۱۳۵۸ گونش ایل نشر سوآلان

۲ وطن بولبولویم ۱۳۷۲ نشرهادی

۳ عاشیق قشمین یاشایش و یارادیجیلیغی، اوستاد گونئیلی و عاشیق مظاهر جعفری

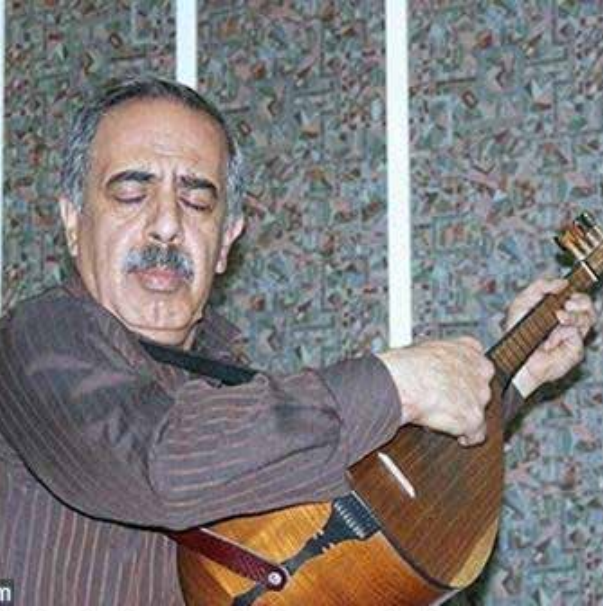
۴ ۱۳۹۳ تبریز تلویزیاسیندا (صدا سیما) عاشیقین

آپاردیغی مجلس لردن چکیلدییی فیلملر

۵ عاشیق داستانلاریندان و یارادیجیلیغیندان گنجه سفری،

● عاشیق قشمین عاشیق صنعتینده اؤز لیکلری:

قشم، دنیا گۆرموش صنعتکار، یارادیجی و بیرنجی مجلس دولانديران خلاق عاشیقدير. ایفا و اجرا زامانی مجلسده مناسب فی البداهه شعر قوشماق هنرینه ده مالک ایدی. اؤز صنعتینی مقدس سانیبان، دده عاشیق لار قایداسیلا مجلس کئچیرردی، هنرینه دریندن حؤرمت بسله ییب، عاشیق لیک نظامیندان چیخماز ایدی. دده لرین یولونون داوامچیسسی اولان بو تعهدلی عاشیق، دئمک اولار فولکلور دونیامیزدا دا، ملی ارثیمیز ایدی. عاشیق علسکر کیمی مجلسی مفتاح المجلس (دیوانی، استاد نامه، تجنیس، ائل هاو لاریلا باشلا ییب و مخمس یا دوواق قاپیا و دستانیلا قورتاراردی. هئچواخت دا سازی اؤزونه چورک



نمونه فاکتلارداندی.

● دورورمو؟

باد صبا، خبر گتیر وطن دن
خانیمانلار دورورمو؟
من گۆردویوم طرفه جانلاردورورمو؟
سینه سی ناخیشلی، قارداش باخیشلی
منیم احوالیم قان آغلار سیرداش
هجرانین او دیلا یانیرام قارداش
منی یادا سالسین عزیز و طنداش
آت اوینادان نو جاوانلار دورور مو؟
من قشمی گۆرن حالیم آغلار
دردلریم چوخالیب سینه می داغلار
گۆی چیمنلی داغلار چیچکلی باغلار
گشت ائتدیییم بیابانلار دورور مو؟
اؤلمه میشدن قاباق دئییلن بایاتی:
عزیزیم یولو دوشه ر قاریاغار دولو
دوشه ر
قبریمی گونئی ده قاز یار گلر یولو
دوشه ر
قشمین مختلف قوشمالارینا نغمه
لر(هاوالار) بسته لنیب مجلس لرده
اوخونوبدور. نمونه سی اشاغادا گلن
دورنالار شئعیریدی.

اورمو سفری، مشهد سفری، اربابیللا حکایه سی و.. نئچه -
نئچه خاطره سی اوغلونون دیلیندن (عاشیق قشم) کتاییندا
گتیریلیبیدیر.

● عاشیقین اخلاقی و اجتماعی دورومو

عاشیق شیرین سۆزلو و سازلی صحبتلی، سفره سی هامیلارا
آچیق، موحد و عارف، قورخماز و آینماز بیر صنعتکاریدی.
اویئدیسی بوز باشی، الوان و خان سوفره لریله دئییشمه دی.
اوزو گولش، خلقی باریشدیران آق ساققال ایدی. ساز سوز
میدانیندا دا آز گتیر مزیدی، دوغرودان دئییشمه میدانیندا
آرخاسی یئره گلمه یین بیر پهلوانیدی. مختلف شئعرلره
حکایه لره محبت و قهرمان داستانلارینا باجاریقلی، عاشیق
شئعرلرینه داها تانیس و باغلاما بیلن ساده گئییملی، ازونو
خلقیندن آیرمایان بیر صنعتکاریدی، بایاگی صنعتدن
و صنعتچی دن خوشو گلمازیدی. یاشاییشیندا همشه
کاسیبلاری سئچیب، زورا کارلیق و یارامازلیقلارینا مخالف و
دوروشانیدی.

عاشیقین آیدینلاتما اوغروندا چالیشماسی و دانشجولاری
ساز و سوزایله تانیشتیر ماسی و رغبت ایله منتسیز چالیب
اوخوماسی اونودولمازایدی. نئجه کی نایب اسدالله* نی
آلتین و موسیقی سین اغول دان دربارا آپاردی، قشم ده
سازلی و عاشیقی کندن چیخاریب دانشگاها آپاردی.
اونوتمایاق کی، نئچه عاشیقین بو یولدا نقشی اؤنملی ایدی،
از جمله، عاشیق اصلان خویلو، حسن اسکندری، رحمتلیک
عبدالعلی نوری و رسول قربانی.

آرتیرمالییم آذربایجانین داهی
تاریخچیسسی، آراشدیریجی شاعیری،
پرفسور ذهتابی عاشیق قشمه دریندن
حورمت بسله ییب و مکاتبه و مراوده
لری وارایدی. بو شئعر اونون مکاتبه
لریندن قیسا اؤرنکدیر.

سلام میشوومون آلولو سسی
شاهها باش ایمه یین، هئچ زامان قشم
پیس گونده ائیلن یاشایان قشم
یاشا یاشاگونئییمین ادلونفسی

● عاشیقین یوردونا علاقه سی

عاشیق غربنده فالان چاغلاردا دا
ائیلن سوراغینی توتارایدی. اشاغاداکی



● دورنالار

گونش قاباغینی بولود کسنمز
 دولانیرسیز ائلدن ائله دورنالار
 گۆزلریز ایشیقدی بیر یاری گۆرون
 بولبول مایل اولار گوله دورنالار
 قاطار- قاطار نه دوزولوب گلیرسیز
 مغربدن مشرقه ایشلر نفسیز
 بوتون یئر اوزونه وادردیر هوسیز
 قویمایین توز قونا تئله دورنالار
 وورار قاطاریزی سالار فرالی (فراری) * بیر آز قارا قوشدان
 گزین آرالی
 قشمی آختار ساز گونئی ماحالی
 بیر نامه وئرسیز ائله دورنالار

● سون سفر:

ائل بسله یین و ائل یاشادان و ائلیله یاشایان ائلیله
 اغلیان ائل ایله گولن، غم گونلرینده خلقینه تسلی وئرن و
 یاس مراسم لرینده اشتراک ائدن یاس ساخلایان، یاخشی
 گونلرده شنلیک یارادان، گلینلر کؤچوردن عاشیق بو آدلاری
 دا، ائلدن پای آلدی:
 عاشیق قشم، قشم عمی، قشم دابی، قلندر قشم، قوجامان
 عاشیق، عاشیقار آتاسی، زانبور قشم. تاسفلر کی بو خلق
 صنعتکاری، دورنا گۆزلو بولقلاردان، قیزیل گول، ساری
 بولبول، گۆلردن و چیمیشن سونالاردان الهام آلان عاشیق،
 ۱۳۶۸ ینجی ایلین پاییز فصلینده، عاشیقار کروانیندان
 آیریلیب حیاتا گۆز یومدو، بو آجی خبر عاشیقار دونیاسینی
 ماتمه بورودو، رحمتلیک اوستاد عاشیق عزیزشهنازی بو
 خبری ائشیدیبین دیزینه چالیب آغلادی:
 ائشیتدیم گولشنه خزان یئتیشدی
 اوچوبدو بولبولوم گولومدن گئدیپ

نتجه آغلاماییم ، غمگین اولماییم

بیر لقمان کاماللی الیمدن گئدیپ!
 روحو شاد یئری جنت، یولو داواملی اولسون. امینم کی نه
 قدر عاشیق، عاشیق صنعتی، دو شونجه لیک، دونیادا و و
 طنمیمزده واردیر، قشم ده اورکلرده فالمالیدیر. مقاله نین
 سونوندا درگینین زحمتینی چکن ضیالی همشهیرسی
 مهندس صالحی حضرتلرینه و همکارلارینا دا اللرین
 آغریماسین و سهندین بو شئعریله سوزومه سون قویوب،
 مراسیمی قورانلارا داعشق اولسون دئییرم.
 ...قورخما، آتا، قورخما، و ارام یوردوندا

قویمارام قویمارام سؤنه اوجاغین
 حایفدیر قوپوزون بییه سیز قالا
 هله یئنی گوللر آچاجاق باغین
 حاییف اولسون سنه آی عاشیق قشم!

آذر آبی ۱۳۹۸

**بو قوشمانی استاد عمران حیدری، ایران آذربایجانین آدلیم قوپوز اوستادی و منیم ایلک ساز معلمیم، آغیر شریلی هاواسیندا سازدا چالیب
 وایرانی آواز اوستادلاردان بیرى اوخوبودور. بو کاست یئتمیش اینجی ایللرده یایلدی. اما استادلارین نظرنه گۆره سازین قاری کؤکونده
 (شاه پرده) اوخونان، بو عاشیق نغمه سی عاشیق بوغازی (حنجره) سی ینی طلب اندیر. ندن کی قئینتمه لر اؤزل عاشیق تحریریدی و
 فارسی ردیف خوان بوغازیلا و تحریریه اوخونسا شیرین چیخماز و رحمتلیک عاشیق حسین ساراشلی اوخودوغو شریل هاواسیلا دا فرقی
 چوخدور.

* قارا قوش: عقاب

* نائب اسداله اصفهانین اوستاد (نائی) سی ایدی. دندیک لره گۆره او گون اییلن زمان چۆلده نئی چالاندا، بیر ایلان یووادان چیخیب اونون
 کناریندا قیوریلیب نغمه قورتولاندان سونرا یوواسینا قاییدارمیش. و بو صحنه دن شکل چکیلیب لندن موسیقی آرشیوینده ضبط اولوبدور. بو
 هنره مالک اولان اسدالله نئی اغولدان دربارا آپاریب و تانیتدیرمیشدی. نئی اوستادلاری دئییرلر: (نایب اسدالله نی را از اغیل به دربار برد
 و استاد کسائی آنرا از دربار به عرش رساند.)



شاعیر و آراشدیرجی همکاریمیز، داور زمانخانی «دؤنمز» بیر سیرا یادداشلار، و شکیل لر الیمیزه چاتدیریلار، اؤنجه او سایین قلمداشیمیزدان میننت دارلیغیمیزی بیلدیره رک، او یازبیلاردان سئچیلیمیش پارچالار کیمی اتک ده گتیره رک، او عزیزیمیزه یورولمایاسانیز دئییب، اوغورلار دیله بیریک.

عاشیق یعقوب چوپانیان را می توان نام برد.

از اطراف و اکناف برای دیدار او می آمدند. از جمله شخصیت‌های بزرگی چون، ژمد بهرنگی، استاد شهریار، پروفئسور زهتابی، سلیمان رستم، یحیا شیدا، حسن راشدی، عاشیق عمران حیدری، عاشیق حسین جوان و فولکلور شناس مشهور ترکیه یاووز آک پینار با او دیدار و یا مراودات شعری داشته‌اند.

مظاهر(قشمین اوغلو): اوستاد دئییه ردی کی، ائل گرک بیر ائلداراری سئچه، او نون اوتوروشون، اونون دوروشون بیلسین! اونون ائل ایله رفتار ائه دیبین، ائل ایله کئچین دیبینی، ائل گرک تعیین ائتسین. دئییه لر باخ، فیلان عاشیق « ائل عاشیقی» دیر.

یعقوب چوپانیان: لاپ سون وقت لرایدی، گئتدیم بونو باشی اوسته، دندیم کی، دایه دور آغا دانیش!

دئی:

بارایلاها سن اول «پشت و پناه»-یم غم لشکری هجو چکسه نه دئییم؟

بولبول کیمی ایلهم آلسین چمن دن بو سؤزلر یادگار قالسین قشم دن خلق ایچینده تمیز آدی گرک دیر

س: بو گونلر کی، تک-تنها ائوده قالیر سان، یوخسا ساز چالیب. اوخویورسان یئنه؟

ج: داخی یوخ! سیم-میم یوخدور! هئج نه یوخدور!

س: ایندی سازینیز یوخدور؟

ج: وار، سیمی یوخدور. گئدیمیرم، تاپنمیرام دای سیم قوشوم.

س: گولگون ایسته بیر ساز چالاسینیز ج: آه-هئی! قبر ائوینده ده او منیلن یولداش دیر.

س: بویوروز، سیزدن سونرا سیزین یولونوزو کیم دوام ائده جک؟ کیم گلیب، سیز قشمین یئرینی توتاجاق دیر؟

ج:

یوخ عاشیغام بیر ده یاز

قلم گؤتور بیرده یاز

او، بولبول خیالی دیر

داها گلمز بیر ده یاز

از دوستان او می توان به عاشیق حسن اسکندری، داور زمانخانی (نویسنده ی کتابهایش)، عاشیق کاظم قوربانی،

رادبو تبریزین آپریجی سی ایله عاشیق قشمین قونوشماسینین خولاصه سی: س: آدینیز نه نه دیر؟

ج: قشم جعفری

س: بورا نه کندی دیر؟

ج: بورا کوندور دور

س: سنه عاشیق قشم دئییرلر، عاشیق قشم نچه یاشیز وار؟

ج: ۸۵

س: نظرینیز عاشیق لیغانه دیر؟

ج: عاشیق دئییبین بولبول میثالی دیر کی، همیشه گولوستان سئور. مند عؤمروده هذیان اوخومامیشام. ۶۸ایل عاشیق ائتدیم. ائله

پیغمبردن، علی دن، ولی دن، تاریخدن، حیاتدان، بئله شئی لردن اوخوموشام.

س: نچه یاشینیزدا سازی الینیزه آلدیز؟

ج: اون ایکی سیننیمده

س: عاشیق نه دئمک دیر؟

ج: عاشق آیری دیر، عاشیق دا آیری دیر. عاشق اؤیرنه بیر شئی دیر.

گؤز اؤیره نیر. اما عاشیق داییم زینه چئشمه دیر. داییم آخیر. او آخماقدان دریالار اله گلیر.

عاشیق گرک سؤزو اوخوسون دم دن

بو دونيادا گيزلين اولان گوناھيم
او دونيادا آشكار اولسا نه دئيميم؟
يازيق قشم بو دونيانين بسين دن
اوخوموسان اليف، لام، ميم، ياسين
دن
انكير، منكير، قيل و قالي، سسيندن
قيصا؟ (بلکه سيخسا) قيريم، اودا
دولسا نه دئيميم؟

ساغدان سولا: قربان
بختياري(عكاس)- فيروز حسين
زاده- مير جعفر شريف(موسيقي
هوسكاري)- قاشيق قشم- داور
زمانخاني- مظاهر جعفري(قشمين
اوغلو)- برقي(قشمين قونشوسو)

من قشمن نئجه گوردوم؟(ايلك
گوروشوم)
اوستاد قشم جعفري، منجه بويوك
اوستاد، سؤز بيلن، يئر- يورد بيلن،
دوشونجه لي و بويوك بير عقیده يه
صاحب ضيالي ایدی.

او، مبارز بير شخص ایدی. يورولمادان
داييمي چالیشان بير شخص ایدی.
او ياشلي اولدوجا، آرتيق دیه رله
ماليك ایدی. زمانه نين يئنيش-
يوخوشوندا، پيشيب، روزيگار كوره
سينده آلؤلار آليب، پولاد ميثالي،
قيمت لنميش بير «ار» ایدی.

من ايلك دؤنه اونونلا بير «سلماني»
دوكانيندا گوروش ائله ديم.

شاه رثيمين سون آيلاري ایدی.
كوندور كندينه سورگون اولموشدوم.
سلماني توكانيندا اوتورموشدوم، تا بير
آز باشيمين توكونو يونگولتسين. بير
آندا باشيمين داليسيندا اونو گوردوم.

من بير گوزگونون اوز به
اوزونده ايلشميشديم. گوزگوده گوردوم
دال طرفده بير ياشلي كيشي، اينده
چليك، گوزونده گوزلوك، اينينده
قويون دري سيندن بير جيليققا، اوزونو

منه توتوب سؤال وئريب،
دئدی: آغا معلميم، سيز بيزيم كنه تازا
گليب سيز؟
دئديم: بعلی عمی جان! نئجه؟
دئدی: واللہ بيزيم سؤال سورغوموز
اولسا بيلن يانينا گنده ريك، دئديم
سن معلم سن، يقين بيلر سن!
دئديم: بويور عمی جان، سورغو-
سؤالين نه دير؟

دئدی: آلاھ دان گيزلي دئيل، سن
دن نه يي گيزله ديم، منيم ائويم خيردا
دير. اوتاغين آلتيندا بير بالاجا طويله
دوزلتميشم، بير دنه بويونزولو كئچيم
وار، بير دنه ده قوتور قويونوم. بو بويونزولو
كئچي قويومور او قوتور قويون كؤپسون
تا من ده ياتيم. بويونزوايله اونو وورور،
او دا مله بير. من ده ياتانميرام، نئله
بييم؟

دئديم: او چوخ آسان دير عمی جان!
بوردان گئت، او بويونزولو كئچي
نين بويونزلاريني ديبدن قوي يئر،
گور كئچي نئجه حميل حئيوان
اولاجاقدير!

دئدی: په هؤو! پ هؤو!دئمه لي
كئچينين بويونزلاري اوينادير! په
هؤو، په هؤو ... و سلماني توكانين
ترك انديب چليين يئر چالا-چالا
گئتدی...

من ايسه وئرديم جاويدان راضقاليب،
سلماني يه باخديم. گوردوم او عصبي
لشيب دير. بير آز منه باخيب، بير دن
بيره ديله گليب: سن اونو تانيبيرسان؟
دئديم: يوخ نئجه كي؟ من كي،
تانيميرام، سن نئجه؟ سن تانيبيرسان؟
دئدی: بعلی كي تانيبيرام! او قاچاق
قشم دير. او خطرناك دير! اولمويا اونا
قوشولاسانها!

اوندان ضرر گلر، سن معلم سن
اؤز ايشينه گئت! بيلدين؟
دئديم: نئجه خطرناك آدم دير، اوغرو
دور؟ قاچاقچي دير؟ نه دير كي؟

دئدی: بيلمه سن ياخشي دير. اونون
دؤوره سينه دولانما، بيلدين؟
دئديم: بعلی، أما گرک من بيلم
كي، نئجه خطرناك دير. اوغرو دور،
قاچاقچي دير، قاتيل دير، نه دير؟
دوروب، سلماني توكانيني ترك ائتديم.
سونرالار بيلديم كي، عاشيق قشم نه
اوغرو دور، نه قاچاقچي دير، نه قاتيل
دير بلکه او بير ايريسان دير. دوشونجه
لي بير ايريسان، مظلوملار طرفداري،
عدالت سؤور، ائل سؤون، الدن توتان،
اوزاقلاري گورن بير ضيالي دير.

من چوخ چاليشديم كي، اونو ياخشي
تانييم و ياخشي تانيديريم، آلاھا
شوكورلر اولسون كي، بوايسته يه
چاتديم. ائله كي عاشيق قشم
سؤزلريني منيم اختياريمدا قويدو. و
مني اؤزونه اوغول و وارث كيمي تعريف
لردی. عاشيق قشم ايلك كيتابين «
ائل مني آتماز» گوردو. و من دن
چوخ راضي لاشدی. تأسفلر اولسون
كي، ايکينجي كيتابين (وطن بولبولو
يم- ائل عاشيقي يم) گوره بيلمه ييب،
فاني دونيايا گوز يومدو.

منيم ظنيم جه عاشيق قشم
اؤلمه ييب، بلکه ده دوغرو دان-
دوغروسو حياتيني ده ييشيب دير.
اونون ياشايشي، اثرلري، سؤز-
صؤحبتی و اونون اونودولماز حؤرمتي
داييم خالق ايجينده ياشاير و
ياشاياجاقدير.

تأسفلر اولسون كي، من ائلييه بيلمه
ديم اونون كؤكونه چاتام، اونون اوچون
دئيريم:

عاشيق قشم بير سيرر دير، آچيلماميش
و بير اينام دير، اوخونماميش
من عاجيزم بو عرصه ده
ساغ و سلامت قالين

عاشيق قشم جعفرى

(بومقاله اوتوز ايل بوندان اول ياييلىب دير. ايندى ايسه بعضى ديشيك لرله تقديم اولور.)



ناصر داوران

عاشيق قشم ائليميزين، وطنمميزين فخرى كيمي ۱۸۸ ايل شرفله ياشادى و يوردوموزون کوتله سينه جان يانديردى. بير آن ائليندن آيرى دوشمه ييب، سازيلا، سؤزويله اؤز آن يوردونا، آن ديلينه حورمت قازانماغا چاليشدى. اونون سؤزو سرحدلره سيغماييب، واختيلا قونشو تورپاق-لاردا دا ياييلدى. چوخ شاعيرلر اونون حاققيندا شئعير يازيب، كمالاتيندان دانيشدى. سليمان رستمين عاشيق قشمه يازديغي قوشمانين بير بندينى اؤرنك اولراق گتيريرم:

سلام ميشووومون آلولو سسى

شاهها باش ايمه دين هنج زامان قشم

ياشا گونئى مين اولو نفسى

پيس گونده ائل ايله ياشايان قشم

آذربايجان ادبيات و اينجه صنعت خادم لرينين بير باشى «كوندور»ه باغليدى. عاشيق قشمين كيچيك ائوينده دائما قوناق اولاردى. آذربايجانين خيلى صنعتكارلارى اؤز مارقا لارين بيلديريب، عاشيق قشمين ساز- صحبتيندن دؤوق آلماق اوچون اونون ائوينه گلديلر. اونون معاصر تاريخمميزدن ياخشى بيلگى سى واريدى و اؤز ياراديجيلىغيندا بو معلوماتدان فايдалاناردى. عاشيق قشم ياشلى اولسايدى دا، چوخ روحيه لى و حاضر جواب ايدى. من دفعه لرله عاشيق قشمين ساز مجلس لرينده اولموشام.

+++++

لاكن اونونلا ياخين مناسبتيم يوخ ايدى. يالنيز عاشيقين حياتينين سون ايل لرينده ايكي دؤنه اونونلا گؤروشوب، خصوصى دانيشيق لار آپارا بيلميشم. بو گؤروش لر و ديگر قايناق لاردان الده ائتدييم معلوماتين خلاصه سى بئله دير:

عاشيق قشم جعفرى گونش ايلي ۱۲۸۰ د شبيسترين گونئى ماحاليندا يئرله شن كوندور كندينده، اكينچى بير عايله ده آنادان اولوب.

سكيز ياشيندا آتاسى، دوققوز ياشيندا ايسه آناسينى دن وئريب. ۱۲- ۱۳ ياشيندا قوزئى آذربايجانا كؤچور، ايبيرمى ايل او تايدا حيات سورور، او تاين ياراديجى لاريندان، بؤيوك عاشيق لاريندان فايдалاناراق، معاش اوچون كان كان ليق ائدير. نهايت ۱۳۱۳ ده بو تايا قايديب، كوندورده هم عاشيق ليق ايشينى دوام ائديب، هم ده اكينچى لييه باخيب.

عاشيق قشم مبارز و ياراديجى بير عاشيق ايدى. اونون مترقى افكارينا دؤزه بيلمه ين رضا خانين آدام لارى اونو جلب ائديب دوققوز آى زنداندا ساخلاييلار. عاشيق قشم رضا خانين اوغلو دؤورونده و انقلابدان سونرا دا يورولماز بير عسگر كيمي، ائلينين و صنعتينين يولوندا چاليشاردى. عاشيق قشمين اونون عاشيق ليغى حاقدان دانيشماق ايسته ينده بئله دئيه ردى: «عاشيق ليق بيزيم قانيميزدادير. آتام دا، آتامين آتاسى دا عاشيق ايديلار. ايكي قارداشيم دا عاشيق دير. بيزيم حياتيميز ساز موسيقى سيله تعريف اولور. اؤزوم ده ۱۵ ياشيمدان ساز اؤيره نيب، عاشيق ليق ائله ميشم. سازى قوزئى آذربايجاندا اسلام يوسف اوف آدى بير عاشيقدان اؤيره نميشم. عاشيق حسين جوان ايله ياخين يولداشليغيم اولوب. بو تايدا

تبريزين گۆي مچيدينه و آيري - آيري مجلس لرده
اديب لر و ياراديجي عاشيق لار طرفيندن چوخلو شعيرلر
اوخونوب، خاطيره - لر دانيشيلدي. گۆي مچيده
گندن مراسيمده چيخيش ائندن لردن بيرى عاشيق
عزيز شهنازي يدي. آشاغيدا وئريله ن ميصرع لار اونون
اوخودوغو قوشمانين باشلانيش بندينن عبارتدير:

اښيتديم گلشنه خزان گليدي

اوچوبدو بولبولوم، گولومدن گنديب

نئجه آغلامايم، غمگين اولمايم

بير لقمان كمالليم اليمدن گنديب

بو مجلس لرين ماراقلا قارشيلانماسي، عاشيق صنعتي
و بو صنعتين قوروقچولارينين ائل ايچينده درين حورمته
مالك اولماسيندان حكايت ائدير.

عاشيق قشم ائل ايچينده ياشادي، ائل ايچينده ايسه
ياشاياجاق. اونون خاطيره - سي اونودولماز ناغيل
كيمي ديئلرده دولاشمالي دير هله.

سون سؤزوم عاشيقين بير قوشماسي:

صيادايديم، دوردوم اوو بره سينده

كئچديم شكاريمي، آتا بيلمهديم

مهمان اولدوم نازلي يارين كويونا

حنئيف كي مطلبه چاتا بيلمهديم

فلك ظلم ائيلهدي نوجوان لارا

هنچ فرصت وئرمه بير مرد اوغلان لارا

راست گل ميشم ناشي بازركان لارا

تؤكوب ماتاهيمي ساتا بيلمهديم

قشم دئير بو دونيادان اوسانديم

فلكين قوردوغو قورغونو قانديم

گئجه لر آليشديم، گوندوزلر يانديم

ايكي اوزلو قويمادي، ياتا بيلمهديم.

دا اونونلا برابر بير چايخانادا چاليب اوخويارديق.»
عاشيق قشمين سليمان رستمه يازديغي جوابيه ده همين
ياخينليغي، حسين جوانين آيرليغي نيسگيل لرينين
حسرتله بيان اولماسيندان دوشونمك اولور:

... چوخداندير آيري يام حسين جواندان

اؤلونجه دؤنمه رم آذربايجاندا

بي بولاق يئرلر، شكي شيرواندا

قشمي سورسالار، دي ايراندادير

عاشيق قشم اليه ساز آلان گوندن شعير ده يازير. اونون
۱۷۰ يليليك شاعيرليييندن اوچ جيلد كيتاب بيزه يادگار
قاليب. بونلاردان «ائل مني آتماز» و «وطن بولبولويم،
ائل عاشيقي يم» آدلي ايكي كيتابي عاشيقين وفاتيندان
قاباغا عايد دير، «عاشيق قشمين حياتي و ياراديجيلىغي
« آدلي سون كيتابي ايسه سونلار، گونئيلي نين
تشبوئويله ايشيق اوزو گوروبدور. موختلف مؤوضوع لاردا
شعير يازان عاشيق قشم اؤز ياراديجي ليغينين مياسيني
هر شئي دن اول ائليندن و وطنيندن آير. اؤ اؤز دوغما
دياري گونئي ماحاليني بله ترنم ائدير:

يازديم تاريخ لرده قالسين جهاندا

بهار گونئي ده دير، يازگونئي ده دير.

همي يايلاغي وار، همي آراني

«قوبا» گونئي ده دير، «قاز» گونئي ده دير

عاشيق قشم قايعي كش بير انسان كيمي آيرليقدان

شكوه لنهرك، گوزون تيكيير گله جك لره:

باد صبا سحر تئزدن اسنده

قلبيم گاه يايلاقدا، گاه آراندادير

گئجه لر قيسالير، گونلر قارالير

كؤنلوم گاه اوياندا، گاه بوياندادير

عاشيق قشم گونش ايلي ۱۳۶۸ ين

مهر آيندا دوخسان ايله ياخين

فايدالي عؤمرونو باشا وئردى. اونون

وفاتيندان قيرخ گون كئچه نه

دك آذربايجانين خيلي يئرلرينده،

خصوصيله تبريزده و كوندورده هنر

سئوه رلر آذربايجانلي لار طرفيندن

طنطنه لي مجلس لر قورولوب،

عاشيق قشمين خاطيره سي عزيز

ساييلدي. عاشيقين مزارى اوستده،

+++++

عاشيق قشمين ياشاييش تحقيقاتيندا اوچ قونو



عبدالعلي مجازی «آسلان»

گلمه ين چتينيلىكلره
دۇزوب و عاشيق
قشمين آبيريسيني،
اۇزونو و اوشاقلاريني
ساخلايبيدير.

عاشيق قشمين حيات
يۇلداشي دا تامام او
اسيرلىكلرده اۇنونلا
چييين به چييين بو
عاييله يۇكونو تك جانينا
داشييب، و قاچاق نبي
نين هجر خانيمي كيمي
حيات يۇلداشي نين
اۇزونو و آبيريسيني حيفظ
اندركن اۇنون مۇباريزه
سينه مانئع اۇلماييب،
داغلاردا- باغلاردا اۇنونلا
گۇرۇشمه يه و بير تيكه
چۇره يي ايكي بۇلوب
بيريني ارينه وئرمه يه
چاليشييدير.

بئله بير قاديين
آدي عاشيق قشمين
ياراديجيلىغيندا گلمهسه،
اينصافسيزلىق دير. من
اؤميد انديرم، دوستلار
بو دۇنه عاشيق قشمين
بيوقرافياسيني الده ائندنه
بو اوچ قونو ديقتهله و
اۇلدوغوقدر ياناشسينلار.

قۇرخودان او اليفادا يازميرديلار، چۇنكو او خطي دؤولت اداملاري
گۇرۇنده، مۇهاجير تامغاسي ووروب توتوردولار، او سببه ايرانا گلن
مۇهاجيرلرين هئچ بيريسي كيريل اليفاسيلا يازميرديلار و عرب
اليفاسي ايله ده ياخشى يازا بيلميرديلر، اۇناگۇره ايراندا نامه لري
ايريلارينا يازديريديلار. بونلاردان كئچنده، سيز تصؤور اندين كي،
بير نفر فدائي، نيظامي پالتاريندا، تۇفنگ چيييننده، ات اۇستونده
گندرسه بير نفر ي كميتيه يه گتيره، اگر او حۇكمو اۇخويا بيلمزسه،
نئجه او آدامي، او ئيري تاپاييله جك؟ و مۇمكون دوركي، اختارديغي
آدام، ائله جه ده او حۇكمو اۇخوتدوردوغو آدام اۇلموش اۇلا. بس بو
يوخاريدا يازيلان دليل لره ديقتهلر يئتيرك و اوسۇزو ايصلاح ائتك.

ايكينجي قونو «عاشيق قشمين ياشاييش يارديجيليغي» كيتابيندا
يازيجي لاردان بير ي، بير يانليش سۇز يازيب و اورد ا چاپ اولوبدور.
تأسفله اۇ كيتابين بير ائديتور و دامن اۇلموشام. آنجاق اوزامان بوسۇزو
من ده باشا دۇشمه ميشم كي، آرازين او تاييندا و ايران عاشيقلاري
آراسيندا و اينجه صنعت مقاملاريندا «مغني» كلمه سي موسيقي
صنعتكارينا دئييلير و تۇركجه ادبيات ساحه سينده ده مغني سۇزو
موسيقي ايشلري ايله چالیشان صنعتكارلار او اۇخويانلار دئييلير،
بو يازاريميز هاردانسا، مغني كلمه سيني توركلر، عربجه «مغني»
كلمه سي ايله بير فورمادا تلفوظ ائنديكلرينه گوره، مغني (اوخويان)
سۇزونو، «مغني»، قوبو قازان (كنكن) ائلاميندا گۇتوروب و قشمين
اوتايدا كنكن ليك ايشينه باش قاتماغيني سۇيله ييبلر. حال بو كي،
۱۴ ياشيندا بير نفر كۇندورده ساز چاليب عاشيقلق ائدن، گنديب
گنجه شهرينده «عاشيقلارين مركزينده» و عاشيق محمد علي نين
دوستو كر بلايي عبداله نين حيمايه سينده عاشيقلق ائدن بير گۇزو
آچيق عاشيق داها كنكن ليك ائتمز. اگر كنكن ليك ائتسه ايدي
تقريباً ۲۵۰ يا ۳۰۰ قطعه شئعرينده تامام داغلاردا داشلاردا شئع
دئيه ن شاعير اۇز كنكنليك ايشيندن ده بير كلمه يازاردي. آما
عاشيقلق ياشان يۇز يئرده و حتي قالايجي ليغيندان دا يازيبدير.

اۇچونجو قونو: اۇچونجو قونوكي، اۇنلاردان مۇهوم دور و هاميميزين
ياديميزدان چيخييدير. عاشيق قشمين حيات يۇلداشي نين
زحمتلري دير. بيز هاميميز عاشيق قشمين داغلاردا- باغلاردا
قالماسيندان و حتي جيري ق چاريغيندان يازيري ق؛ آما هئچ وخت
فيكيرلشمه ميشيك كي، آيا بونون حيات يۇلداشي دا بش
اوشاقلا ايللر بۇيو او زحمتلره و اۇ زولوما دۇزوب، گنجه لر- سحره
قدر مأمورلارين قۇرخوسوندان و اوشاقلارين قۇرورماسيندان، قاپي
دۇبولنده تيتره ييب و اوره يي نين ياغي ارييب و تامام او تصؤوره

لطفاً عاشيق قشم جعفري نين ياشاييشيندا يازانلار، بو آشاغيدا قيد
اۇنون قونولار توجه بويورسونلار و ديقتهله ياناشسينلار.
بيرينجيسي عاشيق قشمين ساوادسيز ليغي و يازيب اۇخوماق بيلمه
دييي دير.

يازيلاردا يازيرلار:

- عاشيق قشمين يازيب- اۇخوما ساوادي يۇخ ايدي.

دئمه ليم كي، عاشيق قشمين آتاسي، عاشيق محمد علي ايللر
بۇيو شمالي آذربايجاندا (آذربايجان جمهوريتينده) عاشيقلق
انديب و گنجه شهرينده تانينميش بير عاشيق اۇلوب، اۇنون اۇغلو
دا «قشم» بو اوستاددان سۇنرا ۲۰ ايل اورانين چوخ شهرلرينده و
اۇزليكله گنجه ده بۇيوك شاعيرلره بير يئرده ياشاييب، شئع يازيب
و عاشيقلق ائدييدير. اۇنلاردان علاوه ۱۶ ايل شوروي دۇورونده
و اكتوبر اينقيايلىندان سۇنرا اۇنلارين قانولاري- ايله ياشاييب
و بۇيوك شاعيرلر و عاشيقلارلا شئع سۇيله ييب و موغني ليك
اندييدير. بونلارين هاميسي ناخامساق دا، ميلي حۇكومت
زاماني تحصيل ايجباري اۇلدوغونا گۇره لازيم ايدي كي، هامى
مكتبه گنده، ائله او مۇناسيبته مني مدرسه يه قويدولار و من او بير
كيلاس درس ايله تهرانا گلديم و جيزما قارا بيليرديم و كيتابلاري،
مجله لري اۇخويا بيليرديم و اۇخوبوردم، عاشيق قشم ده تقريبن
دۇققوز يا اؤن آي منيم قارداشيملا شيبسترده «اكبير» (ياشلي لار)
كلاسينا گنديرديلر و ۱۶ نفر شيبستر فدائي لري نين هاميسي
روزنامه و كيتاب اۇخويا بيليرديلر. آنجاق چوخ سۇزو يازار بيلميرديلر
و عاشيق قشم ده اۇنلاردان بير ي ايدي. بئله بير استعدادلي آدام
اۇلا بيلمزكي هامى دان دالي يا قالا و هئچ نه ساوادي اۇلمويا و حتي
اۇخويا بيلمه يه. بورادا بير بند شئعريني و بير خط يازيني تانيق
گتيريم:

بير نامه يازيرام گنجه شهريندن

آپاريب وئرسيز گۇنئي ائلينه

وطندن چيخديغيم خئيلى زاماندي

بۇلوب اۇلان ماييل اۇلار گۇلونه

«عاشيق قشمين ياشاييش يارديجيليغي» عۇنوانلي كيتابين ۱۱۴-
جو صفحه سي نين سون سطرينده قئيد اۇلوبدور: «قشم بير نامه
يازيب، محمد يار اۇغلو آلاه يار واسيطه سي ايله اۇز قۇهوملارينا
گۇندير».

بو نامه ني يازاندا آذربايجاندا عرب اليفاسي بيغيشيلىب و كيريل
الفباسي ايله يازيرديلار، او، مۇهاجيرلر ده كي ايرانا گلميشديلر،

گونئی بولبولو، ائل عاشیقی

آخری یوخ، آخری بی انتها

اولی یوخ، اولی بی ابتدا

محمد علی نقابی



ایکینجی خاطیره:

بیر نچه ایل اول ایدی کی، زینوو(زینه آب)-ا یولوم دوشدو. یول اثناسیندا بیر یاشیل چیمنلیکده دینجه لرکن، اورتایاشلی بیر چوبانلا راستلاشدیم. سلام و علیک دن سونرا، آرامیزدا بیر نچه سوال-جواب رد و بدل اولدو کی، آشاغیدا قیده آلیرام.

-باغیشلایین آدینیز نه دیر؟

-منیم آدیم <قشم> دیر

-شوخلوق ائله مه، اؤز آدیوی دئینه

-شوخلوق ائله میرم، منیم اول آدیم «قشم» دیر.

-من بیله لی گونئی منطقه سینده، فقط بیر نفر کوندورلو عاشیق قشم واردیر. آیری قشم آدی ائشیتمه میشم.

-دوز بویورور سونوز، ولی منیم آدیمین احوالاتی بئله اولموشدو کی، بیر نچه ایل اون ایل بوندان اول زینوو کندینده بیر توی مراسیمی واریدی. کوندورلو عاشیق قشمی ده عاشیق عونوانیندا تویا دعوت ائتمیشدیلر کی، سازيله- سؤز بيله توی مجلسینی داها چوخ رونقلی و اوره یه یاتیم ائله سین. منه بویلو اولان آنامدا دامداکی خانیملارین آراسیندا اوتوروب، عاشیقین سؤزلرینه، سازینا قولاق آسیرمیش. ائوه گلدیکدن سونرا، عایله عوضولریندن بیرری سوروشور کی، عاشیق نجه ساز چالیزدی؟ ائام دئیییر: او قده ر گؤزل چالیب و عاشیق ماهنیلارینی اوخویوردو کی، گل گۆره سن! دوزون سوروشساز من عاشیق قشمین سؤزلرینی و سازهاوالارینی او قده ر به یه ندیم کی، بو قارنیمداکی

هر محیط ده ساوادلی و یا آز ساوادلی شخصیتلر عرصه یه گلیر کی، اونلارین یارادیجیلیق و خلاقیت گوجلری چوخ دیه رلی اولور. او جومله دن، کوندورلو عاشیق قشم دن سؤز آچماق اولار. بو آدلی سانلی ائل عاشیقی عالی تحصیلات گۆرمه دییی حالدا، حاضر جوبابلیق استعدادینا مالیک اولوب. و بیر نوع سؤز داغار جیغی ایدی. ها بئله ظرافت زمینه سینده ده بؤیوک مهارت صاحبی ایدی. دئمک اولور کی، ایندیکی شمسی عصریمیزین ایلک یاریسیندا، ایران آذربایجانلی نین ساییلی و آدلی-سانلی ائل عاشیقلا ریندان بیرری ایدی.

ایندی یه دک عاشیق قشم حقیقده بیر چوخ کیتاب، مقاله و مطالب ادبیاتچیلار طرفیندن یازیلیمیش و چاپ اولموشدور. او جومله دن، شاعیر و یازیچی داور زمانخانلی جنابلاریندان تشکور ائتمک گره کیر کی، عاشیقین ایلک شئعر کیتابینی «ئل منی آتماز» آدی آلتیندا چاپ ائتدیر میشدی.

آشاغی سطرلرده اوستاد عاشیق قشم حقیقده ایکی خاطیره نی قیده آلیرام.

بیرینجی خاطیره:

ایراند اسلامی انقلابدان بیر نچه ایل سونرا، حؤرمتلی دانشیار «یاووز آک پینار» جنابلاری، گزمک و ادبی آراشدیرمالار اوچون ارزوروم دانشگاهیندان تبریز شهرینه تشریف گتیر میشدی. بئله قرارا گلدیک کی، بیر گون عاشیق قشمین محضرینده، دادلی-دوزلو اوره یه یاتیم سؤزلرینه قولاق آساق.

ایاق اوسته، ساغدان سولا: محمد علی نقابی- عاشیق قشم- حبیب ادریسی

یترده اوتوران: یاووز آک پینار

او گون، گلدی چاندی. یاووز به ی، یولداشی حبیب ادریسی جنابلاری و بوسطیرلری یازان، شیبستر دن ماشین سواری ایله کوندوره گئتدیک. و عاشیقین سنتی ائوینده متکایه دایاناراق، سازلی سؤزلرینه قولاق آسدیق، داها سونرا آذربایجانلی فولکلوریک ناغیللاریندان بیرینی کاستت نوارینا ضبط ائدیب، قوناغا تقدیم اولوندو. بیر نچه ساعات سونرا ساغوللاشارکن، یاووز به ی چوخ درین حؤرمتله ۵۰۰ تومنلیک بیر پاکتی اوستادا اتحاف ائتدی. داها سونرا یاووز به یی تبریزده و شیبسترده، تاریخی یئرلری گزدیکدن سونرا ارزوروم ساری اوغورلادیق.

سی آلتی
چارداق: گوندن و یاغیشدان قورونماق اوچون قورولموش مکان، «
اللی قدم بیر-بیریندن آرالی چارداقلارین آشاغی طرفینده آغاجدان
بیر چارداق تیکیلیب.» مفتحعلی آخوندوف
چاغ: وقت، زامان «بوزامانا قده رهارد قالیبسان؟ نه چاغا جان سنس
گۆزله یک؟» صنوبر هدایت
حلم(حتلم): طبیعت یاواشلیغی، طبیعت ده یومشاقلیق و صبر و
تحمل، حدت و غضبین عکسی
داشقیق: چای ودریانین ائشیه داشدیقد آلدیغی صیفت
دالاشما: ساواشماق، ووروشماق، دعوا ائتمک
دالغا: موج، سویون اوزونده حرکت نتیجه سینده عمله گلن بؤیوک
لپه(شپه)
دورنا: دیمدی، بوغازی و آياقلاری اؤزۇن، کؤچری وایری باتالیق
قوشو
ساز: عاشیق قشمین دئدیسی سازدا، اون اچ پرده، دوققوز سیم
واریمیش.
ساناماق: گمان ائتمک، حنسابا گتیرمک، سایماق، حنسابا سالماق
ساواک: «سازمان امنیت و آگاهی کشور» بین موخفقی
سرت: چتین، برک داش-تورپاق-آعاج، تیز، شدید، خشین، توند و...
سؤنا: گۆزل، ارکک اؤردک، وحشی مرغابی، قشنگ
سئز یاغیب: سگ رقیب کلمه سینین تحریف اولونموشو
سین: «س» تشبیه، بوکولموش دال(د)ین قارشیلیغی
ترلان: گۆزل قوش، شاهین، عقاب
قایا: بؤیوک داش پارچاسی
قشمر: اله سالماق ایله ادیبتچی، مودی، قشمر آدم، مودی لیک،
معذب لیک
قلندر: دونیادان ال چکیب در به در درویش، حقیقت بین گومان
ائدیلم آدم.
کهلیک(ککلیک)، کبک، گؤیر چین بویدا، الوان توکلو، اتی دادلی
چؤل قوشو،
«ککلیک چؤل برابری،
اؤردک گؤل برابری
بیر اوغلان دوغوموشام
بوتون ائل برابری» بایاتی(خدیجه طیب قیزی)
موخنث(مخنث): قورخاق، پست، آچاق، نامرد
ئیسان: لئیسان، باهارین شیددتلی یاغیشی. «لئیسان یاغیشیندان
سونرافاطما آنا گۆیده حناسینی، آنام دالئیبوانداساجینی آسمیشدی.»
س. رحیموف
«قاری ننه نین ایشیغی(ایشی): گوی قورشاعی، رنگین کمان، قوس
قزح»

اوشاغیم، اوغلان اولای قیز اولای، آدینی قشم قویا جاغام. بئله لیکله آد
قویما گونونده منیم آدیمی «قشم» قویموشلار.
سوم سؤز لیمی عاشیقین بیر بایاتیسسی ایله سونا چاتدیریرام:
عاشیقین هاراییندان
ائل یاتماز هاراییندان
گونده بیر کرپیچ دوشور
عؤمرومون ساراییندن
اوستاد نقابی ائل منی آتماز کیتابیندا بیر نئجه معناسیز و یا
معناسینی ناپمادیغی سؤزلردن باشقا، بیر چوخ یئر و انسان آدلارینی
آچیقلا دیقدا سونرا، انک ده گلن سؤزلره آچیقلا ما یازیب و گونده
ریبلر:
آری: تمیز، صاف، خالص. «آیدان آری، گوندن دورو» آتالار سؤزو.
آل: قیرمیزی، آل قان، آل شفق-
«آل یانقلارین ساناسان کی، قیزیل گول خرمنی،
تر زخندانین باخدیقجا جنون ائیلر منی»
واقیف
ائل-اوبا:
ائل: جماعت، خلق، آدمالار. «ائل ایچینده آغلایان گۆز سوز قالار»
آتالار سؤزو
اوبا: چادیر، چادیر آچیلان یئر. ائو، مسکن، آبادانلیق، ائل قرارگاهی
اسکی: قدیم، دیرینه، کهن، قدیم آدمالار، سابق، پیشین
اؤسانماق: تنگه گلمک، بنزار اولماق، یورولماق
اؤو: شیکار، صئید، اؤو اؤولماق
اویلاق: منیدان، آچیق هاوا، جولانگاه، یاشاییش یئر، ماوی
ایگیت: بیر ایشده، دؤیوشده قوچاقلیق، جسارت، قهرمانلیق،
مردلیک گۆسته رن. جسور. اوغلان ایگید قیز قشنگ... ائل ماهنیسی
ایلقار: سؤز وئر مگ، عهد باغلاماق «ایلقاریندان دؤن نامرد دیر» آتالار
سؤزو
اینجه بئل: بئلی نازیک، ظریف، «نیگار خانیم قیرخ اینجه بئل قیز ایله
گلیردی» کور اوغلو
اینجه صنعت: گۆزل صنعتلر، نفیس صنعتلر، بدیعی یارادیجیلیق
فعالییتی(صنایع مستظرفه)
بار: میوه محصول، «آغالار بار وئر دیکجه باشینی آشاغا تونار» آتالار
سؤزو
بره: اؤو گۆزله نیلن یئر، کمین کمینگاه. «اؤوؤ بره ده وورمالی.» آتالار
سؤزو
بوز ات: قاچاق نین نین مشهور اتی
بولاق: یئرین آلتیندان سیزیب چیخان سو منبعی، «بولاق باشدان
بولانار» آتالار سؤزو
تای-توش: باب، مونسب، برابر(هم سن و سال)
توتک: نئی، قمیشدن وساییره دن قایریلمیش نفسلی خالق موسیقی

اوستاد عاشيق قشم له گوروشوموز دن بير خاطره



رحيم گوزل

اۇپوشدوكن سۇنرا بيزي يوخاري قاتداكي گوزل و صفالي بير اۇتاغا چيخارتديلار. اۇتاغين پنجره سي نين اۇنونه آغ و تميز بير قۇيون دريسي ساليئميشدي. اوستاد اليني دري يه و اوزونو سه منه توتاراق دئدي:

- باجي اۇغلو بويور ايلش!

من دئديم: - يۇخ، اۇلماز اوستاد، لۇطفن سيز بويورون ايلشين!

اۇ آندا اوستاد پنجره نين توشوندان بارماغيني ميشؤوا توتوب دئدي:

- باجي اۇغلو، قشم اۇ داغلارين قۇيوندا بۇيويوب، بۇيا- باشا چاتميشدير، قشمه داش ايللا - دري نين هنج فرقي

يۇخدور بويور ايلش!

چۇخ چكيش- بركىشدن سۇنرا اوستاد منيم ايسته ييمي يئرہ سالماييب دري نين اۇزرينده ايلشدي.

بير آز خۇش- بئش دن سۇنرا، چاي، دادلي- دوزلو يئمك و چنشىدلي مئيوه لرله بيزي يۇكسك سوييه ده عزيزله ديلر.

اۇنجه عايله يه دايبير و گۇنده ليك مسأله لردن دانيشيلدي و اوستاد اۇغلو مظاهرين ايران- عراق ساواشينا گۇره

عسگرليبيمي يئني بيتيرميشديم. ۱۳۶۵- جي گونش ايلي ايدي. قوم تپه ده عوض عميم گيلده نجه گونلوک قۇناق اۇلدوغوموز گونلرين بيرينده، فورصتدن فايدالاناراق آنامي و مينا عمي دوستومو گۇتوروب بيرليکده صوفيانلا - شېستر آراسيندا و ميشؤون اته يينده يئرله شن کۇندور کندينه دۇغرو يۇلا دۇشدوک. هدفيميزسه ايللر بۇيو آدي- ساني آنامين ديليندن بئله دۆشمه ين و قارداش دئدييي اوستاد عاشيق قشمي زيارت ائتمک ايدي. کۇندوره يئتيشيب اوستادين ائويني تاپيب قاپيني چالديقدا، قاپي نين آرديندان کيمدير؟- دئين، اوستادين اۇزو ايدي .

جاواب وئرن سه اناام اۇلدو:

- منم، فيرنگيز باجينام، تبريزدن گل ميشم.

اوستاد قاپيني تعريفه سيغمايان بير سئوينجله آچاراق، آنامي گوررکن بير شعر اۇخويا - اۇخويا و شؤوقدن آخان گوز ياشلارينا مانع اۇلاييلمه ديبي بيرحالدا:- مشه فاطما، مشه فاطما، گل گور کيم گليب؟- باجيم گليب دئيه، حيات يۇلداشي فاطما خانيمي چاغيردي.

مشه فاطما گليب انااملا و عمي دوستوملا گوروشوب-

اۋز باجىسى آدلاندىر اراق، تعريف ائتمە سىندن و اۋ زامان
اۋ مجلسلردە قۇناق اۋلان كندىلىرىمىزىن خبر گتيرمه
سىنە اساسن بابامىن و انامىن واقتى ايله عزيزله دىكلرى
قۇناق اصليندە كۆندورلو اوستاد عاشىق قشم جعفري
اۋلدوغو، و اۋندان بو يانا هميشە اوستادىن اناما باجي
و انامىن اوستادا قارداش دئمه سي و هر وقت صوفيان
بازارىندا اتام يوسفلىنى گۆرن اوستاد اۋنو بىر قوهوم
كىمى باغرىنا باساراق باجىم نئجه دىر؟- دئيه انامى
دۋنە- دۋنە خبر آلدىغىندا دانىشىلدى. اوستاد سوز
آراسى اۋز اويغون شئىرلىرىدىن اۋخوياراق ادب خزىنە
سى اۋلدوغونو دا بىر داها ثبوت ايتتىرىدى.

بۇتون داھىلردە بىر قابارىق اۋزلىك اۋلار. اوستاد عاشىق
قشم دە اۋلان اۋستون اۋزلىك اۋنون كۆتلە يە ياخىنلىغى
و هر كسى اۋز دىلى ايله دانىشىدیر ماسى ايدى. كۆندوردە
اۋلاركن اوستاد بىزى بىر قۇجا و دۇنيا گۇرموش قادينىن
اۋونە قۇناق آپاردى. قادين لا كندىن گۈندە مین دە كى
ساده و نورمال مسئلە لر حاقيندا ائله دىقتلە و حساسلىقلا
دانىشىردى كى، ائله بىل ھىچ نئچە ساعات قاباق ۱۳۲۵-
۱۳۲۴ - جي ایللرین سياسى و سۇسىال اۋلايلارىندا،
بو تايدان، اۋ تايدان، شھىياردان، سلیمان رستم دن و
سلیمان رستمىن اۋنا يازدىغى ميشۋون قارتالى عۋنوانلى
شئىرىدىن، باغلاشدىغى عاشىق لاردان و باشقا اۋنملى
و تاريخى مۇوضوعلاردان دانىشان اوستاد دئىلدىر.
كۆندورلورلرین، اوشاقلې- بۇيوكلو قشم عمى دئيه، اۋنون
آدینا آند اىچمە لرى نىن سببىنى من گۇزوملە گۇردوم.
قادىن، اوشاق، جاوان و قۇجالارى قارشىلاياركن چۇخ
صمىمى و قاىغى كئشلىكلە دىندىرىب، ساغوللاشىردى.

اوستادىن چۇمە تمە اۋتوروب
چلبىنى دىزلىنە دايايىب اىكى
الى ايله ساخلايىب بىرى سى ايله
يئرلى و ياتاقلى دانىشماسى دا چۇخ
ماراقلې ايدى.

دۇغرودان دۇغروسو عاشىق قشم
تكجە سازدا و سۇزدە دئىيل، بلكە
خالقلا ايلگى ساخلاماقدا دا ان
بۇيوك اوستاد ايدى.
يۇلو داواملى و روحوشاد اۋلسون.

جبهه ده اۋلدوغونو بىلدىردى وهامىمىز ساغ و سلامت
قايتىماسىنى آرزو ائتىدىك.

ايجتىمايى صۇحبت لرىنى، قوزنى آذربايجاندا(آذربايجان
جمهۇرىتىندە) قالدىغى ايلردە گۇروب و ياشادىقلار يلا
باشلادى. سۇنرا دئموكرات فىرقە سى نىن آذربايجاندا
حاكم اۋلدوغو دۇوردە، زحمتكش كۆتلە لرین
آزادلىغىندان، دىل، ادبىيات و اينجه صنعتىن
اينكىشافىندان ... و اۋ زامان تىرىزدە گۇي مسجىدىن
ھندە ورىندە اۋلان بىر قهوه خانادا عاشىق حسين
جاوانلا نۇوبتى اۋخومالارىندان و باشقا شىرىن- شىرىن
خاطىرە لریندن سۇز آچدى.

بىر آز سۇكوتدان سۇنرا فىرقە نىن مرتجع قوۋە لر طرفىندن
قدارلىقلا بىخىلماسى نىن آردىنجا آذربايجاندا نە- لرین
باش وئردىيىندن دانىشدى و اۋزونون تانىمىش شىخ
طرفىندن اۋلوملە ھدە له نىب ائوي نىن مرمى يە
باغلانماسىندان، قاچقىن دۇشوب داغلاردا گىزلى و
آجىنا جاقلى ياشادىغى گۆنلردن گئنىش معلومات وئردى.
ائله ھمن ايلردە قوم تپەدن كئچركن بىرىسىندن بىر
ال آغاچى اىستەدىكە اۋنون طرفىندن سۇرغو- سۇالا
توتولاركن اۋ زامان گنج بىر گلین اۋلان انامىن جريانى
گۇروب اۋنو اۋز كندىلى سى نىن اىلدىن قورتارىب و قاين
اتاسى شەھبازى خىردار ائتمەسىدىن، اۋندان قۇناق
قالماسىنى اىستەدىكلرىندە، دالى قاچاق دا اۋلوب
قالايىلمە دىيىنى دوياركن قاين اتاسىلا دانىشان سۇرە
دە انامىن اۋنا تله سىك چاي حاضىرلاماسىندان و حيات
يۇلداشى نىن گىلە نار آغاچىندان اۋلان ال آغاجىنى اۋنا
وئرىب دستمالىنا چۇرك، پنىر وكرە باغلايىب خئىير-
دوعا يلا يۇلا سالمالارىنى سۇيله يە
رك،- باجي بىلنە بىر تىكە، بىلمە
ينە مین تىكە،- دئيه، وورغولادى.

+++++

انام بابامى «شەھباز عمى»، بابام
ايسە انامى «فىرنگىز» چاغىراندا
اۋنلارین آدلارنى اۋىرە نىب يادىندا
ساخلايان مىثىلسىز استعدادا مالىك
اۋلان اوستاد عاشىق قشم نئچە
ايلدن سۇنرا گۇنئىين نعمت الله و
زنگى كندلرىندە كئچىردىيى تۆي
مجلسلرىندە قۇم تپە اھلى اۋلان
شەھبازىن اىنسان سئورلىيىنى و
غرىب نوازلىغىنى آلقىشلايىب و اۋنون
گلىنى فىرنگىزى بىر اىگىد قادين و



اکبر صالحی «قاداش»

عاشیق قشم

عاشیق نه دئمکدیر؟

تۆرک دۇنياسیندا یئددی یۆز ایله یاخین بوندان اۇنجه، عاشیق پاشا، یونوس امره و آذربایجاندا ایسه آغ قویونلو- قارا قویونلو و آردینجا شاه ایسماییل ختایی دان بو اله عاشیق آدی ایله تانیلمیش اینسانلار حاقدا نئجه دۆشونوروک؟ بونلاری یالنیز چالیب- اوخویان، لیریک و حیماسی حنکایه لر سؤیله ین می تانیریق؟ اۇنلارین سؤزلرینده گئدن اخلاق، پئسیکولوژی، دین- آیین جهنلرینه دیقت ائتمیشیک می؟

آراشدیریجی لارین الدهه ائتدیکلرینه گۆره، اسکی دؤورلرده، قام - شامان اینانجلاری، اۆلکه میزده یاشایان اینسانلارین چۆخلوغونون اینانجی ایدی. دین باشچی لاری اۇلان قاملار و شامانلار،

موقدس قۇپوزو دۇشلیرینه آلیب، خالقین دوغو، دیلکلرینی شئعره چکیب،

اۇخویاردیلار. اۆسطوره لری، اوزاق کئچمیشده باش وئرمیش،

افسانه لشمیش واقعه لری جانلاندیراردیلار. اۇ دین آداملاری،

بیر سۆرج (روند، گئدیش) ده اۇز یئرلرینی اۇزانلار اوئیرلر. اۇزانلار، بیر

باشا دۇشلیرینه قۇپوز، سینه دۆلو سۆز، اوزاق گۆرن، مصلحتچی، هابئله

دین حاقدا بیلگین، اۇبود- خئییر دوعا وئرن، عادت- عنعنه لری بیللیب یئرینه یئتیرن

وائل آرا ان حؤزمتلی اینسانلاردیلار. عاشیق لار دا اۇزانلارین آردینجا گلیب، آیاقلارینی

اۇزانلارین آیاق یئرلرینه قویوب، زامان ایسته یی ایله ایره لی گئدیبلر. عاشیق لارین

ان یۆکسک مقاما چاتانلاری، خالق طرفیندن دده عؤنوانی قازانمیشلار.

آرتیق آراشدیریجی لارین چۆخو اۇزان لا عاشیقی بیر گۆرورلر و قۇنشو تۆرک

خالقلاریندا گئدن باخشی، یانشاق اۇدلاری ایله سینونیم (یاخین آنلاملی

سؤزلر، هم معنی) سایا گتیریرلر.

تۆرکلر ایسلام دینی قیول ائتدیکن سؤنرا، دین آداملاری، اسکی دین لرین، ائشیک دوروملارینی (ظاهیرلرینی) آرخادا قویوب، ایسلام بویاسینی توتسالار دا، عادت ائتدیکلری، اسکی اینانجلارین (باور) کۆکونو یاشادیرلار. دده قورقود کیتابی بو حاقدا دانیلماز بیر نؤمونه دیر. آرتیق شاه اسماییل ختایی، قوربانی، خسته قاسیم، ساری عاشیق و بونلار کیمی عاشیق لارین اثرلرینده آرا- سیرا بو مسئله ایله توشلاشیریق. میثال اۇلاراق دده قوربانی دئییر:

وزیر سنی قارغاییرام،

حاق دیله یین یئتیرمه سین!

گۆیدن مین بیر بلا یاغسا،

بیری سنی اؤتورمه سین!

بو پارچایا باخاندا دده قوربانی نین

قارغیشی، سئمانتیک (معنا تانیتمی)

باخیمدان، دده قورقود کیتابیندا گئدن

قارغیشلارلا یان- یانا قویولا بیلیر.

اؤرنک اۇلاراق:

قازان آیدیر (دئدی): آغزین قوروسون،

چۆبان! دیلین چۆروسون، چۆبان!

قادیر سنین آلتینا قادا یازسین،

چۆبان!

قازان بی بؤیله دئگچ (دئجک)، چۆبان

آیدر (دئییر): نه قارقیرسان (قارغاییرسان)

...

ایسلام دان سؤنرا اۇزانلار روحانی کیمی آنجاق

موسیقی آلتلریندن یارارلاناراق (فایدالانیب)،

شئعر، داستان و کۆنول اۇخشایان سسلری ایله

ایسلام جارچیسى رؤلوندا دا تظاهور ائده

بیلیرلر. اۇنلار، خالقین اینانجینا گۆره، آغام

منه باده وئردی، - دئییه، مولی علی (ع) نین

ایلندن باده ایچمکلرینه اینانیرلار.

میثاللار:

خسته قاسیم:

خسته قاسیم دئییر: دست-ی دست



باي و بيري بيرينه وور آنلاميندا؛ قوپوز سۇز بيرلشمه سينه گلنده، سس يايان، سس داغيدان آنلاميندا گئدير. (سۇز بيرلشمه سى = كلمه ى تركيبى)
عاشيق قشم و عاشيق صنعتى:
«عاشيق علعسگر» دئيبير:
عاشيق اولوب ديار - ديار گزىن
ازل باشدا پوز كمالى گركدير.
اوتوروب دورماقدا ادبين بيله
معريفت عنلميدن دولو گركدير.

دده علعسگرين، باخيشي ايله، بيريني عاشيق تانيماق ايسته بيريكسه، عاشيق قشم بۇتون اولو عاشيق دير. چۇنكى عاشيق، اۇنجه بير باشا ائلين بۇيوك باشى دير. اۇبا - اۇبا كند - كند دۇلانان دير. حكيم، اۇيود وئرن، شئعر قۇشوب، ساز چاليب، اۇخويان دير. ليريك - حيماسى داستانلار سۇيله ين دير. دۇيوش مئيدانلاريندا دۇيوشچولره اورك وئرن دير. اوتوروب دورماغيني باجاران و حۇرمتلى دير. سايدىغيمىز اۇزلىكلرده اولان عاشيق لاريمىز، تانيدىغيمىز دده قورقوددان باشلايلاراق، يونس امره و دده عاشيق لار: قوربانى، خسته قاسيم، والته، توفارقانلى عابباس، علعسگر و بير چۇخ بونلار كيمي اۇلاريني چكمه - ديبيمىز اۇزانلار ين سۇن بئشيبى دير عاشيق قشم. چۇنكو اۇ، ايراندا فئوداليتته گۇجىن دۇشن چاغدا دۇنيايا گلير. مشروطه اينقىلابى، خيابانى نين قيامى، بيرينجي دۇنيا ساواشى و آردينجا قۇنشو اۇلكه لرده اۆكتوبر اينقىلابىنى باشدان آشيرير؛ هابئله ايكنىجي دۇنيا ساواشىنى گۇرور. قشمين اۇيوندوبو و آرخالاندىغي قهرمانلار ديقت ائدك:

شئىخ سليم، باقىرخان، حئيدر عم اۇغلو
بابك، ستارخان هم باغبان ائل اۇغلو
قاچاق نبى، هجر، نيگار، كوز اۇغلو
خابانى كيمي بير روحانيم وار.
قشم، دين سيمبوللاريندان عادي
ياشامدا بير چۇخ يارارلانيرسا، آنجاق،
شئعردە اۇلار ي چكىلن قهرمان لار،
چاغداش دئموكراسى اوغروندا
جانلاريني قۇيان اينسانلار و يا خود
اۇنلار ين دۇيوش بايراقلارينا دۇنموش و
قشمين ايلهام منبعى اۇلان، افسانهوي
- تاريخى اينسانلىق و آذربايجان
سيمبوللار يديرلار.
اولو اۇزانيمىز بير ياندان، دده
عاشيق لاريمىز ايله معنوي ايلگيني

اۇلدوم

شاه اليندن باده ايچيب مست اۇلدوم...
عاشيق قشم:

...مولامين اليندن باده ايچميشم.

...رۇياده درسيمي وئريدى مولام

ايسلام دينى نين مخصوص روحانيتى شكيل توندوقجا،
عاشيق لار ارتيق، دينى مرجع كيمي يۇخ، تۇي - دۇيون،
ايلنجه (تفريح) ده، ساز چالان و داستان دئيه ن، سئوگى -
محبته، طبيعت گۇزلىكلرينه ماهنى قوشوب اۇخويانلار كيمي،
يارامازلار و يارامازلىقلارلا دۇيوشورلر و بو يۇلدا، جانلاريندان
دا مايا قۇيماغي لايىقنجه يئرینه يئتيرنلر كيمي گۇرونورلر.
حتا ايسلام مبلغي كيمي فورمالاشميش روحانى لرين بير
سيراسى، آرا - سيرا عاشيق لارين، ساز (قوپوز) لاريني دا
ياساقلابيلرلار. آنجاق بونلار باخماياراق، قۇپوزو باجارىقلى
بير اۇزگۇنچو كيمي، هردن سويون اۇزونه چيخيب نفس الماقلا
ياشادان عاشيق لار دير. بو عاشيق لارين ان گۇزل، ادىلم،
اينسانلىق اۇزلىكلرينى داشيبانلاردان بيري ده اولو عاشيق
قشم جعفري اۇلموشدور.

قشم دئيبير:

دۇز گئتميشم دينيم دئيه ن يۇللاري

يانديرمازلار بو ساز توتان اللري

قوپوز (ساز): عاشيقين ان تانينميش گۇستربجيسى قوپوزدور.
دئمك عاشيقى قوپوزسوز گۇسترمك اۇلماز. آراشديرجى لارين
باخيشينجا قوپوزون نئچه مين ايللىك تاريخى واردير. آنجاق
داها يايغين گۇرونه رك، دده قورقود كيتابيندا قوپوز ادى ايله
توش گليريك. دده قورقودون قوپوزو، آغاج، سۇرئيبى (صراحي)

قباق، دوه بۇيره يي نين دريسى و ات

قويروغونون تتلريندن دۇزلميشدير.

«آقايار شوکوروف» - ون باخيشيجا

سايدىغيمىز عۇنصورلرين ميتولوژي

باخيمدان اچيقلامالار ي نين ماراقلى

يئري واردير. آنجاق قۇپوز سۇز جويو،

ائتيمولوژي اچيدان (ريشه شناسى زاويه

سيندن):

قوپوز = قو + پوز

قو (سس) - قولاق، اۇرنك: قو ورورسان

قولاق توتولور. (منجه فارسجا «گوش»

كلمه سى ده، قولاق لا اورتاق كوك

داشيبير.) (اورتاق كوك = هم ريشه)

پوز (پوزماق مصدر ي نين كوكو)، داغيت،

+++++



اۆره يېمى سۇيدو، گنتدي.
يۇخسا مندن دۇيدو، گنتدي؟
گلمه دي جاوان، گلمه دي.
او قاشي كمان گلمه دي.

فېرقه دئورليپ، آذربايجان، قولدورلوق و جينايته معروض
قالديقدا، عاشيق حسين جاوان مجبوريت قارشيسيندا،
بالالاريني:

سه سنگ- برادر پير-ي حقيقت وطن امانتي، ائل امانتي
- دئيه قاراداغا اۆچ قارداش داغينا تاپشيريپ، ايران- شوروي
سينيريندان (سر حديندن) كنجديسه، عاشيق قشم، يۇلداشي
حسين جاواني سئوه- سئوه تنقيد ائدير:
گنجه- گۆندوز حسرتيني چكديييم
عاشيق جاوان گندر- گلمزه گنتدي ...
... او ائله بيليردي اورددا حالو وار
قاچدي، گنتدي، اۆلدو بلايه دۇچار...
گۆنئي بۆلبولويم «گلدیم ها گلدیم» - دئيه، ميشوو داغلارينا
سيغينير.

ائي اولو آتامين سيرداشي ميشوو
ائي آغري داغي نين قارداشي، ميشوو،
بو «زامبور قشم» - ين يۇلداشي، ميشوو،
پونهان ساخلا مني، گلدیم ها گلدیم.

يئري گلميشكن، آچيقلامالي يام، عاشيق قشمين او آغبر
شرابطده قورونماغي نين اساس سببي گۆنئي لي لرين يۇكسك
كۆلتور- مدنيت لريندن آسيلي ايدي. دئمك، قشم ميشووا
و اونون اته يينده ياشابان اينسانلارا سيغينميشدي. فېرقه
دئوريلديكده، آذربايجاندا ۲۵۰۰۰ نفر هلاك اۆلورلارسا،
آنچاق گۆنئي اهالي سيني آييقليق و اوزاق گۆرنليبي

ساخلاييب، اؤنلاردان پاي آپارا بيليب دير، او بيروي ياندان،
جوشار بولقدان سواقاينايان كيمي، دؤشوندىن سؤز قاينايبدير
واؤنلاري اوستادليقلا چالديغي قۇپوزونون هاواسي ايله، گۆزل،
كۆنوللر آچان و سئحيلري سسي ايله بيلرشديريپ، اؤركلري
اؤخشايبدير.

او، دؤيوش مئيدانيندا سارلي كؤراؤغلو كيمي دؤنمدير.
سئوگي گؤروشلرينده لاپ كر مين اؤزودور. عدالتدن دانيشاندا
ايشچي لرين كندلي لرين بايراقلاريني قالديريپ. ديني
وظيفه لره چاتديقدا بيلن و كۆنول وئرن دير. آنچاق قشمي دينله
ينلره بئله گلير كي، قشمين هر زادي گۆنئي و آذربايجاندا دير.
آرتيق او، اؤز دؤورونون بالاسي و اؤزوندە جمع لشن قشم دير.

مدني شاعيرم بۆتون جهاندا،
آنم مني دؤغوب آذربايجاندا،
قشم ساكيم گۆنئيبستاندا،
آيا، اولدوزلارا يؤل سالان منم.
باشقا يئرده دئير:

قشم، ياتميش بختين بير گۆن اؤبانار
يۇخسوللار مدني حوقوقون قانار،
فرهنگين چيراعي كندلرده يانار ...

دئمك قشم حياتيندا خانلارين چاپا- چاپيني گؤرور. آرازين او
تايندا سؤوت حوكومتيني سيناير، كاپيتاليسم دن دؤغولان
ميلي تاريسمي هابئله ايفراط درجه ده اؤلان ناسيوناليسمين
بالاسي، نازيسمين شاهيدي اؤلور. قودوز جاسينا اينسانلارين
بومباردومان اؤلماقلا ريني و ائله جه ده زؤراكيليق قارشى سيندا
گئند مۇباريزه ني دويور و تۆپلوم آرا، بيره بيرليك (برابريك)
ياشام شكلينه سئوگي بسله- يير. صؤلحه سس وئير. او،
ايراندا گئند ايجتيمايي - ايقتصادي شكلين ديشيلمه
سي نين دؤنگه سينده ياشاير. ائله اؤنا گؤره ده عاشيق قشم،
كلاسيك، اولو عاشيق لاريميزين سون بئشيب دي. ائله اؤنا
گؤره ده اؤندا، اؤزان بابالاري ايله فرقلي ايستكلر و داورا نيشلارلا
توشلاشيريپ. اؤرنك:

... ديدرگين اولدولار خانلار ايراندا
... ظفر سرودونو چالانلار بيزيك
عاشيق قشم حاقددا باشقا قونولار:

۱) عاشيق قشم اؤز چاغيندا زيروه ده دايا نير. آذربايجان
دئمكرات فېرقه سي دؤوروندىن حسين جاوان لا بيرگه، خالقين،
اۆلكه نين ايكي سئوگيلي بۆلبولو كيمي سس سسه وئيرلر.
آيري دؤشوكلري ايللرده ده گۆنئي بۆلبولونون جهجه سي
يالقيز شئيدا بۆلبول كيمي كۆندورون باغلارينا ياييلير:
عاشيق حسين قويدو گنتدي،

چوخ داكي باغلي دير قولو قشمين.

«اوستاد داوران»- ين دئديينه گوره، قشم آرا وئرمه دن سازي باغرينا آليب و اونون شئرينه بير گوزل جاواب وئريدير. آنجاق اوشئره ده اولو قشمين بير چوخ كاغيذا كئچمه ين شئعلري كيمي اونودولوبدور.

۳) عاشيق قشمين بير سيرا تانيلاريني دئديينه گوره، اونون يازيب اوخوما ساوادي يوخوموش. آنجاق عاشيق قشمين شئعلرينده يازي باجاريغيني اينديعاسيندا اولان عاشيق قشم، بيزي شاشيرير (تعجوبلنديرير). اؤرنك اولاراق:

-قشم يازير، يئر يم گؤنئي سؤزليم محك داشي

-اؤن يئددي ياشيمدان كيتاب يازاديم.

-بونامه ني گؤنررسن نازلي يارا ائي حكيم

-چوخ سؤزلي يازانماديم قالدني اؤنلار پؤنهاندا

-الده قلم بودفتر يازانام

-دفتره يازيرام عابباس، علمدار

و...

وئرديمييز اؤرنكلره گوره، ان آزي اولو عاشيق قشم، اؤز شئعلريني يازيلماسينا مئيل و چابا(جهد) گؤسترميشدير. اولو عاشيقيمميزين، بو بئيتيني گؤزدن كئچيرسك:

منيم كي، بير ذره يوخودور ساواديم

اگر چي ياييلميش اولكده آديم...

دئيه بيلريك: اولاي بيلر يازماغي بير تامارزي كيمي، عؤمور بؤيو اؤزو ايله داشيميشدير. اولاي بيلسين ده، اوخوماغي

باجاراميش، يالنيز يازماقدا چتتين ليك

چكيرميش و يازي - پوزو بيلن اوغلان -

قيزلاريني اؤز الي و قلمي حئساب

انديرميش. يئري گل ميشكن بؤتون

قشم سئورلره و اونون بالالاريندان كي،

قشمين سؤوزلريني لئنته، دفتره يازيب

و قارلارغي اندييلر، قدير بيلن ليك

انديك؛ هابئله يازيلاري تؤپلايب،

باسديرماق ايشلرينده چاليشيب و

آغير زحمتلره قاتلانانلار: ايسرافيل

جعفري (رحمتليک) و عاشيق مظاهير

جعفري عاشيق قشمين اوغلانلاري و

سايين دوست و قلمداشلاريم اوستاد

داور زمانخاني (دؤنمز)، اوستاد صمد

چايي، اوستاد آيدين تبريزلي و اوستاد

جيناييتين قاباغييني آلماغي باجاردني. شاهيدلرين دئديينه گوره شبسترده يالنيز بير مۇهاجير نئچه ساتقين كيمسه نين الي ايله قورشونلانميشدي. دئمك گؤنئيلي لر باشقا يئرلره گوره، اؤز ايگيد، قهرمانلاريني، شرفلي بالالاريني قورويابيلمه يي ده باجارميشدي.

۲) - آذربايجان عاشيق لاريني بير چوخو كؤندور كنديني قشمين ياشاديغينا گوره، اوجاق بيليب، قشمين مکتبيندن درس آلماغا گلير ميشلر. قوجامان عاشيق حسن اسكندري نين اؤز فخر ائتديينه گوره، دفعه لرله قشمين گوروشونه كؤندوره گنديدير. او، بؤتون بؤيوكلويو ايله، ادبلي اؤيرنجي كيمي، قشمين قارشيسيندا باش ايه رك: «بيز گنجلر سيز اوستادين سنسينزيك» - دئميشدي.

-هابئله اورمونون قوجامان عاشيقي، عاشيق دهقانين باخيشيجا، قشم سازين بؤتون هاوالاريني بيلر، سؤزده كاميل اوستاددير.

-واقتيله، عاشيق قشم ايله عاشيق شهنازي نين دئيشمه سي اورمودا، تبريزده خالقين ماراغي ني قازانميشدير.

- اولو زهتابي اؤنا اؤچ دنه اوزون شئع حصر اندير. بغداددان يازديغي منظوم مکتوبدا، عاشيق قشمني، ميشوون آلولو سسي، گؤنئيين اؤدلو نغسي، شاها باش ايمه ين، دار گؤنده ائلين تيگ قويمايان و ... تمثيل اندير. اولو زهتابي قشمين وفاتي گؤنو يازديغي شئعري بير پارچاسيندا يازير:

بزه دين تويونو هر زامان ائلين

آغير گؤنونده ده سوسمادي ديلين

نه قدر ايديلر، سينمادي بئلين

بو ائللر اونوتماز قشمين بير آن

-هابئله بير چوخ عاشيق لار، شاعيرلر

اورك دؤيونتولريني دويغوسال و منظوم

شكيلده سؤيله بيللر. او شاعيرلردن

بيري ده، سؤيولمي شاعير، مونتيقد

و آراشديريجي دوستوم « اوستاد ناصر

داوران» دير. او، ۱۳۶۲ - جي ايلده

قشمين گوروشونه گئتديينه پاي

آپاردغي شئعري نين بير بندينده بئله

دئير:

سؤنمه ييب چيراغي هله ده يانير.

هله ده ائلينه حؤرمت قازانير.

كيم دئير قشمين ديلي اوسانير،



حسین محمد خانی (گۆنئیلی) جنابلارینا اللرینیز آغریماسین دئییک.

قشیم نئجه دۆشونورموش؟

قشیمین دیلینده گزن سۆزلر و سۆز بیرلشمه لری اؤنون، ایچ دورومونو آیدینجا اۆزه چکیر. اؤرنک اۇلاراق: چتین گۆنون دوستو اۇلماغی اَلقیشلا بیر، اؤزگه فئلینه اؤیماغی وورغولاییر، اؤزونو و دینله ینلرینی دؤز ایلقارلی، شؤجاعتلی، مرد ایگید اۇلماغا چاغیریر، تیکه دوستو، مجازی دوست (قوندارما دوست) اۇلماغی قیناییر، هابتله عئل اؤیرنمه یه، حقیقته چاتماغا، اینسانلیق اندید، درده دؤزمه یه و چتینلیکلرده دؤزوم گؤسترمه یه بیر پئیغمبر کیمی دعوت اندیر.

قشیمین گؤللو-چیچکلی دویغولاری نین، خوراسان سفرینده، نیشابور شهریندن کئچنده، بئله قۇخوسو گلیر:

... کیتاب قۇلتوغوندا قیزلار گلیری

اۇغلان- قیز اۇخویور معرفت تاپیر

... عئل مسیز آداملار اۇلار بی موراد

اؤ، اؤزو محروم قالدیغی یازی- پوزونو اؤیرنلری گۆرنده، قیسقانمیر کی هئچ، قانادلانیب اوچور. اؤ، گۆنئیلی، کۆندورلودورسه، دوغوم یئری نین وورغونودورسا، بۆتون اینسانلارا و اینسانلیغا سؤگی بسله بیر. آنجاق یئرلی یئرینده انا دیلی نین قایغیسینا قالیر:

- هئچ وعدّه دئمّه دیم بوغدا یا گندوم

اؤز دیلیمین آرخاسیندا دایاندم

- انا منه لایلائی دئییب،

ائلیم تۆرکدور، من ده تۆرکم.

سؤد وئریب منی بسله ییب،

دیلیم تۆرکدور، من ده تۆرکم.

اؤ، درس آلدیغی اوستادلاری کیمی هرهارادا دیکتاتور حاکیم قووه لره قارشى سۆزلرینی آیدین دئییه بیلمه ینده، عدالتسیزلیکله توشلاشاندا، سۆزلرینی باغلی یا چولقاییب، بو کیمی عیبارت لرله خالقا چاتدیراردی:

- فلک طولم ائیله دی نوجوانلارا («نوجوان سۆز جوئیو قشیمده ده «خسته قاسیم» و «عاشیق والته» کیمی ایگید انا لامیندا گئدیر.)

- راست گلیمیشم ناشی بزیرگانلارا (بازرگان)

تۆکوب ماتاهیمی ساتا بیلمه دیم

هئچ وفا گۆرمه دیم من قیزیل باشدان (دؤولت آدامی دئمک دیر).

- ائله جه ده بو طنز شئعیرینده:

- بیرتلسین کۆتون، شالوارین

منیم کیمی لۆت قالاسان

- سۆزلریم خطرینه ديسه

قاییدان قاوالا فلک!

سۆز سوز عاشیق لاریمیز و شاعیرلریمیز، ائله جه ده عادی اینسانلار فله بی چئشیتلی دوروملاردا تاپدالایارلار. بو دا بیر دورومدور.

سؤن سۆز:

بو سۆزلر قشیمدن قالسین یادیگار

ائل ایچینده تمیز آدی گرکدیر.

- دئیهن قشیم، اوبالاردا، کندلرده، شهرلرده، تویلاری، دویونلری، شنلیک ییغینجاقلارینی، ساز، سۆز، داستان و داوارانیشی ایله آپاران قشیم، اینسانلارین دویغولارینا یاز یاغیشی چیله ین، ائله جه ده اؤنلارین یاشیل روحلارینی جیلالاندیران، خالقین گئچک دانیشیق دیلی ایله دانیشان قشیم، دده قورقود کروانی نین سازلی- سۆزلو یؤلچوسو قشیم، بیر داها دؤغولماییب و دؤغولا بیلمز ده.

(بخشهایی از گزارش مشروح از طرف مجله پیام شبستر خلاصه گردیده است)



▲ از راست به چپ: اکبر صالحی - مهندس صرافی - دکتر صدیق - ولی محمد خوجه

قورقود حضور داشتند. دکتر مرتضی مجدفر برگزاری این همایش از طرف انجمن ادبی صابر را نقطه عطفی در فعالیت‌های این انجمن ادبی آذربایجانی‌ها دانست. این پژوهشگر کشورمان نیز بر اهمیت نسخه خطی نویافته اشاره کرده و خواهان توجه مسئولین مربوطه به آن شد. شایان ذکر است در این مراسم با حضور دکتر حسین محمدزاده صدیق، مهندس علیرضا صرافى و آقای اکبر صالحی از آقای ولی محمد خوجه تقدیر شد.

نسخه سوم دده قورقود در تهران یافت شده است
دکتر حسین محمدزاده صدیق با اشاره به نسخه جدید یافت

پرسش و پاسخ و مهندس صرافى در قالب سخنرانی و با ارائه برخی گرافها و نقشه و ... به ایراد سخنرانی پرداختند. ذیلا شمه‌ای از سخنان این دو محقق برجسته ارائه می‌گردد:

در این جلسه، دکتر حسین محمدزاده صدیق؛ استاد دانشگاه، محقق و مترجم رسمی قوه قضاییه، مهندس علیرضا صرافى؛ محقق و مدرس فولکلور در دانشگاهها، دکتر مرتضی مجدفر؛ روزنامه‌نگار، نویسنده و پژوهشگر و مهندس ولی محمد خوجه؛ کاشف نسخه خطی دده

روز چهارشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۹۸ به همت انجمن ادبی صابر، همایش علمی تحت عنوان «حماسه‌های دده قورقود و نسخه‌های خطی آن» با حضور آقای دکتر حسین محمدزاده صدیق و مهندس علیرضا صرافى در فرهنگسرای اشراق برگزار شد، مجری این برنامه آقای دکتر مرتضی مجدفر بود. در این مراسم ضمن رونمایی از نسخه سوم دده قورقود و تجلیل از ولی محمد خوجه به عنوان یابنده آن، ویژگی‌های این نسخه خطی تشریح شد. دکتر صدیق در یک پانل

گزارشگر: اندام محمدزاده صدیق



مجری مراسم: دکتر مرتضی مجدفر



شده دده قورقود گفت: اخیراً یک نسخه‌ی جدیدی نیز در شرح حالات و مناقب دده قورقود در تهران یافت شد که علی‌رغم آن که این جانب روگرفتی از آن را در اختیار مسئولان سازمان میراث فرهنگی گذاشتم و شرح مبسوطی نیز در این باب نوشتم، وقعی ننهاده‌اند و برعکس در یکی از کشورهای همسایه در سطح وسیعی انتشار یافت و این اثر ایرانی نیز مصادره گردید

استاد زبان و ادبیات فارسی و ترکی دانشگاه‌های ایران، گفت: مناقب و مقامات‌نویسی و تقریرنگاری یکی از سنت‌های حسنه‌ی جاری در تمدن اسلامی ایران بوده است که پس از وفات هر یک از اولیا از سوی علاقه‌مندان وی به قلم می‌آمده است. مثلاً بعد از وفات ابوسعید ابوالخیر، کتاب اسرارالتوحید و چند کتاب دیگر در حالات او نوشته شد و یا پس از رحلت مولانا جلال‌الدین کتاب مناقب‌العارفین و چند اثر دیگر تألیف گردید.

ویژگی‌های نسخه ایرانی دده قورقود

استاد صدیق افزودند: این رساله‌ی کم‌حجم و پُرارزش از سوی یکی از شیعیان اوایل دوره‌ی حکومت صفویان و شاید اندکی پیش از قیام شاه اسماعیل صفوی در تبریز و یا یکی از جاهای نزدیک به این شهر تألیف شده است. نسخه‌ی خطی سرشار از مواعظ ادعیه و مطالب مربوط به تبلیغ معارف شیعه است و هر صفحه از آن ۱۴ سطر دارد و به خط زیبای نستعلیق ایرانی نگاشته شده است. این اثر را این جانب در ۳۰ بخشی سازه‌بندی کرده‌ام که هر بخشی از آن در موضوع خاصی

با انشایی بسیار سهل و ممتنع و سرشار از صنایع ادبی و نکات بدیعی به صورت نثر و نظم نگاشته شده است.

او ادامه داد: کتابی که در اوایل قرن حاضر در آلمان و واتیکان یافت شده عنوان «کتاب دده قورقود علی‌لسان طائفه‌ی اوغوزان» نام دارد. اما صفحه‌ی نسخه‌ی نو یافته مفقود شده است و فعلاً این اثر مجهول المؤلف به‌شمار می‌رود.

دکتر صدیق گفت: این جانب را ولی محمدخوجه یکی از مجموعه‌داران محترم ساکن شهرگنبد قابوس از وجود این نسخه‌ی خطی که آن را از دستفروشی در تهران خریده بود مطلع ساخت و با سعه‌ی صدر جهت مطالعه و تحقیق در اختیارم گذاشت که از این جهت خود را رهین منت او می‌دانم.

از ولی محمد خوجه قردان هستیم

این استاد دانشگاه که مراحل تصحیح این کتاب را به پایان رسانده و آن را آماده نشر کرده است، گفت: این جلسه صرفاً جهت قردانی از نیت

خیر ولی محمد خوجه و اهتمامی که به تهیه و حفاظت از نسخ خطی و به‌خصوص نسخه‌ی ترکمن صحرای دده قورقود به خرج می‌دهند، تشکیل شده است. امیدوارم مسئولان میراث فرهنگی به اهمیت موضوع پی ببرند و امکانات دولتی برای نشر و معرفی این اثر عزیز اسلامی و ایرانی را فراهم آورند.

یک رویداد بزرگ فرهنگی در ایران

مهندس علیرضا صرافی، محقق و پژوهشگر معاصر کشورمان نیز در این نشست تخصصی گفت: کشف یک روایت متفاوت شامل یک داستان و بیش از بیست قطعه شعر از دده قورقود طی ماه‌های اخیر در ایران یک رویداد بزرگ فرهنگی بود و به تعبیر استاد کریم مشروطه‌چی یک معجزه‌ی فرهنگی بود.

علیرضا صرافی ادامه داد: پرفسور فواد کوپرولو، محقق برجسته‌ی کتاب دده قورقود می‌گوید که اگر کتاب دده قورقود را در یک کفه ترازو قرار دهیم و سایر آثار ادبیات کلاسیک ترکی را در کفه‌ی دیگر، باز کفه‌ای که در آن کتاب دده قورقود قرار دارد، سنگینی خواهد کرد. اکنون یک داستان و بیست و چند شعر که همگی با یافته‌های قبلی متفاوتند، کشف شده‌اند که عیناً به کفه دده قورقود علاوه می‌شوند و ثقلت و سنگینی آن را دو چندان خواهند کرد.

+++++

ائللري آتمازلار اؤنو هئچ زامان

(عاشيق قشمين اولومونون
قىرخينجى گؤنو مۇناسىبىتىلە)

اكبر صالحى «قاداش»

يازان: رحمتلىك شىستىرلى مىرصىمىد رىبانى
۴/۸/۱۳۶۸

ادب باھارى نىن خزانى اۆلماز
اوخويار بۆلبوللر اوردان هر زامان
عاشيقلر، عاريفلر فنايه گىتمىز
تارىخىدە اۆلدوز تىك پارلار هر زامان

حقيقت يۇللارنى گىندن عاشيقلر
معرفت گۆللىرىن درن عاريفلر
سعادت بحرىنە يىتن عاشيقلر
قىمىتلى بىر لىلدىر پارلار هر زامان

جھالت ظۆلمىتىن آتلايىپ كىچىدى
درە لىر، تىپە لىر طىيى اندىب كىچىدى
طرىقت يۇلوندان چۆخ زحمت چىكىدى
حقيقت گۆنشىدىر پارلار هر زامان

باھاردا گۆلشىندە آچىلار گۆللر
باغلاردا گۆللردە اۆخور بۆلبوللر
زامانى چۆخ آزدىر سۇلار او گۆللر
شاعىرلر گۆلشنى قالار هر زامان

عاشيقلر گلىبىدىر معشوق يۇردونان
گۆنئىلى قشمين كۆندور كىدىنە
شاد اۆلسون دىسىنلر او پاك روھونان
ائللري آتمازلار اؤنو هئچ زامان

سۆزلىرىن زىندە دىر قالار دىللىردە
اثرىن چاپ اۆلوب، نشر اۆلار گۆندە
عاشيقلار اۆيرنىپ اۆخور هر يىردە
عاشيقلر زىندە دىر اۆلمىز هئچ زامان

گۆنئىدىن، تىرىزدن گلىب عاشيقلر
مزارىن دۇورونە يىغىشىپ ائللر
جلاللى مقامان سلام وئىرلر
تعظيم و احترام اۆلار هر زامان

شېستىرلى شاعىرلىق بوشىق
ادب گۆلشىنىدە قالار، هر

قشمين وفاتىنا گۆرە

آزىم تىرىزى

قشم، سىنسىز كىمانچانالە چىكىدى داغدار اولدو
ھونر دونىاسى نالان اولدو، گۆزلر اشكىبار اولدو
طبيعت سوسىدو، خلقىن عنعناتى دوشدورونقدىن
ادب پىرايه سى خلقىن گۆزۈندە بىر غوبار اولدو
ھونر اۆلدو، سۆز اۆلدو، نغمە اۆلدو، چىنگ و تار اۆلدو
قشم گىتتىدى، ھونر دونىاسى يىكىس تىرە-تار اولدو
ل افت دوشدو سۆزلىرىن، قىزىل قان اۆدى گۆزلىرىن
ترنىم كۆچدو مىجلىسدىن، ايشىق گون دۇندو تار اولدو
بىزىم خلقىن دىلىدىن سىن، جوشار داشقىن سىل ايدىن سىن
سنىن گىتمىك لىيىنلە گۆزلىرىمىز اشكىبار اولدو
آدىن جارى دىر دىللىردە، غمىن جوشدو اوركلردە
كلامىن شانلى ائللردە، توكىمىز بىر عىبار اولدو
روادىر لال اولارمىز مېضرايىن دىلى غم دن
كى، اوشىرىن سىخ قومرو گولوستادان كىنار اولدو

مەر ماھ ۶۸

عاشيق قشم جعفرى نىن شرفىنە

عبداللى مۇجازى «سلان»

«سارى چىشمە»، «بىرك درە لىر»، «جان ائوي»
ائەل بىل كى دۆزە لىبىدىر خان ائوي
«مىشۈۋۇن دالىسى»، «دۇزلاق»، «قانلى يۇرد»
باشى دۇمان، اۇجا، آدىلى- سانلى يۇرد
«كالالار» دان، «ايرى يۇلدان»، «ماجىن» دان،
بو داغلاردا غرىب اۆلمىز آجىندان
قشم قالىب بو داغلاردا آلتى آي
سالمىش ايدى دىروە لردە ھاي-ھاراي
داغلار سسىن قايتارىدى گۆر-ھا گۆر
آز قالىردى دۆشسون اۇندا وۇر-ھا وۇر
سانمايىن كى قشم ياتدى يۇخلادى،
اۋ، گۆج گلىدى ظۆلمون كۆكۈ لاخلادى
اۋنا گۆرە هئچ واخت ائل اؤنو آتماز
اتىنى دە يىسە قانىنى ساتماز
اۋ زاماندا قشم دىيىپ چاتا-چات
كىمان گۆتور اۆخارىبوي آت-ھا آت
ياغى لارىن قاباغىندا دۇرھا دۇر
قۇلدورلارىن بۇيونلارىن بۇرھا بۇر

قشم

اکبر صالحی «قاداش»

دئسه لر بو یئرده یوخلایان کیمدیر؟
سؤیله بین ائل ایچره عالی شان قشم!
سئودییه تۇریاغین باشین اوجالیدی،
اولدوزدور گۆیلرده ساییشان قشم!

بورادا سۆز دولو سینه یاتیب دیر.
اوجوبدور، چاتییدیر گۆنه، یاتیب دیر.
سانمایین حیاتی سونا چاتیب دیر،
یاشاییر ائلیله اولوشان قشم!

ائلینه، یوردونا آغ گۆن دیله یین
شیرین قوشمالارلا سئوینج اله یین
یانان اۆرکلره یاغیش چیله یین
آنجاق اۆز ایچینده آلیشان قشم

هئچواقت ساتیلما دی، پولا، مقاما
قناعت ائله دی سوواقلی داما
گنجه دن سحره، صوبح دن آخشاما
قؤلونون گۆجویله چالیشان قشم

آی «قاداش» چالیش کی، اوزون آغ اولسون
دایان ائللرینه، آرخان داغ اولسون
سینه دفترینده بیر وراق اولسون،
آریسی چیچکده، بالی شان قشم

یولو قشمین

ناصر داوران

(بو شئعر عاشیق قشمین گۆروشونه گئتدیکده
یازیلیمیش دی، قشم در حال [اضیر جاوابلیقلا
سازینی الینه آلیب، جاواب سؤیله میشدی. یازیقلار
اولسون کی، او جاواب الیمیزه یوخدور)

گۆروشه گلیمیشم گۆنئی ماحالی
سندده دیر هر نه یی اولو قشمین
یاز بولودو کیمی سۆز اینجی سیندن
سینه سی، باخیشی، دولو قشمین

اؤدلار دیباری نین شؤهرتی - شانی
او تاین، بو تاین شاعیر اوزانی
بیر آن اؤنوتما دی آذربایجانی
باشینا یاغسا دا دولو قشمین

سؤنمه ییب چیراگی هله ده یانیر
هله ده ائلینه حورمت قازانیر
کیم دئییر قشمین دیلی اوسانیر
چوخداکی باغلی دیر قولو قشمین

آیریلیق نغمه سین دانیشیر سازی
بیر عؤمور حسرتله آختاریب یازی
هئچ اینصافی دئیین، هر زادین آزی -
کدرین، نیسگیلین بولو قشمین؟

قؤیمارام فله یی بئله فیرلانا
آرازین حاکی یوخ اؤد سالا جانا
یا گرک حیاتی چرخه دایانا
یا گرک آچیلای یولو قشمین

ماھنی لارلا اۆز ائلینی سیلکله

محمد رضارونقی

عاشیق قشم دورسازویو آل اله
کۆوشنه سال تازادان بیرولوله
ایگیدلر آدیوی سالیسینلاردیله
شؤهرتین یاییلسین وطنه، ائله
ماھنی لارلا اۆزائلینی سیلکله

گونئی ماحالینین گۆلو سن ایدین
تورک ائلی نین شیرین دیلی سن ایدین
وطنیمین شوخ بولبولو سن ایدین
چال وطنین قوشو گل سین بیریله
ماھنیلارلا اۆزائلینی سیلکله

اوزان باغچاسینی گوللندیر قشم
سازویو مجلسده دیلندیر قشم
چیلچراغی یوردومدا یاندیر قشم
قوی مللتین اغلارگۆزو بیرگوله
ماھنی لارلا اۆزائلینی سیلکله

میشوودا قشمن ایزی گۆرونور
داشلاریندا شیرین سۆزو بورونور
سازسییله قوچ قوزولارسورونور
قشم دئنه گونئی ائلیم هابئله
ماھنی لارلا اۆزائلینی سیلکله

ده ده قورقورد مجلسینده اوتوروب
خسته قاسیم بوردا قورغوسون قوروب
عاشیق علعسگرده اورتادا دوروب
عاشیق حسن سازی دیلندیر هله
ماھنی لارلا اۆزائلینی سیلکله

عاشیق قشم یوردوموزون گۆزودور
اونون سۆزوانلیریمین سۆزودور
عاشیق لارین پارلاق بیراولدوزودور
قوی سسینله اورکلره قان گله
ماھنی لارلا اۆزائلینی سیلکله

آدین یاییلبیدیر بوتون وطنه
بولبولریغیشیب باغا، چمنه
شرف وئریب سسین گۆزل وطنه
نغمه قوش بولبول تک چیچه یه، گوله
«رونق» تک ایگیدلر قدرینی بیله

قشم

عاشیق احدملکی علیشاه



عاشیق قشمن عزیزلمه تۆرنی ایشلری اۆچون کۆندوره گندنده
اونون مزاری اۆسته یازدیم شئعر:

گلدیم مزارینی زیارت ائدم

گۆردوم کی قبرینی تۆز آلیب قشم

گزدییین داغلارا گۆزوم گزدیردیم

گۆردوم کی، داغلار دا قوجالیب قشم

تئلی ساز چیینینده رقیبلر یوردون

قوچ کؤراؤغلو کیمی مئیدانلار قوردون

ظالم قارشیسیندا ار کیمی، دوردون

ایندی سندن تکجه آد قالیب قشم

خیالیملادونم اۆتن چاغلارا

چیخدیم سیرالانمیش اوجا داغلارا

دئدیم داغلارداکی بوز بولاقلارا-

عۆمور بویو سیزه ساز چالیب قشم

علیشاهلی احد گلدی فریادا

دئدی حئیف سنین کیمی اوستادا

بیلیرم ائل سنی سالاجاق یادا

چۆنکی ائل یولونا نور سالیب قشم

گۆنئی

بهرام ائلچین

۲۰۱۳/۴/۲۰ - تاریخینده شاعیر بهرام ائلچین و نئچه نفر دوستو کۆندورده عاشیق قشمی گۆرمه یه گئدیرلر. آشاغیداکی شئعري شاعیر ائلچین اوستاد قشمه ائتخاف ائدیر. همین شئعیرین الیازماسینی بیر مدت اؤنجه عاشیق احد ملکی، و باشقا دوستلار اوستادین ائویندن فیلم چکرکن، اوستادین کۆرکنی و قیزی اؤنون ساندیغیندان تاپیرلار.

میشوو تک مهربان آنان وار سنین

دۆشمندن قۇرویان قالان وار سنین

سازیندا، شأیننه چالان وار سنین

سارسیلماز آسلانین اؤرمانی گۆنئی!

گۆلشن- رازیندا گزن شئیخ محمود

ائلینه قایغی چی معجز تک اومود

بیر آتا، اؤچ قارداش، صورتده داوود

یئددی نسل آرخادان سؤز کانی گۆنئی!

بئش یولداش گۆرمه یه گلدیك قشمی

اونوتدوق غوصه نی، محو ائتدیك غمی

«ئلچین» بیر غریب دیر یوخ شاه صنمی

اونوتما جفاکش مئهمانی گۆنئی!

تقدیمی قشم

(۱)

باد- صبا خبر گتیر وطندن
آغیر ائلر، خانمانلار دورورمو؟
سینه سی ناخیشلی، قئیقاج باخیشلی
من گۆردویوم طرفه جانلار دورورمو؟

منیم احوالما قان آغلیر داشلار
بیر خبر گتیرین گۆیده کی قوشلار!
سئیرانگاه یولداشلار، عزیز قارداشلار
دانیشدیغیم نوجوانلار دورورمو؟

من قشمی گۆرن هر جای چاغلار
دردیم چوخ اولوبدور، سینه می داغلار
گۆی چمنلی داغلار، گۆلشن لی باغلار
گشت ائتدییم خیابانلار دورورمو؟

(۲)

قیرخ سگگیز هفته ده، اؤن ایکی آیدا
چهار فصلی، باهار چاغی گۆنئین
آچیلار گۆلری، سبز اولار بۇستان
شن گولونو اچار باغی گونئین
بیر یانی تسی دیر، بیر یانی صوفیان
میثال- ی جنت دیر / بو / آذربایجان
یئتمیش ایکی کندي وار گۆنئیستان
آلماسی، هئیواسی، ناری گۆنئین

شبستر، دریان دی، خومناآباد باغدی
قیبله سی دریادی، شمالي داغدی.
آچیلیر گۆلری، درمه لی چاغدی
آینا بنددی، اؤتاقلاری گۆنئین

قشم نامه یازیر قلم الینده
قومرو تک آوازی آنا دیلینده
بۆلبول جهجه وورار قیزیل گۆلونده
یئمه لی دی پنیر، یاغی گۆنئین

عاشیق قشمین اوستاد
منظوری خامنه یه
گۆندریدی مکتوب و
تقدیم ائتدی یی نئچه
شئعیریندن ایکیسی

«عاشیق قشم
جعفری»

خدمت دوست عزیزم
آقای منظوری تقدیم
میدارم

از ... درود فراوان برای
شما دارم امیدوارم
همیشه شاد و خرسند
بوده باشید و هیچ گونه
ملالی نداشته باشید
گرچه خواستید از حال
چگونگی بنده مطلع
بوده باشید باید بگویم
در هر جا و در هر حال
باشم به یاد شما هستم
و ضمناً سلام شما را
بنده زاده برایم آورد،
خیلی خوشحال شدم.
از محبت شما بی
نهایت سپاسگزارم

یاشایا جاقدر

رحیم گۆزل

قوي قورخسون اولومدن سولطانلار، شاهلار
صنعتكار صنعتله ياشاياجاقدير
خلقين اوره بينده كيمين يئري وار
گۆزل بير عيزتله ياشاياجاقدير.

ائلرين درديني بيلن هؤنرمند
ائل ايله آغلاييب- گۆلن هؤنرمند
وطن قاغييسيلا اؤلن هؤنرمند-
وطنله، ميلتله ياشاياجاقدير

عئشقدن سؤز آچيب سئوگيدن يازان
حقه جيلوه وئريب، باطيلي پوزان
ايستر شاعير اول، ايسترسه اوزان
بير تمير شؤهرتله ياشاياجاقدير.

داغيلدي قارونون ثروت، مالي
پوزولدو فيرعونون جاهي- جلالي
صاير گئديديسه، مرامي قالي،
شاعير شئعريتله ياشاياجاقدير

وطن قارا گئيب اوغول ياسيندا
«ميشؤو» دالغا وورور غم درياسيندا
«قشم» ين خاطيري ائل آراسيندا
ساز ايله، صؤحتله ياشاياجاقدير.

كۆزو قشمين

خليل چوپانيان

حقين درگاهيندان ايلهامين آلدی
جنگی کور اوغلو دا سازینی چالدى
محمد، علی نین قولامی اولدو
ابدی سؤنمه ين كۆزو قشمين

ابتدا بسم الله ، سؤزون اولی
حسن، حسين دئدی، فاطمه، علی
عؤمور اونوتمادی، زينب گۆزلی
مولايه باغليیدی دیزی قشمين

اکبری، اصغری سسله دی هر آن
صوبح و شام سسله دی شاه- خراسان
رقیه نامینه واریدی ایمان
غریب آغاییدی اوزو قشمين

ائل عاشیقی وارسان سازینی دیندیر
دؤیمه کرمی چال، مظاهی گولدور
آنا سؤز- صحبتین عالمه بیلدیر
تاریخیم اونودماز، یازی قشمين

«خلیل» دونیا فانی هر قوناق اوچور
بابالار اکدییین، آتالار بیچیر
دئمه بین گؤنئی دن صنعتکار کؤچور
قالیر تاریخلرده سؤزو قشمين

عاشيق قشم

دوكتور زهتابى دن

ياز كى، گرگ آزاد اولسون ائليميز
چيچك لنسين، دوغما شيرين ديليميز
اؤزانيبدير دائم دوستلوق ايليميز
قارداش ميلتيره هر بير ان قشم

يازكى، سردارايله سالار باغيرير
حقيني آماغا ائلين چاغيرير
ياز كى، اوفوقلردن دؤمان داغليير
قوى اولسون بير ستار، هر جوان قشم

ياز كى، ياتانلارى ازه جك زامان
حقيني آلاماز سؤسانداينسان
آنجاك ايگيدلره باش اير دؤوران
اويانسين قوى سههند، ساوالان قشم

ياز كى، حق وئريلمز، آلارلار اونو
شرفسيز حياتدير سؤسماغين سونو
دؤيوشده گئيرلر شرافت دونو
بو يولو گنتميشدير ستارخان قشم

ايگيتلر آزماسين قوى اؤز يولونو
تانيسين ساغيني، هم ده سولونو
ساليب بير-بيريته پولاد قولونو
اولسونلار قارداش تك مئهربان قشم

نه ارباب قويسونلار، نه بير قان سوران
قورسونلار موستقىل، آزاد بير ايران
قارداش تك ياشاسين بلوچ، كوردوستان
فارس، عرب، هم ترك و تركمان قشم

اولدن ميلتيم ظولمتى ياريب
ظولمتى ياراراق گونش اختاريب
ياخينديرايشيقلى حياتا واريب
گرگ چيرمالانسين قيز-اوغلان قشم

عاشيق قشم، سازين تئلى ساز اولسون
شنليبين چوخ، درددين، غمين از اولسون
وطنيميز خزان بيلمز ياز اولسون
سن اول توپلاريندا ساز چالان قشم

سلام ميشوومون آلولو سسى
شاها باش ايمه ين هئچ زامان قشم
ساغ اول گونئيمين اودلو نفسى
پيس گونده ائل ايله ياشايان قشم

ائشيديرم درين سؤزون اؤزاقدان
خاطيرليرام شيمشك سسين عراقدان
بو داغلارا سسين دوشوبهاچاغدان؟
سنى تانيير هر ائل، هر بيريان قشم

باشدان ائل كئچيتدى آغيرايللرى
اسديردى شاه خلقه قارا يئللرى
كيريدينده چووغون، سزاق تئللرى
گونئيه سن اولدون نغمه خوان قشم

بابكلر نسلى ني سؤسدورماق اولماز
ختايى گونش دير بولوتدا قالماز
ستارين اؤولادى بنده وورولماز
بونو تاريخ دئير هر زامان قشم

ديك باشليق اويرتميش بيزلره ميشوو
معجزلر يانديريب سؤنمه ين آلوو
ائليم باش ايمه ميش، ائتمه ميش خينوو
دينديكجه سازينان بالابان قشم

قوربانام كوندوره، گؤزل سيسيوه
دريانا، مئشينه، تيله، تسيوه
ياتانلارا دؤرون دئين سيسيوه
نغمه قوش، چال-اوخو، دؤرمادان قشم

قارا گونون عؤمرو دائم از اولور
كفن قار اريبير، بهار - ياز اولور
ياواش - ياواش ائلين كئفى ساز اولور
هرگون سندن ايستير بير داستان قشم

قييم باس دؤشوه كؤكلو سازيوى
خلقه وار گوجونله ياي آوازيوى
قانيان ياز عاشيق، پيتى-يازيوى.
گرگ سينه لرده جوشا قان قشم

آیری

++++

عاشیق قشمین اوغلو عاشیق مظاهر جعفری

آخریندا اوزو دوشر

هر قویونو قازان آیری

یوز مین درده توش گله جک

حقی بوروب، یازان آیری

فلک قویمور گولم بیر آن

دئییر قال بو هیجراندا یان!

گۆیو آلا قارا دومان

گر سؤیله سه اوزان آیری

مظاهر یاندیم طولومد

مین اوزلو دوردو یولومد

کرم کیمی ارزومدا

چولقالادی بوران آیری

از دوستان و خوانندگان محترم اهل فن که در املائی کلمات بخش ترکی دوگانگی میبینند، پیشاپیش عذر خواهی میگردد. چه به علت تصمیم هئیت تحریره با مد نظر قرار دادن نظر برخی از مخاطبین صورت گرفته است.

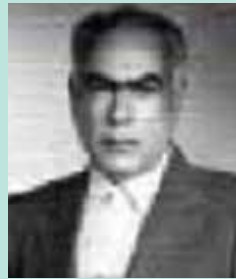
پیام نوهی عاشیق قشم «آلاهیین گوزل آدی و یادیینان»

خلیل چوپانیان

سلام و عرض ادب واریم خدمت مسئولین محترم زحمتکش و دلسوز مجله پیام شبستری زحمتکش مهربان مسئوللاریندان و عزیز اوخویوب ائشیدنلره سلام و عرؤ ادب حقیر دلبر جعفری آتام مرحوم غضنفر جعفری، اوستاد عاشیق قشمین ارشد اوغنونون قیزی، اوشاقلیقدان آتام و آنامدان آیریلدیم و بابام اوستادین یانیندا گونئی ماحالیندا کوندور کندینده، آذربایجانین شمال طرفینده میشوداغینین اته یینده، بخش صوفیان و شبستر اولور. ادامه تحصیل وئریب و بابامدان پرستار و شئعرلرینی ثبت و قلمه گتیرمیشم. نئچه ایلر بابامین مونسسی و همدمی ایدیم و باخمایین کی، اوشاغیدیم، اما بابامین یانیندا بیر قهرمانیدیم. بابامین خسته لیک حالت لرین ده، مثنی ننه م، بابامین خانمیسی، اونون زحمتینی چکیب و پرستارلیغینی ائیلردی.

و بیرمهم مطلب ده کی، یئری وار مطرح ائله ییم. اوایل، آتام مرحوم غضنفر و اوستاد عمیم مظاهر جعفری؛ اوستاد بابامین شئعر و اثرلرینی قلمه گتیریب و جمع آوری ائله ییب لر. من سو... سرمقاله و متن خدمت شما بزرگوار؛ اگر نواقصی داشت به بزرگی خودتان عفو بفرمایید. چون خیلی وقتی میشود که به زبان مادری قلم نزده ام. هر جا متن مشکلی داشت بی زحمت رفع کنید. باتشکر از شما بزرگوار و مسئولینی که برای پدر بزرگم زحمت کشیدید.

این پژوهشگر معاصر کشورمان ادامه داد: قراین بسیاری وجود دارد که می‌توان استدلال کرد، این کتاب در آذربایجان نوشته شده است. گفته می‌شود سال‌ها در یک خانواده منسوب به قاجار نگهداری می‌شده و چندماه پیش توسط یک هموطن فرهیخته ترکمن ولی محمد خوجه خریداری شده و اکنون در کتابخانه شخصی او در کنار ده‌ها جلد کتاب خطی دیگر نگهداری می‌شود.



علیرضا صرافى گفت: داستان‌های حماسی و سروده‌های دده قورقود در زمان قدیم طبق سنت‌های شفاهی از استاد به شاگرد و از پدران و مادران به فرزندان خویش سینه به سینه منتقل می‌شده است و ریشه‌ی آن در اعماق تاریخ قبایل ترکان اوغوز است، ترکان اوغوز شامل ترکان غرب یا ترکان آناتولی، ترکان ایران و قفقاز، شامل آذربایجانی‌ها و ترکان عراق عجم و عراق عرب، قبرس و بلغارستان و یونان و کوزوو و ترکان قشقایی و خراسان و ترکمانان و ... می‌باشد.

کشف اخیر متعلق به ترکان ایران است

صرافی تاکید کرد: کشف اخیر هرچند متعلق به ترکان ایران است، اما بخشی از ثروت مشترک همه ترکان جهان محسوب می‌شود. مهندس علیرضا صرافى ادامه داد: هرچند اغلب پژوهشگران زبان به کار رفته در داستان‌های دوازده‌گانه (نسخه درسدن) را حد واسطی بین زبان‌های آذربایجانی و شیوه‌های موجود در آناتولی می‌دانند. اما زبان این اثر جدیدالاکتشاف نشانگر دوری بیشتر از شیوه‌های رایج در عثمانی و نزدیکی هرچه بیشتر با ترکی آذربایجانی است.

او گفت: اگر بخواهیم تعیین کنیم مابین لهجه‌های شمالی و جنوبی آذربایجانی کدام‌ها در این اثر تفوق بیشتر دارند، چنانچه پرفسور احمد بیجان ارجیلاسون نیز می‌گوید، ارجحیت با شیوه‌ی جنوب به‌خصوص شیوه تبریز است.

علیرضا صرافى درباره‌ی جغرافیای نسخه ترکمن صحرا گفت: تاکنون حدود ۹۷ نام مکان را در این اثر تثبیت کرده‌ام (البته با حذف تکراری‌ها می‌شود ۷۵ نام)، ۶۱ نام در اراضی تاریخی آذربایجان قرار داد. ۶ نام جغرافیایی فعلا برای ما نامکشف است، ۳۱ نام در سایر جای‌های جهان (به جز اراضی آذربایجان) قرار دارند. او گفت: حدود بیش از دو سوم نام‌ها مربوط به آذربایجان تاریخی (منظورم بزرگترین حدود متصوره برای آذربایجان طبق نظر مورخین از همدان تا دربند) است.

این پژوهشگر معاصر ایرانی گفت: با توجه به یافته‌های فوق به این نتیجه می‌رسیم که این اثر از زبان یک اوزان آذربایجانی در اوایل دوره‌ی صفوی به‌رشته تحریر در آمده و واریانت آذربایجانی یک داستان حماسی و چندین سرود از سروده‌های منسوب به دده قورقود است.

صرافی ادامه داد: ایرانی بودن این اثر ترکی وجه ممیزه آن است، هر چند که این یک اثر بومی از ترکان ایرانی اعم از آذربایجانی و

قشقایی و غیره است. اما در عین حال یک ثروت فرهنگی مشترک

برای تمامی ترکان جهان است.

مهندس صرافى ادامه داد: جالب اینکه تاکنون سهم دانشمندان خوجه نیز در این همایش ایرانی در پژوهش روی آن نیز چشمگیر بوده است. از سه کتاب گفت: اهمیت این نسخه‌ی منتشره در ترکیه به جز یکی که آقای دکتر متین آکیچی کار خطی را در ملاقات با کرده‌اند، مولف دو اثر دیگر ایرانی‌اند. یعنی دکتر یوسف آزمون، سارا دکتر صدیق و هم اکنون بهزاد، شهروز آق آتابای، نعمت اله یعقوبی و ناصر شاهگلی.

در این همایش و پیش‌تر

این اثر به زودی در ایران منتشر خواهد شد

مهندس علیرضا صرافى تاکید کرد: همزمان آقای دکتر حسین شدم. تاکنون نمی‌دانستم محمدزاده صدیق نیز کتابی تهیه نموده‌اند که متن آن را در اختیار که این نسخه‌ی خطی از موسسه ائل بیلیمی قرار داده‌اند تا مورد استفاده قرار گیرد. او گفت: چه اهمیتی برخوردارست موسسه‌ی ائل بیلیمی نیز طبق یک موافقت‌نامه با آقای خوجه اقدام و میراث ایرانیان محسوب به تشکیل یک هیئت علمی ۱۵ نفره نموده و نتیجه کار خویش می‌شود.

را طی یک ماه آتی به انجام رسانده و آماده چاپ خواهد کرد.

همچنین در این

در ایران تنها NGOها اهمیت این نسخه را منعکس کردند

مهندس علیرضا صرافى گفت: در ترکیه خبرگزاری‌های رسمی غفار اخگر و صوفی و دولتی و دانشگاه‌ها و موسسات و نهادهای علمی با هیجان راد، سه شاعر ترکمن وصف‌ناپذیری درباره این اثر برنامه‌های معارفه، مصاحبه و بزرگداشت حاضر در برنامه شعرهای و غیره برگزار می‌کنند و اخبار مربوطه را منتشر می‌سازند. اما در ترکمنی خواندند که با ایران تنها شبکه‌های مجازی بودند که خبر را به نحو گسترده‌ای استقبال حاضرین مواجه منتشر ساختند و NGOهایی همچون موسسات ائل بیلیمی در شد.

تبریز، میراث در گنبد کاووس و اخیرا انجمن ادبی صابر در تهران مراسمی در حق این اثر برگزار کردند و البته چند مجله و روزنامه محلی مطالبی درباره آن نوشتند.

او ادامه داد: من به سهم خود، از همتی که جناب آقای محمد خوجه در تهیه و محافظت از اثر مذکور نموده‌اند، تشکر می‌کنم و همچنین از انجمن ادبی صابر به خاطر اهمیتی که این موضوع دادند، تشکر می‌کنم.



ب=ب-؟=p-آ=ا

توضیحی درباره آثار عاشق قشم جعفری

مدیر مسئول محترم مجله وزین «پیام شبستر» جناب آقای جمشید صالحی. با عرض سلام و آرزوی توفیقات روزافزون برای شما و دست‌انکاران دیگر آن نشریه به عرض می‌رساند:

در صفحه ۲۱ شماره ۲۰ همین مجله مطلبی به عنوان «خلاصه‌ای از زندگینامه استاد عاشق قشم» به چاپ رسیده بود. برای تنویر افکار عمومی و نیز رعایت حقوق همه خادمین فرهنگ و اهل قلم خواهشمندم توضیحی که درباره مقاله مذکور تقدیم می‌گردد، طبق قانون مطبوعات در همان صفحه و یا هر صفحه دیگر چاپ نمایید.

در ستون ۳ آن مقاله و در پاراگراف سوم می‌خوانیم:

- به همت داور زمانخانی ... دو جلد از اشعار او (عاشق قشم) به نامهای «اثل منی آتماز» و «وطن بولبولویم اثل عاشیقی‌یم» را به چاپ رسانده و تقدیم دوستدارانش کرده است... توضیح اینکه: کتاب «اثل منی آتماز» که حاوی بخش کوچکی از اشعار استاد قشم می‌باشد، توسط ایشان و در زمان حیات استاد انتشار یافته و کسی منکر این نمی‌باشد؛ ولی مطالب مندرج در کتاب «وطن بولبولویم اثل عاشیقی‌یم» توسط فرزندان عاشق قشم مرحوم غضنفر جعفری و آقای مظاهر جعفری در اختیار آقای زمانخانی قرار داده شده و توسط انتشارات هادی در تبریز چاپ و منتشر شده است. در شناسنامه کتاب از آقایان مظاهر جعفری و زمانخانی به عنوان گردآورنده، آقای صمد چایلی سهام‌نالیان (تنظیم و مرتب کننده) و انتشارات هادی به عنوان ناشر نام برده شده است.

در ادامه همان پاراگراف نوشته شده: - و نیز کتابی با عنوان عاشیق قشمین یاشاییش و یارادیجیلیگی توسط فرزندش مظاهر جعفری انتشار یافته ...

در این باره باید به عرض برسانم: - مطالب این کتاب هم توسط آقای مظاهر جعفری گردآوری شده و توسط اینجانب (حسین محمدخانی «گوئیلی») تصحیح و تنظیم گردیده و نیز به همت اینجانب حسین محمدخانی «گوئیلی» و مظاهر جعفری منتشر شده است. خلاصه اینکه آقای زمانخانی کار نشر انتشارات هادی و آقای صمد چایلی را به نام خود مصادره کرده و کار اینجانب در کتاب «عاشیق قشمین یاشاییش و یارادیجیلیگی» را نادیده گرفته و گویا در گردهم آیی عاشیق‌لار- بزرگداشت عاشق قشم نیز سخنرانی به همین مضمون داشته است.

جهت اطمینان خاطر در باره نشر هر دو کتاب اخیر می‌توانید به شناسنامه‌های کتابهای «وطن بولبولویم اثل عاشیقی‌یم» و «عاشیق قشمین یاشاییش و یارادیجیلیگی» مراجعه فرمایید.

حسین م. گوئیلی ۱۳۹۸/۹/۸

جناب آقای صالحی مدیر مسئول محترم مجله «پیام شبستر»

اینجانب به عنوان خواننده دائمی آن نشریه به شما و سایر همکاران گرامی آن خسته نباشید گفته و موفقیت شما و سایر همکارانتان را از خداوند منان مسئلت دارم و به عنوان یک نفر همشهری، دوستدار شما و نشریه گرانقدر پیام شبستر مطلبی را به عرض می میرسانم: - در شماره ۲۰ صفحه ۵۲ «نظرات مخاطبین با مسئولین ...» مطلبی با قلم جناب آقای «فتح اله کمالی اصل» در باره بخش ترکی مجله با این کلمات «... فقط قسمت نوشتاری ترکی دیرفهم بوده به ترکی امروزی نیست در این مورد تجدید نظر شود» درج شده است.

در مورد نظر آقای کمالی باید بگویم: قسمت نوشتاری ترکی دیرفهم نیست. ولی از آنجا که ما به زبان خود درس نخوانده ایم، برای بعضی ها دیرفهم می نماید. بنابر این باید مقداری بیشتر همت کنیم و زبان ادبی خودمان را که آقای کمالی «زبان غیر امروزی» به حساب می آورند، یاد بگیریم. اگر اینکار را بکنیم، فهم همه آنها آسانتر و در نتیجه شیرینتر خواهد شد. اگر دوستان مقداری به خودشان زحمت بدهند، در آینده نزدیک خواهند دید. که مشکلی برای خواندن و فهم صفحات ترکی ندارند.

و اما اینکه در جواب ایشان نوشته شده: - از اظهار نظر شما سپاسگزاریم در این مورد اقدام شده، امیدواریم نظر آنجناب تأمین شده باشد. - امیدوارم منظور مجله برای تأمین نظر ایشان، درج درسهایی برای شناساندن آواها، حروف صدادار، حروف صامت، طرز نوشتاری این زبان، (حتی با توضیحات فارسی) در شماره-های آینده باشد و از این طریق نه تنها نظر آقای کمالی تأمین می شود، بلکه تعداد زیادی از خوانندگان، بویژه خوانندگان جوان نیز از آن بهره مند خواهند شد. ما جوانان سالهاست که آرزوی داشتن چنین مجله‌ای با صفحات ترکی بودیم که الحمدالله با همت شماها به آرزوی خودمان می رسیم. از طرف خود و دوستانم که خواننده مجله هستند، از مدیریت و مسئولین صفحات ترکی هم تشکر می نمایم.

حسین علیزاد

پیام شبستر درگیسینین حورمتلی امکداشلارینا، مدیر مسئول و یازچیلار هئیأتینده زحمت چکنلره، خصوصن تورکجه صحیفه لرینی یازیب، دوزه لیشه سالان دوستوم، اکبر صالحی جنابلارینا سالاملار و سایغیلار دئمه لی یم کی، درگی (مجله)نین تورکجه حیصه سیندن چوخلو فایدالاناراق، دیلیمیزی، عنعنه لریمیزی، فولکلور، ناغیل و شئعرلردن اوخویوب، اؤیره نیب و باشا دوشوروک. آنا دیلیمیزده مدرسه و ساییرایمکانلار اولمادیغی اوچون نهایت پیام شبستر بیر اؤیرتمن (معلم) کیمی، دیلین یازماق- اوخوماق طرزینی ایسته ینلره اؤیره درک، بو یولدا چوخ یاردیم ائدیر. ایستردیم، داها بارلی، دیه رلی و زنگین دوام ائده سیز. بیر داها میننت دارلیغیمی بیلدیریرم.

شبستر-عزیز امجدی (ائلدار) پاییز ۱۳۹۸

آلاهین آدیله

تلقین چیست و افراد تلقین پذیر چه ویژگی‌هایی دارند؟

تهیه و تنظیم / ابوالفضل هدایتی آذری

مقدمه - دکتر مصطفی ملکیان در باب امور غیر معرفتی درباره تفاوت «تلقین» و «القاء» می‌نویسد: گاه القائنات عقیده آفرین است. در روانشناسی، القا با تلقین متفاوت است. گرچه این دو بسیار هم افق اند. در القا، تکرار یک امر سبب می‌شود ما آن را باور کنیم. یعنی همان کاری که تبلیغات می‌کند. صدبار می‌گویند «سیو همان سیب است» و باور می‌کنیم که «سیو همان سیب است» (ملکیان، ۱۳، ۷۳)

القاء و پروپاگاندا (تبلیغات) در امور تجاری، سیاسی و دینی کاربرد دارد و صرفاً با تکرار موضوعی، بدون دلیل و استدلال، سعی می‌شود باورهای را در ذهن مخاطب به وجود آورند و به منافی دست یابند. رژیم‌های دیکتاتوری معمولاً از این شیوه برای همراه کردن توده مردم با خواست‌های خود استفاده می‌کنند و امری خطرناک در امور سیاسی است.



اما تلقین را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: پذیرش یک فکر یا یک باور بدون چرایی. تلقین نیز از امور غیر معرفتی و غیر استدلالی است و به تعبیر ویلیام جیمز (سال تولد - وفات)، فیلسوف آمریکایی، می‌تواند خلاء معرفتی را پر کند و در امور تربیتی و درمانی کاربردهای مثبتی داشته باشد اما نباید در میزان به کارگیری آن راه افراط پیش گرفته شود.

یکی از عناصر مهم هیپنوتیزم تلقین است. گفته می‌شود هیپنوتیزم، دارای سه عنصر اساسی است که این عناصر عبارتند از:

۱- تلقین (suggestion)؛

۲- تمرکز (concentration)؛

۳- آرامش (relaxation).

در تلقین، سوژه بدون اینکه در مورد القائنات انجام شده چون و چرا کند آنرا می‌پذیرد، رابطه تلقین و پذیرش آن شبیه رابطه بین عاشق و معشوق است؛ عاشق دستورات معشوق خود را بی‌چون و چرا می‌پذیرد و اجرا می‌کند که نمونه‌های آن را در داستان‌ها و افسانه‌های عاشقانه بسیار شنیده‌اید.

برخی از روی ناآگاهی تلقین را چون تلقین است بی‌اساس می‌دانند؛ در حالی که از مفهوم اصلی و علمی تلقین اطلاع ندارند، مثلاً در حرف‌های روزمره گفته می‌شود: «چیزی نیست، تلقین!» غافل از اینکه بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی

تلقین‌پذیری افراد افزایش می‌یابد و در مشاغلی، مثل فعالیت‌های خلاقانه و هنری که تخیل و تجسم نقش زیادی دارند، میزان تلقین‌پذیری یا هیپنوز پذیرگی کمتر است. افراد تلقین‌پذیر به محض دریافت اطلاعات جدید، آن را جایگزین اطلاعات قبلی می‌کنند. در واقع، آنها انتخاب نمی‌کنند که کدام اطلاعات جایگزین کدام برنامه و دستورالعمل قبلی شود، آنها مغلوب اطلاعات هستند. اگر یک آگهی تبلیغاتی، یک فیلم سینمایی یا یک ملاقات بلافاصله انتخاب‌های ما را تغییر دهد، این ممکن است نشانه تلقین‌پذیری بالا در ما باشد. آنچه این حالت را در شخصیت‌های سالم از یادگیری متمایز می‌کند، فرایند تأمل و انتخاب

انسان حاصل تلقین است. ما از کودکی تاکنون در معرض انواع تلقینات والدین و اطرافیان خود بوده‌ایم لذا خود پنداره‌ای که از خودمان داریم در واقع همان تلقیناتی است که دیگران به ما داده‌اند. بنابراین عمده شخصیت ما حاصل تلقین است.

چه افرادی تلقین‌پذیری بیشتری دارند؟

همه انسان‌ها به یک اندازه تلقین‌پذیر نیستند. میزان آن به عوامل ارثی و ویژگی‌های شخصیتی و نیز میزان سلامت روانی آنها وابسته است حتی شغل ما نیز در میزان تلقین‌پذیری ما اثر گذار است مثلاً مشاغلی، مثل نظامی‌گری که در آن فرد بی‌چون و چرا باید اطاعت کند، میزان

است. افراد بالیده در نقطه تعادل میان شخصیت‌های متعصب و شخصیت‌های متلون قرار دارند. (سرگلزایی، ۱۳۹۸)

می‌توان با تمریناتی تلقین پذیری افراد را افزایش داد:

دکتر امیل کوئه (۱۹۴۴-؟؟؟)، داروساز و روان‌شناس فرانسوی، قوانین تلقین را پایه‌گذاری کرد. وی روزی در داروخانه خود مشغول کار بود که یکی از بیمارانش با عصبانیت وارد داروخانه شد و با همان حالت شروع به اعتراض کرد و گفت: آقای دکتر تمام داروهایی که به من داده‌اید بی‌تأثیر هستند.

در زمانی که او داشت اعتراض می‌کرد انگار چیزی یا کسی در ذهن دکتر کوئه گفت: داروی قبلی بیمار را بگیر و با کیسول و رنگ دیگری به بیمار بده و به او بگو که این دارو، داروی جدیدی است که بیمار از زیادی را درمان کرده است. او چنین کرد داروی قبلی را با پوشش و رنگ متفاوتی به بیمار داد و به او گفت که دارویی که به تو می‌دهم تازه دستم رسیده است؛ مطمئن باش که این دارو بیماری تو را معالجه خواهد کرد. بیمار دارو را با این ذهنیت که حتماً بیماری‌اش با داروی جدید بهبود پیدا خواهد کرد، داروخانه را ترک کرد.

پس از چند روز بیمار دکتر کوئه با خوشحالی برگشت و به دکتر گفت: آقای دکتر از شما به دلیل داروی جدید ممنونم. داروی جدید بیماری مرا معالجه کرده است. دکتر امیل کوئه از اینکه داروی قبلی توانسته بود بیماری او را معالجه کند بسیار متعجب شد. این همان داروی قبلی است؛ چگونه قدرت درمان بیماری با تعویض کیسول دارو زیاد شده است؟ حتی خودش به دارو مشکوک شد و آن را دوباره آزمایش کرد.

بعد از اینکه مطمئن شد دارو همان داروی قبلی است به این نتیجه رسید جملاتی که به بیمار گفته است باعث معالجه بیمار گردیده است. این اولین جرعه‌ای بود که در ذهن دکتر امیل کوئه خورد.

ولی اتفاق دیگری هم افتاد که باعث شد دکتر کوئه این نکته را به صورت جدی‌تری

پی‌گیری کند.

زمان برنامه ریزی ذهن ناخودآگاه

در یکی از روزها در هنگام صبح موقعی که پسر دکتر کوئه از خواب بیدار شد، دکتر کوئه به دلایلی شروع به پرخاش کرد و با عصبانیت به سر پسرش داد زد و او را سرزنش کرد. پس از این کار او پسرش را زیر نظر داشت و متوجه شد که تا چند روز شخصیت پسرش به هم ریخته و حال او دگرگون شده است. او در روزها و ساعات دیگری هم فرزندش را با عصبانیت سرزنش کرده بود ولی حال او را اینگونه دگرگون نکرده بود. برای اینکه مطمئن شود در روز دیگری و همان ساعت یعنی اول صبح موقع بیدار شدن پسرش دوباره این کار را تکرار کرد و به همان نتیجه رسید. یعنی مشاهده کرد که تا چند روز پس از این ماجرا حال پسرش دگرگون است و این جرعه دوم بود که در ذهن کوئه خورد.

دکتر کوئه پس از اتفاقی که افتاد به این نتیجه رسید که هرگاه در اول صبح موقع بیدار شدن از خواب و یا در آخر شب موقع خوابیدن جملات مثبت و یا منفی به کسی گفته شود ذهن او تا چند روز درگیر آن جمله خواهد بود. او متوجه شد که در این ساعات ذهن ناخودآگاه افراد در بیشترین حالت برنامه‌پذیری است. در این ساعات‌ها می‌توان با تلقین‌های مثبت ذهن را برنامه‌ریزی کرد.

هیپنوتیزم بهترین حالت برنامه‌ریزی ذهن ناخودآگاه

کوئه پس از پی بردن به اینکه ذهن انسان می‌تواند در ساعات و لحظه‌های مذکور، بهتر و مفیدتر برنامه‌ریزی شود؛ با این ذهنیت او به بیمارانش می‌گفت: هنگام صبح در موقع بیدار شدن و یا آخر شب موقع خوابیدن جملاتی مثبت به خود بگویند و با این کار می‌توانند ذهنیت مثبتی را نسبت به درمان بیمارانشان ایجاد کنند.

مشکل دکتر کوئه این بود که در این لحظه‌ها نمی‌توانست کنار بیمارانش باشد و ذهن آنها را برنامه‌ریزی کند، لذا دنبال پدیده‌ای می‌گشت که بتواند ذهن ناخودآگاه

افراد را به بالاترین حالت برنامه‌پذیری وارد کند. او پس از مدتی با پدیده‌ای به نام هیپنوتیزم آشنا شد و متوجه شد ذهن انسان در هنگام هیپنوتیزم بالاترین موقعیت برنامه‌پذیری و تلقین‌پذیری را دارد. پس از آن بیمارانش را هیپنوتیزم می‌کرد و جملات و کلمات مثبتی را به آنها تلقین و آنها را معالجه می‌کرد.

قوانین تلقین

دکتر کوئه پس از تحقیقات فراوانی که انجام داد به قوانین زیر رسید:

۱- قانون توجه تمرکز یافته

دکتر کوئه بیان کرد که اگر کسی چیزی را در ذهن خود مرور کند و به آن بها دهد این ذهنیت کم‌کم جزئی از شخصیت او می‌شود و در وجود او نمود می‌کند پس اگر کسی پیش خود فکر کند که می‌تواند کاری را انجام دهد و به آن توجه کند آن کار را انجام می‌دهد و به نتیجه‌ای که در ذهنش به آن باور داشته است می‌رسد.

و اگر کسی خلاف این ذهنیت عمل کند، یعنی این ذهنیت را داشته باشد که توانایی انجام کاری را ندارد، در نتیجه به ذهنیت خود جامعه عمل می‌پوشاند و قادر به انجام آن کار نخواهد بود.

۲- قانون اثر متضاد

این قانون می‌گوید: اگر کسی به عملی نبودن کاری ایمان داشته باشد ولی برای انجام دادن آن کار اقدام کند، هرچه بیشتر تلاش کند کمتر نتیجه می‌گیرد.

۳- قانون اثر عاطفی و هیجانی

معنی این قانون این است که اگر تلقینی با عاطفه و هیجان همراه باشد آن تلقین قدرت بیشتری می‌گیرد و در نهایت با شدت زیادی انجام می‌گیرد. مثلاً اگر پدر یا مادر شما و یا کسانی که شما علاقه و عاطفه زیادی به آنها دارید انجام کاری را از شما بخواهند شما هر چند که دوست ندارید آن کار را انجام دهید ولی به خاطر اینکه این کار خواسته کسی است که شما او را به شدت دوست دارید این کار را انجام می‌دهید. نمود این قانون در نامزدها و همسران به خوبی قابل لمس و مشاهده است.

دارید و به زندگی خود اهمیت می‌دهید باید ارتباط خود را با افرادی که می‌دانید جزء افراد منفی‌گرا هستند کم کنید؛ در عوض افرادی مثبت‌نگر هستند که همیشه دوست دارند نیمهٔ پر لیوان را ببینند. ارتباط با افراد خوش بین و مثبت‌نگر می‌تواند روی ذهن و جسم شما هم تأثیر گذاشته و انرژی و توان شما را افزایش دهند.

داستان مردی که تلقین منفی باعث مرگ او شد

تلقینات در زندگی و کار افراد تأثیرات شگرفی می‌گذارند. برای درک بیشتر این موضوع به داستان زیر توجه کنید: شخصی در اواخر ساعت کاری درون یکی از یخچال‌های گوشتی بزرگ اسیر و گرفتار می‌شود. با توجه به اینکه این یخچال از بیرون قفل شده بود و کسی متوجه حضور او در درون یخچال نشده بود، این شخص هیچ کوششی برای نجات خود از درون این یخچال نکرد. در آن زمان تلفن همراه هم نبود که او بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند، او در ذهن خود مرگ را پذیرفته بود و به اینکه در آن یخچال خواهد مرد ایمان و باور داشت، با این اوصاف او چنین کرد. کاغذ و خودکاری در جیب خود داشت و باین باور که خواهد مرد شروع به نوشتن خاطرات آن شب خود کرد، او ماجرای زندانی شدن خود را می‌نوشت و در آخر هر جمله، جمله من در حال یخ زدن هستم را اضافه می‌کرد. او خاطره آن شب خود را نوشت و هر بار اضافه کرد من دارم یخ می‌زنم، این نوشتن همچنان ادامه یافت و صبح زود همکاران او در یخچال را باز کردند و جسد او را یافتند. دکتر علت مرگ را یخ‌زدگی تشخیص داد اما وقتی کارگران یخچال را واریسی کردند و متوجه شدند یخچال اصلاً کار نمی‌کرده است! آنچه باعث یخ‌زدن فرد گرفتار شده بود تلقین‌های منفی او و جملهٔ من دارم یخ می‌زنم بود.

فهرست منابع

برگرفته از کتاب "شخصیت سالم" نوشته دکتر محمدرضا سرگلزایی (ملکیان، ۷۳)

شاید بارها برای شما هم اتفاق افتاده باشد که با تمام توان خود برای انجام کاری اقدام کرده‌اید. در آن زمان پیش خود گفته‌اید که این کار را می‌توانم انجام دهم و همهٔ انرژی و قدرت خود را متمرکز کرده‌اید که آن کار را انجام دهید. در آخر هم چون که خواستهٔ ذهن و جسم شما انجام آن کار بوده است و تلقین مثبتی هم پشت این کار بوده است، شما آن کار را با موفقیت انجام داده‌اید. برعکس این هم صادق است؛ یعنی شما با تلقین‌های منفی به ذهن و جسم خود از انرژی و توان جسمی و ذهنی خود کاسته‌اید و برای انجام آن کار اقدام کرده‌اید. اقدام کردن برای انجام این کار با اقدام کردن برای انجام کار در شرایط قبل بسیار تفاوت دارد، شما با تلقین‌های منفی انگیزه و انرژی را از خود می‌گیرید و در نهایت نمی‌توانید آن کار را انجام دهید. این است تفاوت تلقین مثبت و تلقین منفی.

گاهی اوقات تلقین‌های منفی افراد دیگری که با آنها در ارتباط هستیم باعث کاهش توان ما می‌شوند. ما با افراد زیادی ارتباط داریم. این ارتباطات می‌توانند انرژی‌بخش باشند و یا اینکه انرژی و توان ما را بگیرند. تلقین‌های دیگران، مخصوصاً کسانی که با آنها ارتباطات نزدیکی داریم دقیقاً ما را برنامه‌ریزی می‌کنند.

اگر این تلقین‌ها مثبت باشند توان و انرژی ما را افزایش می‌دهند و اگر نه باعث کاهش انرژی و توان درونی ما شده و اجازه موفقیت در کارها را به ما نمی‌دهند.

بهترین راه برای مقابله با تلقین‌های بد نزدیکان کم کردن ارتباط ما با آنهاست. زیرا اگر هم بخواهید به صورت آگاهانه از تلقین‌های آنها متأثر نشوید به صورت ناخودآگاه، تلقین‌های منفی آنها کار خود را می‌کنند. شاید پیش خود بگویید مگر می‌شود ارتباطمان را با نزدیکانمان کم کنیم؟ جواب این سؤال را با طرح پرسشی به شما می‌گویم: شما خودتان را بیشتر دوست دارید یا افراد دیگر را؟ کافی است که عزت‌نفس داشته باشید اگر اینطور باشید جواب شما را می‌دانم. اگر خودتان را دوست

حال که دانستید تلقین چیست و چه کاربردهایی می‌تواند داشته باشد، می‌توانید زندگی خود را طوری برنامه‌ریزی کنید که از آنها در پیشبرد اهداف مثبت زندگی خود استفاده کنید.

اکنون می‌دانید که درگیری و پرخاش کردن در اول صبح کاری است که ذهن شما را تا چند روز به هم می‌ریزد، پس به احتمال زیاد این کار را انجام نمی‌دهید. این را می‌دانید که برای انجام کاری باید باور انجام آن کار در ذهنتان پرورش یابد.

متوجه این نکته شده‌اید که اگر مادران و یا پدرتان و یا هرکس دیگری که به او علاقه‌مندید کاری را از شما بخواهد به طور قطع آن کار را انجام خواهید داد. اینها همه قدرت بی‌کران ذهن ناخودآگاه انسان را به نمایش می‌گذارند.

بسیارند افرادی که نمی‌دانند تلقین چیست. آنها نمی‌دانند که تلقین‌ها چقدر می‌توانند بر زندگی آنها تأثیر بگذارند. آنها از این که تلقین‌ها می‌توانند زندگی آنها را نابود کنند و یا بسازند بی‌خبرند.

اگر آنها بدانند تلقین چیست و چگونه می‌توان از قدرت بی‌کران تلقین برای پیشبرد کارهای خود استفاده کنند هیچگاه در زندگی خود تحت تأثیر کلام منفی خود و دیگران قرار نمی‌گرفتند.

تأثیر تلقین در زندگی افراد

گاهی اوقات خود ما هم در زندگی خود با قدرت تلقین‌ها به صورت ناخواسته درگیر هستیم. زمانی که به خودمان می‌گوییم نمی‌توانیم و توان انجام فلان کار را نداریم دقیقاً به خودمان تلقین می‌کنیم؛ آن هم تلقین منفی.

بسیاری از روانشناسان معتقدند کلمات تأکیدی مثبت می‌توانند به عنوان تلقین استفاده شوند و انرژی‌بخشی این کلمات می‌تواند طوری باشد که ذهن و جسم را درگیر خود کند، چرا باید از کلمات منفی و انرژی‌بر برای تلقین به خود استفاده کنید در حالیکه کلمات تأکیدی مثبت می‌توانند توان و قدرت جسم و ذهن شما را چندین برابر کنند؟

شوری دریاچه ارومیه از اشکهای افراسیاب در اسطوره‌های ایران باستان



گزینش و نگارش: فاطمه فرهودی

دریاچه ارومیه نه تنها دریاچه‌ای وسیع و مأمونی کم نظیر برای جانوران و گیاهان کمیاب است که برای مردم ایران بالاخص آذربایجان خاستگاه قصه‌ها و ترانه‌ها و خاطراتی تکرار ناشدنی است. دریاچه چیچست (درخشان) با لایه‌هایی عمیق از فرهنگ مردم گره خورده است و مرگ آن فقط مرگ یک زیستگاه نیست که مرگ رؤ یاها و قصه‌هاست. به خواست خداوند و همت دوستداران محیط زیست علایمی از زندگی به این بانوی نمکین باز گشته است که جای شکر دارد. تداوم این حیات نیازمند عزمی ملی است و شایسته است در باره احیای آن با همه توان کوشید و سال‌ها نوشت و خواند.

اما آنچه در این نوشتار بدان خواهیم پرداخت دلیل شوری دریاچه چیچست در اسطوره است. اسطوره‌ها قصه‌هایی کهن با منشآتاریخی نامعلومند و مضامینی چون منشا جهان، آفرینش انسان، جنگ خدایان و قهرمانان دارند. برای اقوام اولیه اسطوره‌ها اساس باور و اعتقادات مذهبی به شمار می‌رفته. اما با پیشرفت دانش و آگاهی بشر اسطوره رفته رفته جنبه اعتقادی خود را از دست داد و تنها به صورت قصه باقی ماند. (برای آگاهی بیشتر_ داد ۱۳۷۸_۲۶_۲۷) در شاهنامه فردوسی آمده است پس از کشته شدن سیاوش، شاهزاده راستکردار ایرانی، در توران همسر وی، فرنگیس، به سوی ایران می‌گریزد و فرزندش کیخسرو به دنیا می‌آید. کیخسرو پس از آنکه برومند می‌شود برای انتقام گرفتن پدرش به توران لشکر می‌کشد اما از پادشاه توران، افراسیاب نشانی نمی‌یابد. کیخسرو برای مشورت نزد پدر بزرگش می‌رود و پدر بزرگش چاره کار را در یاری جستن از خداوند می‌یابد:

چنین گفت. خسرو به کا ووس شاه
جز از کردگار از که جوییم راه
بیابان و یک ساله در یا و کوه.
برفتیم با داغ دل یک گروه

به‌هامون و کوه و به دریای آب.
نشانی ندیدیم ز افراسیاب
گرو یک زمان اندر آید به گنگ.
سپاه آرد از هر سوئی بی درنگ
همه رنج و سختی به پیش‌اندر ست.
اگر چندمان دادگر یاورست
نیا چون شنیدا نبیره سخن.
یکی پند پیرانه افکند بن
بدو گفت ما همچنین بر دو اسب.
بتازیم در خان آذر گشسب
سرو تن بشوییم با پا و دست.
چنانچون بود مرد یزدان پرست

فردوسی ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۹۷

کیخسرو و کیکاووس به آذرگشسب (تخت سلیمان کنونی) می‌روند و نیا یش می‌کنند. دعای آنان بر رنج آوارگی افراسیاب اضافه می‌کند و افراسیاب ترسان و دلشکسته به پرستشگاهی در کوه بلند پناه می‌برد. حکیمی به نام «هوم» که ساکن آن پرستشگاه بود وی را می‌شناسد و دستگیرش می‌کند اما افراسیاب با سخنانی دل‌حکیم را به رحم می‌آورد و از دستش فرار می‌کنند. افراسیاب که جادو می‌داند از ترس جان و به یاری جادو در کف دریاچه چیچست پناه می‌گیرد:
بیچید دل هوم را زان گزند.
بروست کرد آن کیانی کمند
بدانست کان مرد پرهیز کار.
بخشود بر ناله شهریار

بیچید وزو خویشتن در کشید.
 به دریا درون جست و شد ناپدید
 چونان بد که گودرز کشاورگان
 همی رفت با گیوو آ زادگان
 گرازان و پویان به نزدیک شاه.
 به دریا نگه کرد خود با سپاه
 به چشم آمدش هوم با آن کمند.
 نوان بر لب آب چون مستمند
 همان گونه ی آب را تیره دید.
 پرستنده را دیدگان خیره دید
 به دل گفت کین مرد پرهیزکار.
 ز دریای چیچست گیرد شکار
 پهلوان دلیل حیرانی حکیم ا می پرسد. هوم داستان
 دستگیر کردن و فرار ا فراسیاب را تعریف می کند و به
 همراهی او نزد کیخسرو می روند. حکیم خودش چاره کار
 را می داند:
 به آب اندرست این زمان ناپدید.
 به دادار گیتی توان آرמיד
 ورا گر برد. باز گیرد سپهر.
 بجنید به گرسیوزش خون ز مهر
 چو فرمان دهد شهریار بلند.
 برادرش را پای کرده به بند
 بیارند بر کتف او خام گاو.
 بدوزند تاگم کند زور و تاو
 چو آواز او یابدا فراسیاب
 همانا درآید ز دریای آب
 «مهربرادر» فراسیاب برادرش را بسیار دوست دارد.
 گرسیوز را در کنار دریاچه شکنجه می کنند صدای ناله و فغان
 برادر به گوش فراسیاب می رسد و او از درد برادر بسیار
 می گیرد. از شوری اشکهای او آب دریاچه شو رو جادو نیز
 گسسته می شود.
 چو بشنید آوازش فراسیاب.
 همی ریخت خونین سرشک اندر آب
 به دریا همی کرد پای آشنه.

بیامد به جا یی که بد پایگاه
 ز خشکی چو بانگ برادر شنید.
 برو بد تر آمد ز مرگ آنچه دید
 چو گرسیوز او را بدیداندر آب.
 دو دیده پر از خون و دل پر شتاب
 فغان کرد کای شهریار جهان.
 سر نامداران و تاج مهان
 کجات آن همه رسم و آیین و راه.
 کجات آن به. سر تاج و چندان سپاه
 که اکنون به دریا نیاز آمدت.
 چنین اختر دیو ساز آمدت
 چو بشنید بگریست فراسیاب.
 همی ریخت خونین سرشک اندر آب
 چنین داد پاسخ که گرد جهان.
 بگشتم همی آشکار و نهان
 کزین بخشش بد مگر بگذرم.
 ز بد بد تر آمد کنون بر سرم
 مرا زندگانی کنون خوار گشت.
 روانم ز تو پرز تیمارگشت (۱۰۳)
 سر انجام فراسیاب گرفتار می شود و کیخسرو انتقام
 پدرش سیاووش را می گیرد:
 چو در پیش کیخسرو آمد به درد.
 بیارید خون بر لب لاژورد
 شهنشااه ایران زبان بر گشاد.
 وزان تشت و خنجر همی گشت یاد
 به شمشیر هندی بزد گردنش
 به خاک اندر افکند نازک تنش
 ز خون لعل شد ریش و موی سپید.
 برادرش گشت از جهان ناامید
 تهی ماند زو گاه شاهنشهی.
 سر آمد برو روزگار بهی. (همان. ۱۰۵)
 پس می توان نتیجه گرفت اشکهای فراسیاب دلیل
 شوری آب دریاچه چیچست است

۱_ درباره اطلاق چیچست به دریاچه ارومیه مناقشاتی وجود دارد که دوستداران می توانند برای آگاهی بیشتر به مقاله زیر مراجعه فرمایند.
 قلینزاده، خسرو (بهار و تابستان ۱۳۹۲) «پیوند اسطوره چیچست و دریاچه ارومیه» سال دوازدهم، ش ۲۳، ص ۱۱۵-۱۲۹
 منبع

د.د. سیمما (۱۳۷۸). فرهنگ اصلاحات ادبی، تهران: مروارید
 فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹) شاهنامه. تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی
 قلینزاده، خسرو (بهار و تابستان ۱۳۹۲) «پیوند اسطوره چیچست و دریاچه ارومیه» سال دوازدهم، ش ۲۳، ص ۱۱۵-۱۲۹

دیروز، امروز و فردا

محمد رضارونقی



در روزگاران نه چندان دور، عطر عاطفه‌ها مشام انسان‌ها را نوازش می‌داد و باران صداقت و صمیمیت از آسمان آبادی‌ها می‌بارید. گل خنده در لب‌های مردم می‌شکفت و یکرنگی و همبستگی جلوه خاصی به جامعه بشری می‌بخشید.

در آن زمان انسان‌ها روابط عمیقی با هم داشتند از شادی دیگران نور سرور بر دل‌هایشان می‌تابید، از غم دیگران اشک حسرت بر چشمانشان می‌نشست. مردم همدیگر را دوست داشتند و به هم عشق می‌ورزیدند و به دور از اختلافات طبقاتی در کنار هم از زندگی لذت می‌بردند.

مردها هر صبح، با شور و امید به سر کار می‌رفتند و عصر با خستگی جسم و آرامش جان به خانه برمی‌گشتند و زن‌ها از دم سحر به شست‌وشوی رخت و لباس (در سرچشمه) و پخت و پز (در آشپزخانه‌های پر از دود) و نظافت منزل و بچه‌داری مشغول می‌شدند و عصر، حیاط و جلو خانه را آب‌پاشی کرده بساط چائی را آماده و منتظر ورود مردخانه می‌شدند تا با لبخند به استقبالش بشتابند. برایش جای بریزند و از روزگارش بپرسند. با تاریک شدن هوا و جمع شدن اهل خانه شام را که تنوع آن از چند قلم تجاوز نمی‌کرد با اشتهای می‌خوردند و دست به دعا برمی‌داشتند و بعد برای شب‌نشینی به خانه همسایه می‌رفتند و تا پاسی از شب از کسب و کار هم می‌پرسیدند. داستان‌های اسطوره‌ای می‌خواندند. از تنقلات می‌خوردند، می‌گفتند و می‌خندیدند.

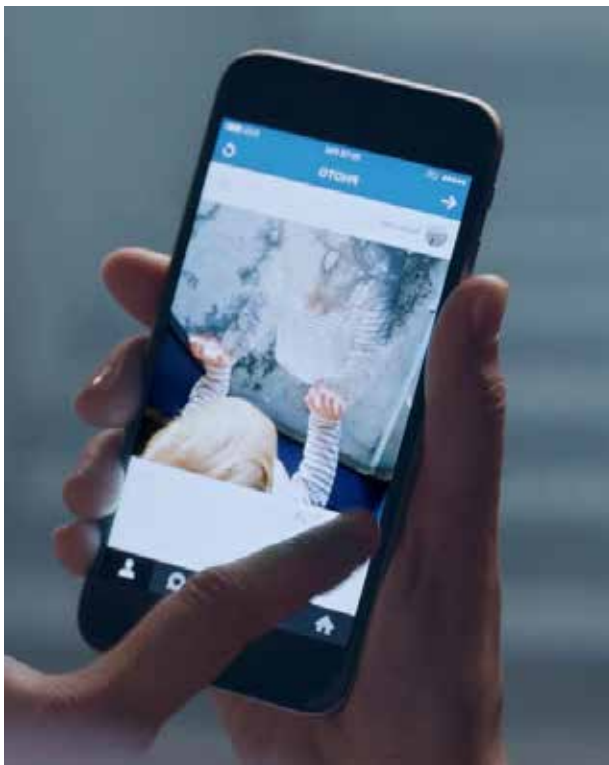
عروسی‌ها یک هفته طول می‌کشید و هر روز به یک نام و به یک بهانه به رقص و پایکوبی می‌پرداختند. با این‌که اتاق‌ها با چراغ‌های فتیله‌ای نیمه‌روشن و کوچه‌ها با فانوس‌های نفتی کم‌سو بود ولی عشق و امید به دل‌های پاک و بی‌آلایش مردم نور می‌پاشید. بچه‌ها به بزرگ‌ترها احترام می‌گذاشتند و تجربیات آنان را ارج می‌نهادند. بزرگ‌ترها بیشتر هوای کوچک‌تران را داشتند و آن‌ها را تا دم پیری در پناه خود می‌گرفتند. پدر و مادر، دختر و پسر، عروس و داماد در زیر یک سقف با مهربانی و صمیمیت زندگی می‌کردند. فامیل‌ها بیشتر به همدیگر سر می‌زدند و بدون وسیله شخصی با پای پیاده یا با الاغ و اسب به دیدار آنان می‌رفتند و با شور و علاقه همدیگر را در آغوش می‌گرفتند. اهالی محل یکدیگر را می‌شناختند. در غم و شادی هم شریک بودند و بی‌منت به یاری همدیگر می‌شتافتند.

طلاق و مواد مخدر در آن روزها معنائی نداشت و منفورترین عمل در جامعه محسوب می‌شد...

ولی امروز

امروز دوستی‌ها و مهربانی‌ها رنگ باخته و رشته محبت و مهرورزی از هم گسیخته است. عواطف در زیر چرخ‌های ماشین له شده و انسان‌ها همدیگر را فراموش کرده‌اند. همسایه از همسایه، فامیل از فامیل و دوست از دوست بی‌خبر است. کسی که سال‌ها در آرزوی تمانی زندگی می‌کند. ساکنین واحد روبه‌رو یا بغل دستی‌اش را نمی‌شناسد و اسمشان را نمی‌داند. رفت‌وآمدهای شبانه از یادها رفته و مهمانی‌ها جاذبه خود را از دست داده است. دیدو باز دیدهای فامیلی و دوستی آرام‌آرام به تماس‌های تلفنی و پیامک‌های اینترنتی رسیده. قوم و خویش فقط به عمه، خاله، عمو و دائی ختم شده است. فرزندان آن‌ها همدیگر را نمی‌شناسد. امروز عروسی‌ها به صورت گردهمائی بی‌خاصیت و صرف شام به مدت سه ساعت برگزار می‌گردد. در این مراسم فقط بزرگ‌ترهای فامیل شرکت کرده و فرزندان را

در این جهان به وجود می‌آید ولی متأسفانه به دست همین بشر وسایلی ساخته می‌شود که با فشار دادن دکمه‌ای در یک لحظه شهرهای بزرگ را به دود و خاکستر تبدیل کرده و ساکنین آن‌ها را به دیار نیستی می‌فرستد و در قبال ساخت وسایل رفاهی



وسایل مخرب و کشتار جمعی نیز می‌سازد. بلی این‌همه اختراعات و دگرگونی‌های ماشینی و امکانات مادی و معنوی و رفاهی که به ظاهر آسایش مردم را سبب گردیده و در وقت، تولید کالا، داد و ستد و مسائل علمی کارآیی‌های مهمی را باعث شده ولی نه تنها قادر به جلوگیری از انحطاط و سیر قهقهه‌رانی حس انسان‌دوستی و مهرورزی و گسترش روح عاطفه و همزیستی مسالمت‌آمیز نبوده و بشر را به بهشت موعود و آرامش مطلوب نرسانده بلکه به نابودی خصایص انسانی نیز سرعت بخشیده است.

راستی، با این تلاشی که انسان‌ها ناخودآگاه در مسیر محو انسانیت، مهر و مهربانی و همونوع دوستی گام برمی‌دارد فردا چه خواهد شد؟ آیا گره کور این معضلات اجتماعی بازشدنی است؟ آیا دوباره آدمی به ذات خود که عشق و محبت است باز خواهد گشت؟ صفا و صمیمیت در خانه‌ها را خواهد زد؟ عطر دوستی و مودت مشام‌ها را خواهد نواخت و بشر مقام معنوی خود را دوباره خواهد یافت؟

در آن جشن‌ها جایی نیست. تلویزیون و ماهواره به جای آن که روابط انسان‌ها را گسترش دهد بین اهل خانه فاصله انداخته و اینترنت اعضای خانه را به خود مشغول ساخته است. طلاق و مصرف مواد مخدر بالای جان جوانان شده و این دو معضل پیوندهای خانوادگی و اجتماعی را با خطر جدی مواجه کرده است.

مصرف مواد مخدر در تمام تشکیلات و در همه رده‌های سنی بویژه در مؤسسات فرهنگی و علمی رخنه کرده و رگ‌های حیاتی انسان‌ها را هدف قرار داده است. طلاق به یک مسئله رایج اجتماعی تبدیل شده تا جایی که بعضی وقت‌ها بعد از انجام مراسم عروسی و به فاصله کم‌تر از یکسال جشن طلاق نیز باشکوه برگزار می‌گردد. و به جای آن ازدواج سفید و همنشینی دختران و پسران مجرد در یک واحد مسکونی رواج می‌یابد. بلی یروز نسیم مهربانی جسم و جان آدم‌ها را نوازش می‌داد. امروز طوفان بی‌مهری پایه‌های خانواده‌ها را می‌لرزاند. دیروز مرغان خوش‌الحان پشت‌بام‌ها ترانه دوستی می‌خواندند. امروز قارقار کلاغان گوش و هوش انسان‌ها را می‌آزارد. دیروز گل‌های یکرنگی فضای خانه باغچه‌ها را عطر آگین می‌ساخت. امروز بوی متعفن زباله‌های دوگانگی حال مردم را به هم می‌ریزد. دیروز خنده عشق و امید در لبان زن و مرد شکوفه می‌زد. امروز اشک حسرت از دیدگان افراد جامعه جاری می‌شود. دیروز دارا و ندار بدون احساس تحقیر و تبختر در کنار هم زندگی می‌کردند. امروز چشم هم‌چشمی و اختلاف طبقاتی مردم را از همدیگر بیگانه می‌سازد.

با این‌که جهان امروز به پیشرفت‌های شگرفی در همه امور زندگی اعم از امداد، خدمات، رفاه، بهداشت و ساخت وسایلی بهت‌آور نایل آمده و اختراعات و اکتشافات غیرقابل‌تصور در عرصه گیتی پدیدار گشته است که به وسیله آن‌ها مسافت‌های چندروزه طی چندساعت پیموده می‌شود. بسیاری از بیماری‌های ناشناخته شناسائی و راه درمان آن‌ها هموار می‌گردد.

اتوبان‌های عریض، جاده‌های طویل، پل‌های عظیم و ساختمان‌های سربه‌فلک کشیده احداث شده و جای چراغ‌های فتیله‌ای نفت سوز، لامپ‌های جیوه‌ای خانه‌ها، شهرها و روستاها را چون روز روشن ساخته است. پیام‌های خبری صوتی و تصویری در عرض چند ثانیه در دورترین نقاط جهان منتشر می‌گردد. در مؤسسات تولیدی و کارخانجات به جای دست‌ها، مغزها به کار گرفته می‌شود. تا جایی که امروز بشر، کره خاکی را برای ادامه زندگی در شأن خود ندانسته و به کرات دیگر نیز دست اندازی می‌کند و هر روز شاهد ساخت وسیله جدید یا تکمیل وسایل قدیم رفاهی، اقتصادی و تولیدی هستیم.

در حال حاضر مؤسسات عام‌المنفعه و انسان‌دوستانه زیادی

شب اول زمستان

آیلین جلیلی / دانش آموز کلاس پنجم ابتدایی

میرویم. آنجا همه‌ی فامیل مادریام جمع میشوند. مادربزرگ و پدربزرگم در یک بشقاب انار دانه‌دانه میریزند و در دو ظرف هم آجیل شور و شیرین. آنها میوه نیز میگذارند. بعد از شام، گاهی من و گاهی دخترداییم هندوانه را میبریم. خوب خاطرات من تمام شد.

به نام حضرت دوست که هرچه هست از اوست شب اول زمستان را با بزرگان فامیل، دورهم جمع میشویم. بلی، شب یلدا یکی از بهترین فرصتها برای دورهم جمع شدن است. خوب بگذارید از شبهای یلدا خودم برایتان بگویم. ما برای شام به خانه‌ی مادربزرگ و پدربزرگ

داستان

جوان رفت نزدیک درختی که تاندازهای سنگین بود و آن را گرفت و با یک زور از ریشه کند. بعد فرشته گفت: «حالا برو آن سنگی را که روی تپه بالای ده قرار دارد تکان بده.» جوان رفت و به تخته سنگی که فرشته نشان داده بود فشار آورد و تخته سنگ از جا تکان خورد. فرشته فریاد زد: «چه میکنی؟ مواظب باش اگر بیشتر فشار بیاوری و سنگ از جا کنده شود، ده خراب خواهد شد و به مردم آزار خواهد رسید. مواظب باش که از زورت در موقع لازم و به منفعت مردم در کارهای نیک استفاده کنی. کسی را نیازار و با کسانی که به مردم ظلم میکنند جنگ کن.» فرشته این را گفت و ناپدید شد. جوان از آن روز پهلوان پرزوری شد و پند فرشته را هرگز فراموش نکرد و تا زنده بود از زورش در کارهای مردم و آسایش اهالی ده استفاده کرد و نگذاشت کسی اشخاص ضعیف را آزار و اذیت کند.

سایبانی بالای سر زن درست کرد. اما چیزی نگذشت که زن فرشته صورت از خواب بیدار شد و سایبان را دید و وقتی که اطراف خودش را جستجو کرد؛ پسر را دید و گفت: «چطور شد که به فکر آسایش من افتادی؟»

پسر گفت: «چون دیدم اهل اینجا نیستی فهمیدم راه گم کرده‌ای و خسته هستی، دلم سوخت و حیفم آمد صورت قشنگ شما را آفتاب بسوزاند.» آن زن که فرشته بود از این جوان و مهربانیش خوشش آمد و گفت: «معلوم میشود که آدم خوبی هستی. حال عوض این خوبی که به من کردی هرچه میخواهی از من بخواه.»

جوان گفت: «من احتیاج به چیزی ندارم ولی اگر میخواهی به من کمک بکنی مرا نیرومند کن تا گوسفندان خود را هر جا دلم خواست بچرانم و کسی نتواند اذیتم کند.» فرشته گفت: «خوب هرچه خواستی شد. حالا زور خود را آزمایش کن.»

پیرمردی یک پسر رنجور و ضعیف داشت. هرکس به او میرسید آزارش میداد و اذیتش میکرد چون ناتوان بود. زورش به کسی نمیرسید. بعد از مدتی پدر مُرد و چون چیزی نداشتند پسر خودش گله گوسفندان را به صحرا میبرد. چیزی نگذشت که چوپانهای دیگر او را از زمینهای پر علف بیرون کردند و او ناچار شد گله‌ی کوچک خود را در جاهای دور، در کوهها یا در جنگلها بچراند. یک روز در جنگل مشغول چراندن گوسفندان بود. ناگهان چشمش به زن زیبایی افتاد که زیر درخت بزرگی خوابیده بود. زنی بود که در میان زنان ده هرگز ندیده بود. لباس عالی قیمت بر تن، کفشهای گرانبه بر پا داشت و گیسوان مشکی و بلندش هم افشان شده بود و چون سایه درخت برگشته بود. آفتاب نیمروز بیرحمانه گونهی قشنگ او را میسوزاند. پسرک مبهوت زیبایی زن شده بود و دلش سوخت و شاخه‌هایی از درختها که برگ داشتند برید و آهسته

چیستان

- آن کدام یک است که دو نمیشود؟
 آن کدام دو است که سه نمیشود؟
 آن کدام سه است که چهار نمیشود؟
 آن کدام چهار است که پنج نمیشود؟
 آن کدام پنج است که شش نمیشود؟
 آن کدام شش است که هفت نمیشود؟
 آن کدام هفت است که هشت نمیشود؟
 آن کدام هشت است که نه نمیشود؟
- ۶- خواب
 ۷- دوران زندگی انسانها
 ۸- برف و یخ
 به دونفر از خوانندگان عزیز که جواب صحیح چیستان را به واتساپ شماره ۰۹۱۹۴۱۷۵۷۴ ارسال دارند به قیدقرعه یک سال مجله پیام شبستر رایگان ارسال خواهد شد.
- ۱- غاز
 ۲- درخت
 ۳- لاکپشت
 ۴- انار
 ۵- سال، ماه، شب، روز

هدایای خدا

درختان بلند قد کشیده
 همیشان را خداوند آفریده
 هوای صاف و دور از دود و دوده
 پرستوهای زیبا پر گشوده
 بیایید قدراین نعمت بدانیم
 سرود زندگانی را بخوانیم
 نیالائیم ما آب و هوا را
 بلی گوئیم این لطف خدا را
 خدا را با عمل خرسند سازیم
 به راه حق هستی جان ببازیم
 هدایای خدا را پاس داریم
 هزاران شکر درگاهش گذاریم

بیائید بجهها با هم نشینیم
 محبتهای یزدان را ببینیم
 میان آسمان پر ستاره
 ببینیم ماه را چون یک شراره
 زمینی سبز و گل‌های قشنگش
 گل سرخ و سفید و هفت رنگش
 فضای پاک و زیبای بهاران
 نوای جانفزای آبخاران
 صدای قمری و آواز بلبل
 همهجا سبزه، هر جا غنچه و گل
 میان آب، ماهیهای زیبا
 به ما بخشیده دادار توانا

پدر

سولماز رزاق زاده (سرشار)

گل پژمرده در فصل خزانم
 بهارم باش توای مهربانم
 بیا کاشانه بی تو سوت و کور است
 مگر راه تو تا این خانه دور است؟
 بیا «سرشار» از درد و غم من
 بیاین درد و غم از سینه برکن

نمیدانم کجائی جان فدایت
 هزاران جان فدای خاک پایت
 پدرای باغبان یاسمنها
 بیا از من شنو شیرین سخنها
 ز تنهائی دلم پوسیده امشب
 ز ناگفته و ز نابشیده امشب
 بیا آغوش وا کن از برایم
 توئی تک ناخدای باخدایم

پدر آن تکیهگاه بید صحرا
 و من یک دختر تنهای تنها
 پدر آن ریشهی سرو تناور
 و من یک دختر بی یارویاور
 پدر اوج نشاط و شادمانی
 سراسر شور عشق جاودانی
 به من داد آب و نان زندگانی
 مرا پرورد با شور جوانی

چه باید کرد؟

جیران امینی / دبیر رسمی آموزش و پرورش

باید بدانیم کار در آموزش و پرورش، کاری نیست که یک سال یا دو سال و چند سال جواب بدهد. کار در آموزش و پرورش زمان بر است و نیاز به زمان و مؤلفه‌های مختلفی دارد که مهم‌ترین آن همراهی و همگرایی دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش برای اجرای طرح‌های کلان خود از جمله سند تحول بنیادین است.



فقط در حد شعار باقی بماند نباید امید چندانی به تحول داشت، چون یکی از زیر ساخت‌های اصلی اجرای سند تحول بنیادین فرهنگیان هستند که نیازمند توجه همه جانبه مجلس، دولت و جامعه می‌باشند. دیگر اینکه همگرایی، همبستگی، همراهی و انطباق فرهنگیان با برنامه‌های تحولی از مهم‌ترین و حساس‌ترین عواملی است که باعث ایجاد تغییر و دگرگونی در آن می‌شود. امید است با نگاه و توجه مسئولین به مطالب ذکر شده، شاهد دگرگونی در امر آموزش و پرورش و استقرار عدالت در همه جوانب آن باشیم.

نیازهای آموزش و پرورش، سوم توزیع عادلانه معلمان شایسته در شهرها و روستاها، چهارم استفاده از فناوری‌های نوین و پیشرفته، پنجم مهارت آموزی به جای آموزش تئوری صرف، ششم پرهیز از تغییراتی که هیچ تاثیری در فرآیند تحول آموزش و پرورش ندارند و باعث ایجاد مانع برای آن می‌شوند. معلم راهبر نظام آموزشی است که اگر هم از لحاظ رفاهی و مالی تامین و هم از لحاظ آموزش‌های ضمن خدمت آماده شود می‌توان به ایجاد تحول همه جانبه در آموزش و پرورش امیدوار بود. ولی اگر رفاه و معیشت فرهنگیان

مشکل آموزش و پرورش ما اکنون تغییر ساختار نیست بلکه نیازمند زیر ساخت قوی و مبتنی بر نظام جامع انقلاب اسلامی است. اینکه عنوان یک معاونت را کم و یا ادغام و تجمیع کنیم هیچ دردی از آموزش و پرورش درمان نخواهد کرد. اگر واقعاً دنبال آموزش و پرورش متحول، پویا، بروز و مبتنی بر جامعه ایرانی هستیم باید سعی و تلاش کنیم: اول تامین بودجه برای فراهم کردن زیر ساخت‌های لازم جهت اجرای کامل سند تحول بنیادین. دوم آموزش نیروی انسانی با توجه به

بررسی اثبات خطا و تقصیر عمدی و غیر عمدی پزشکان

صوناسفیری

باید بدانیم کار در آموزش و پرورش، کاری نیست که یک سال یا دو سال و چند سال جواب بدهد. کار در آموزش و پرورش زمان بر است و نیاز به زمان و مؤلفه‌های مختلفی دارد که مهم‌ترین آن همراهی و همگرایی دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش برای اجرای طرح‌های کلان خود از جمله سند تحول بنیادین است.



ابتدا لازم است به تعریف مختصری از واژه‌ی «تقصیر» بپردازیم. تقصیر در لغت به معنای سستی ورزیدن، کوتاهی کردن و خطا کردن است، که گاه در اصطلاح رایج، مترادف با کلمه‌ی قصور نیز بکار برده می‌شود. هر چند شاید تا حدودی بتوان این دو واژه را هم‌معنی در نظر گرفت اما در حقیقت، تفاوت اساسی با هم دارند. زیرا «قصور»، در واقع یعنی اهمال، بدخدمتی، تخلف، خبط، خطا، ناخدمتی. پس درمی‌یابیم که در قصور، نوعی جالت غیر عمدی نهفته است، در حالی که تقصیر اینگونه نبوده و در آن، عمد وجود دارد. لذا با توجه به موضوع میحث، در رابطه با عملکرد پزشکان هم، ممکن است نقش این دو واژه به وضوح مشاهده گردد.

بدین صورت که بارها شنیده و یا دیده‌ایم که اشخاصی را که به مراکز درمانی و پزشک مراجعه نموده و در صدد درمان خود برآمده‌اند ولی از طرف پزشک مربوطه یا کادر درمانی آن مرکز قصوری رخ داده که نه‌تنها این اشخاص به درمان دست نیافته‌اند بلکه مشکل یا درد دیگری هم به مسایل و دردهایشان اضافه گردیده است. در چنین مواقعی سوال مهم این است که مسئول چه کسی است؟ آیا بایستی پزشک مربوطه را متخلف پنداشت و عمل وی را جرم دانست؟ یا باید او را مرتکب قصور یا تقصیر دانست؟ اینجاست که فرق میان تقصیر و قصور در عالم پزشکی، رخ می‌نماید. بدین ترتیب که در اگر از سوی پزشک تقصیری صورت گیری در واقع نوعی عمد در آن نهفته است، بعبارتی بهتر اراده‌ی قبلی در آن

معمولاً «بیماران یا اطرافیان ایشان بیشترین میزان شکایتی که از پزشکان دارند راجع به خطا در تشخیص، بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی در معالجه و درمان بیمار، و یا مراقبت‌های پس از عمل‌های جراحی می‌باشد.

تخلفات پزشکی، بر اساس قانون در برگیرنده‌ی سهل‌انگاری در انجام وظیفه، عدم رعایت موازین قانونی، علمی و شرعی، افشا نمودن اسرار و نوع بیماری، انجام اعمال خلاف شئون پزشکی، جذب بیمار بوسیله‌ی تبلیغات گمراه‌کننده و فریب دادن بیمار می‌باشد.

اما جرایم پزشکی مواردی هستند که در قانون مجازات اسلامی، برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. باین تفاوت که کسی که آن جرم را مرتکب می‌شود، پزشک و یا اعضای تیم پزشکی می‌باشد. تخلف پزشکی صرفاً در برگیرنده‌ی عناوینی است که بیان شد ولی قصور پزشکی تحت

دخیل بوده است ولی زمانی می‌توان عمل پزشک را قصور نامید که در آن نوعی غفلت وجود داشته باشد، یعنی عمل انجام یافته بصورت سهوی اتفاق افتاده باشد. اما باید دانست که در هر دوی این حالات، مجازات وجود دارد.

برای مصادیق تقصیر پزشکی باید به بیان موارد زیر پرداخت:

۱- بی‌احتیاطی.

۲- بی‌مبالاتی.

۳- نبود مهارت.

۴- رعایت نکردن نظامات دولتی.

بامراجعه به قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، می‌توانیم به وضوح مصادیق تقصیر پزشکی (خطای جزایی) را دریابیم که طبق آنچه گفتیم شامل «بی‌احتیاطی» و «بی‌مبالاتی» و همچنین عدم مهارت و رعایت نکردن نظامات دولتی، ذیل بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی قرار می‌گیرد.

عنوان یک جرم در نظر گرفته می‌شود و چگونگی رسیدگی به آن هم متفاوت است. مرجعی که تخلفات انتظامی پزشکی را تشخیص می‌دهد، سازمان نظام پزشکی می‌باشد و چون موضوعی تخصصی است، نظرات کارشناسی متخصصان مربوطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنانچه تخلف پزشکان، جرم نباشد صرفاً تحت عنوان تخلف انتظامی با آن برخورد می‌شود. عدم رعایت موازین قانونی و شرعی و مقررات صنفی، حرفه‌ای و شغلی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی توسط شاغلان حرفه‌های پزشکی، تخلف به شمار می‌رود و اشخاص متخلف، با در نظر گرفتن شدت و ضعف اعمال ارتكابی و نیز تعدد عمل و تکرار آن، حسب مورد به مجازات‌های تذکر یا توبیخ شفاهی در حضور هیات‌مدیره‌ی نظام پزشکی محل، اخطار یا توبیخ کتبی با درج در پرونده‌ی نظام پزشکی محل، توبیخ کتبی با درج در پرونده‌ی نظام پزشکی و نشریه‌ی نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلوی اعلانات نظام پزشکی محل، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از ۳ ماه تا یک سال در محل ارتكاب تخلف، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از ۳ ماه تا یک سال در کل کشور، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی از بیش از یک سال تا ۵ سال در تمام کشور و محرومیت دائم از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته در تمام کشور محکوم می‌گردند.

البته باید توجه داشت که تخلف انتظامی، موارد دیگری را هم در بر می‌گیرد که به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم: عدم رعایت نرخ مصوّب تعرفه‌های پزشکی، ارائه‌ی داروهای مشابه به‌جای داروی اصلی، برخورد نامناسب کادر پزشکی با بیماران، عدم پذیرش بیماران اورژانسی توسط مراکز درمانی، و نداشتن امکانات ضروری پزشکی. توجه کنیم که اگر تخلف پزشکان و پرسنل پزشکی طوری باشد که بدوی، تجدیدنظر و عالی انتظامی نظام پزشکی، وضعیت به‌شکل دیگری است و تمام

اشخاص شاغل در این مراکز از جامعه‌ی پزشکی هستند.

ولی ممکن است این سوال پیش بیاید که وضعیت پرسنل بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های نیروهای مسلح به چه صورت است؟ در پاسخ به این سوال باید گفت بر اساس قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح افراد نظامی به چند دسته تقسیم می‌شوند که در این تقسیم‌بندی آمده است اشخاصی که در ارگان‌های مرتبط با نیروهای مسلح به طور قراردادی یا به صورت دیگری مشغول به فعالیت هستند نیز تا پایان قرارداد یا تعهدات کاری خویش نظامی محسوب شده و به تخلفات و جرایم آنها در دادسرای نظامی رسیدگی می‌شود.

همانطور که گفته شد، به تخلفات انتظامی پزشکان چنانچه مرتکب قصوری نشده باشند در سازمان نظام پزشکی و اگر مرتکب قصوری شده باشند در دادسرای جرایم پزشکی رسیدگی می‌شود.

می‌توان گفت در رابطه با پرسنل بیمارستان‌های نیروهای مسلح به لحاظ تخلفات انتظامی هم سازمان نظام پزشکی صلاحیت دارد اما در قصوری که رخ داده، همانگونه که بیان شد، افراد همزمان هم می‌توانند به دادسرای جرایم پزشکی و هم به دادسرای نظامی مراجعه کنند.

ولی چنانچه در حیطه‌ی شغل خود، مرتکب جرمی شوند، دیگر دادگاه‌های عمومی یا پزشکی صلاحیت رسیدگی ندارند و فقط دادسرای نظامی صلاحیت رسیدگی به جرایم آنها را خواهد داشت و همچون افراد نظامی مورد مجازات قرار خواهند گرفت.

لازم به ذکر است که پزشک در انجام همه‌ی اقدامات پزشکی که شامل تمامی معالجات درمانی و اعمال جراحی است، در گام نخست بایستی رضایت بیمار یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی او را اخذ نماید البته نباید فراموش کرد که در مواقع فوری، کسب رضایت، ضرورتی ندارد؛ و در گام دوم رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی ضروری می‌باشد

. حال چنانچه پزشک در حین معالجات، تقصیر یا قصوری مرتکب شود (که ممکن است ناشی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات فنی باشد) در چنین حالتی در قبال خسارات جانی و بدنی‌ای که به بیمار وارد آمده، مسئول می‌باشد. نکته‌ی اساسی اینکه اقدامات پزشکان، حتی چنانچه در کارشان عمد نباشد و صرفاً «قصور یا تقصیر باشد، غیر عمدی به شمار می‌رود و حسب مورد به پرداخت دیه محکوم خواهند شد. با توجه به اینکه امر پزشکی کاملاً تخصصی است، احراز تقصیر یا قصور پزشک بر عهده‌ی متخصصان مربوطه در سازمان پزشکی قانونی یا نظام پزشکی می‌باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، چنانچه کسی در روند درمان یا اقدامات پزشکی با مشکلی مواجه شود، اعم از اینکه آن مشکل ناشی از جراحی‌های مختلف باشد و یا ناشی از اقدامات غیر جراحی، می‌تواند با مراجعه به یکی از مراجع زیر طرح دعوی نماید:

۱- دادسرای ویژه‌ی امور پزشکی، که از این طریق می‌توان دیه و خسارات وارد شده را مطالبه نمود و چنانچه پزشک قصوری مرتکب شده باشد، مجازات او را هم از دادگاه خواست.

۲- شورای حل اختلاف که در حقیقت به پرونده‌هایی که دیه‌ی درخواستی در آنها کمتر از ۵ میلیون تومان باشد رسیدگی می‌کند.

۳- دادسرای انتظامی سازمان نظام پزشکی که نتیجه‌ی آن برخورد انتظامی با پزشک خواهد بود که دامنه‌ی گسترده‌ای از اقدامات، از توبیخ کتبی تا لغو پروانه‌ی طبابت به شکل دائمی را در شامل می‌شود.

در پایان تأکید مجدد این نکته لازم است که در بیشتر موارد، می‌توان هم به سازمان نظام پزشکی و هم به محاکم دادگستری به صورت همزمان مراجعه نمود و هیچ کدام نمی‌تواند مانعی برای صلاحیت دیگری باشد.

ورود دادستان آذربایجان غربی به موضوع برداشت گسترده نمک دریاچه ارومیه

است. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی گفت: این برداشتها نیز کامل اصولی و کنترل شده است و جای نگرانی نیست و برداشت این شرکت از نمک دریاچه ارومیه تاثیر بسیاری در منطقه دارد چون بالای هزار نفر در آن شرکت مشغول کار هستند.

برداشت گسترده و نامتعارف نمک دریاچه ارومیه نظر شخصی این نماینده بوده است تصریح کرد: این در حالی است که برداشت نمک از بستر دریاچه ارومیه دارای مجوزات زیست‌محیطی بوده و خوراک مصرفی یکی از شرکت‌های همسایه استان، نمک دریاچه ارومیه است و براساس مجوز اداره کل محیط زیست، برای آنها اجازه برداشت نمک داده شده

غلامرضا بابایی ۲۲ آبان ۱۳۹۸ در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در ارومیه، با اشاره به موضوع ورود دادستان آذربایجان غربی به مسئله برداشت گسترده نمک دریاچه ارومیه اظهار کرد: این موضوع ناشی از درخواست و نامه گلایه یکی از نمایندگان مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی به دادستانی استان بوده است. وی با اشاره به اینکه طرح موضوع



کلانتری: دریاچه ارومیه بدون احیا به بیابان نمک تبدیل می‌شد



دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه گفت: این دریاچه بدون اجرای مصوبه‌های این ستاد به بیابان پنج هزار کیلومتر مربعی نمک تبدیل می‌شد. عیسی کلانتری روز پنجشنبه (۲۳ آبان/۱۳۹۸) در دوازدهمین جلسه کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه که با حضور «اسحاق جهانگیری» معاون اول رئیس‌جمهوری در ارومیه برگزار شد، افزود: مصوبه‌های این ستاد باید در همه زمینه‌ها به طور کامل اجرایی شود.

سال ۱۳۹۴/۱ به تراز اکولوژیک خود برسد؛ این دریاچه از اواسط دهه ۱۳۸۰ شروع به خشک شدن کرد و بنا بر آمار بین‌المللی تا سال ۲۰۱۵ میلادی حدود ۸۰ درصد از مساحت آن خشک شد.

اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری روز ۲۲ آبان ۱۳۹۸ گذشته در سفری ۲ روزه وارد ارومیه شد و امروز علاوه بر افتتاح طرح‌های بیمارستانی در میاندوآب از تونل انتقال آب به دریاچه ارومیه در نقده و آخرین وضعیت دریاچه ارومیه بازدید کرد؛ وی در مصاحبه بدو ورود به آذربایجان غربی نیز گفت که احیای دریاچه ارومیه برای دولت خیلی مهم است و این دریاچه پس از احیا به کانون حیات و توسعه منطقه و کشور تبدیل می‌شود.

نیز در حال حاضر به ۲ هزار و ۷۷۶ کیلومتر مربع است که یک هزار و ۴۱ کیلومتر مربع بیشتر از زمان مشابه سال گذشته برآورد می‌شود. همچنین طبق آخرین پایش حجم آب موجود در دریاچه ارومیه حدود سه میلیارد و ۲۴۰ میلیون مترمکعب است که افزایش ۲ میلیارد و ۱۷۰ میلیون مترمکعبی را نسبت به زمان مشابه سال گذشته نشان می‌دهد. قبل از تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه سالانه به طور متوسط ۴۰ سانتی‌متر کاهش می‌یافت اما در سایه برنامه‌ریزی، تخصیص اعتبار و تلاش دولت تدبیر و امید برای احیای این دریاچه، روند خشک شدن آن متوقف شد و بارندگی‌ها هم به کمک دریاچه آمد.

دریاچه ارومیه در قالب طرح‌های ستاد احیا قرار است ظرف مدت ۱۰

وی اضافه کرد: طبق برنامه‌ریزی‌ها دریاچه ارومیه با تاخیر یک و نیم ساله نسبت به پیش‌بینی صورت گرفته و تا سال ۱۴۰۶ به طور کامل احیا می‌شود. وی بیان کرد: تا امروز دولت بیش از ۹۰ هزار میلیارد ریال برای احیای دریاچه ارومیه هزینه کرده است و با ۱۵ درصد این میزان نیز کارهای سخت‌افزاری پایان می‌یابد.

معاون رئیس‌جمهوری تاکید کرد: تا زمانی که در مصوبه‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه تجدیدنظر نشده است باید به طور کامل توسط نهادهای مرتبط اجرایی شود.

تراز امیدبخش دریاچه ارومیه طبق آخرین پایش به یک هزار و ۲۷۱ متر و ۲۳ سانتی‌متر رسیده که نسبت به سال گذشته ۹۵ سانتی‌متر افزایش را نشان می‌دهد.

مساحت نگین آبی آذربایجان

زندگی در اطراف «دریاچه ارومیه» از زاویه دید عکاس آلمانی

نیست، اما در جریان سیل سال جاری درایران وضعیت این دریاچه‌اندکی بهتر شده و روان آب‌هایی وارد آن شده و سطح آب آن چند سانتی‌متر بالاتر آمده است.

این عکاس آلمانی در هر ۳ سفر خود به دریاچه ارومیه و مناطق و شهرهای وروستاهای اطراف آن سر زده و عکاسی کرده است. تصاویر زیر از مجموعه عکس‌های ۳ سفر ۱ سال گذشته "ماکسیمیلیان مَن" به اطراف دریاچه ارومیه است.

کوتاهی بار دیگر در نوامبر همان سال به ایران سفر می‌کند و سفر سوم او نیز ۲ ماه بعد از سفر دوم در ژانویه سال جاری میلادی (۲۰۱۹) انجام شده است. این عکاس آلمانی روایتگر تصویری زندگی بیش از ۵ میلیون نفر در اطراف دریاچه ارومیه است؛ دریاچه‌ای که طی ۲ دهه گذشته به حالت احتضار درآمده و در سال‌های گذشته به مدد کوشش‌هایی در حال احیاست، هر چند که با توجه به روند پرشتاب تغییرات اقلیمی در ایران و جهان، امید زیادی به احیای این دریاچه

یک عکاس آلمانی که طی ۱ سال گذشته ۳ بار به ایران سفر کرده است، زندگی اطراف دریاچه در حال احتضار "ارومیه" را به تصویر کشیده است. ماکسیمیلیان مَن عکاس آلمانی ساکن شهر دورتموند برای نخستین بار در سپتامبر سال ۲۰۱۸ میلادی به ایران سفر کرد. او با سفر به استان آذربایجان غربی زندگی اطراف بزرگ‌ترین دریاچه آب شور در حال خشک شدن جهان را به تصویر کشید. این سفر برای او به قدری لذت بخش بوده که او با فاصله



گام جدید فائو برای کمک به مدیریت خشکسالی دریاچه ارومیه



آقای رائو ماتا، مشاور ارشد فنی فائو در پروژه «برنامه یکپارچه مدیریت پایدار منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه» نیز ضمن تمجید از تلاش‌های مرکز ملی پایش و هشدار خشکسالی، تأکید کرد: سنجش خشکسالی مؤلفه‌ای مهم برای مدیریت کلان حوضه آبریز دریاچه ارومیه است. ما نیاز داریم تا متغیرهای مختلفی را که کاربردشان در شاخص ترکیبی خشکسالی ضرورت دارد، احصا کنیم.

به گفته دکتر بهداد چهره‌نگار، مدیر بخش هیدروانفورماتیک ستاد احیای دریاچه ارومیه تدوین یک شاخص ترکیبی خشکسالی مناسب می‌تواند به سنجش آسیب‌پذیری کلی حوضه آبریز دریاچه ارومیه کمک کند تا بر اساس آن بتوانیم تأثیرات تغییرات متغیرهای اقلیمی بر معیشت و پارامترهای اقتصادی-اجتماعی ناحیه مدنظر را بسنجیم.

احد وظیفه رئیس مرکز ملی پایش و هشدار خشکسالی نیز ضمن اشاره به فعالیت‌های انجام شده برای دستیابی به شاخص ترکیبی خشکسالی، تصریح کرد: فرآیندی که در این پروژه دنبال شده است نه تنها این قابلیت را دارد که در دیگر حوضه‌های آبریز کشور به کار رود، بلکه به عنوان یک نمونه موفق برای دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه نیز مفید باشد. پروژه «برنامه یکپارچه مدیریت پایدار منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه» که از سوی دولت ژاپن تأمین مالی شده است و به صورت مشترک از سوی فائو و ستاد احیای دریاچه ارومیه پیگیری می‌شود، از تلاش‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه بهبود ظرفیت‌های نهادی و دانشی کشور به منظور احیای این ذخیره‌گاه بی‌همتای زیست‌کره حمایت می‌کند.

گام جدید فائو برای کمک به مدیریت خشکسالی دریاچه ارومیه سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در چارچوب پروژه «برنامه یکپارچه مدیریت پایدار منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه» و با همکاری پژوهشکده هواشناسی و علوم جو، کارگاه اعتبارسنجی «شاخص ترکیبی خشکسالی» تدوین شده برای حوضه دریاچه ارومیه را برگزار کرد.

به گزارش ایرنا، روز چهارشنبه (۱۵ آبان ۱۳۹۸) سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، این کارگاه روز گذشته با حضور کارشناسان و پژوهشگرانی از فائو، وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان هواشناسی، مرکز ملی پایش و هشدار خشکسالی، ستاد احیای دریاچه ارومیه، دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه علم و صنعت ایران در محل پژوهشکده هواشناسی و علوم جو برگزار شد.

مشارکت‌کنندگان در این کارگاه ضمن مرور منطق، رویه و روش به‌کار رفته برای تدوین شاخص ترکیبی خشکسالی؛ متغیرها، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بالقوه دیگری را که در گام‌های آتی و برای بهبود شاخص ترکیبی خشکسالی می‌توانند به کار گرفته شوند را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

آقای جیانلوکا فرانچسکینی، متخصص ارشد فائو در زمینه مدیریت اطلاعات منابع سرزمین در تشریح فعالیت‌های انجام شده گفت: امروز، اولین نتایج حاصل از ارزیابی خشکسالی همچنین روش سنجش خشکسالی ارائه شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

به گفته وی، این اولین تلاش ایران برای ارائه چنین اطلاعاتی است که از ابعاد مختلف هواشناسی، کشاورزی و هیدرولوژیک به پدیده خشکسالی می‌پردازد.

طرز تهیه

شیرینی خانگی (شکر چورهگی)

ربابه صمدی آذر

● مواد لازم

۱- آرد سفید: ۶ پیمانه

۲- پودر قند: ۴/۵ پیمانه

۳- روغن جامد: ۳ پیمانه

۴- زنجبیل و هل آسیاب شده. وانیل و بکینگ پودر به مقدار کافی



طرز تهیه

می‌کنیم و به وسیله آن مهمانان خود را پذیرا می‌شویم. در زمان های قدیم که قنادی و شیرینی پزی عمومی کم بود این شیرینی تهیه و در مراسم عروسی جشن ها و اعیاد مورد استفاده قرار می گرفت و اکنون نیز بعضی از خانواده ها در اعیاد نسبت به تهیه شیرینی خانگی و پذیرائی مهمانان بوسیله آن اقدام می کنند.

روغن جامد را آب می‌کنیم و با سایر مواد مخلوط کرده به صورت خمیر درمی‌آوریم و دو ساعت استراحت می‌دهیم. بعد با قالب‌های مخصوص آن را به شکل‌های مختلف، ستاره، قلب، دایره، بیضی، ماه و ... درمی‌آوریم و در فر می‌گذاریم. بعد از چند لحظه که رنگش تغییر کرد برمی‌داریم می‌گذاریم سرد شود. سپس با رنگ زعفران رویش را تزیین

از بانوان عزیز همشهری که در تهیه غذاهای سنتی و محلی مهارت دارند خواهشمند است مقالات خود را در این مورد به فصلنامه ارسال دارند تا مورد استفاده سایر خوانندگان قرار گیرد.

در هر تولد، حیاتی دیگر نهفته است

یادداشتی به منظور معرفی انواع سلول‌های بنیادی و اهمیت ذخیره‌سازی سلول‌های بنیادی خون بندناف در بدو تولد.



خون بند ناف که در واقع یک نوع زباله بیولوژیکی است که مملو از سلول‌های بنیادی است. به منظور بهره‌گیری از این سلول‌ها باید بلافاصله بعد از تولد در عرض ۳ تا ۵ دقیقه بعد از زایمان، پس از جدا شدن بند ناف، خون موجود در بند ناف جمع‌آوری شود. جمع‌آوری این کار بسیار ساده است و هیچ تداخلی در روند زایمان ایجاد نمی‌کند و کاملاً به روش استریل انجام می‌شود.

حجم خون موجود در بند ناف بین ۷۰ تا ۲۰۰ سی‌سی می‌باشد و

دسته اول، سلول‌های بنیادی جنینی هستند که از توده سلولی داخل جنین در مرحله بلاستوسیت گرفته می‌شوند، دسته دوم سلول‌های بنیادی بالغ که پس از تولد، از بافت‌های فرد بالغ جدا می‌شوند مانند سلول‌های بنیادی خون‌ساز مستقر در مغز استخوان، خون محیطی، مغز، کبد و در نهایت دسته سوم، سلول‌های بنیادی خون بند ناف که از ورید (رگ) بند ناف، هنگام تولد نوزاد استحصال می‌شود.

خون بند ناف و بانک خون بند ناف چیست؟

سلول بنیادی چیست؟

سلول بنیادی، مادر تمام سلول‌هاست و توانایی خودنوسازی و تمایز به انواع سلول‌های خونی، قلبی، عصبی و غضروفی دارد. همچنین می‌تواند به بازسازی و ترمیم بافت‌های مختلف بدن که به دنبال آسیب و جراحت، صدمه دیده است، کمک کند و جایگزین بافت‌های آسیب دیده شده و به ترمیم و رفع نقص آن بافت بپردازد.

سلول بنیادی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

عرصه با داشتن ۳۱ دفتر نمایندگی در استان‌های مختلف نزدیک به ۱۲۰ هزار نمونه در این بانک ذخیره‌سازی شده است.

دفتر نمایندگی بانک خون بند ناف آذربایجان شرقی

نمایندگی بانک خون بند ناف در آذربایجان شرقی از اواخر بهمن‌ماه ۱۳۸۷ فعالیت خود را با همکاری جهاد دانشگاهی آذربایجان شرقی آغاز کرده و تاکنون موفق به ذخیره‌سازی بیش از ۳۰۰۰ نمونه شده است. دفتر نمایندگی این استان جزو دفاتر فعال بوده و ظرفیت بسیار خوبی در زمینه پزشکی نوین دارد و از جمله استان‌هایی است که بحث سلول درمانی، علوم سلولی و همچنین درمان ناباروری را بطور جدی پیگیری می‌کند. گفتنی است جهاد دانشگاهی استان آذربایجان شرقی علاوه بر نمایندگی بانک خون بند ناف دارای کلینیک طب پیشگیری و ارتقای سلامت جهاد دانشگاهی و تشخیص زودرس و غربالگری ناهنجاری‌های جنینی و مرکز درمان ناباروری می‌باشد که با هزینه مناسب و خدمات با کیفیت آماده ارائه خدمت به مراجعین محترم می‌باشد.

همشهریان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۳۳۵۴۲۱۵ و ۳۳۳۷۵۱۸۹ در ساعات اداری تماس و یا با مراجعه به سایت www.fsct.ir اطلاعات لازم را کسب نمایند.

آدرس دفتر نمایندگی: تبریز، خیابان آزادی بین گلاباد و گلگشت، دفتر بانک سلول‌های بنیادی خون بند ناف رویان

آدرس دفتر مرکزی: تهران، بزرگراه رسالت، خیابان بنی‌هاشم، نبش حافظ شرقی، پلاک ۲۴

در زمینه کاربرد سلول‌های بنیادی برای درمان بیماری‌های صعب‌العلاج و اهمیت وجود کانونی منسجم به منظور برنامه‌ریزی برای کاربردی شدن استفاده از سلول‌های بنیادی، شرکت فناوری بنیادی، شرکت فناوری بن یاخته‌های رویان به همت محققان پژوهشگاه رویان جهاد دانشگاهی و با همکاری شرکت گسترش صنعت علوم زیستی (لیدکو) به عنوان اولین بانک سلول‌های بنیادی خصوصی کشور فعالیت خود را در سال ۱۳۸۴ آغاز کرد. هدف اصلی در این بانک، جمع‌آوری، جداسازی و ذخیره‌سازی سلول‌های بنیادی خون بند ناف برای خانواده‌های متقاضی و همچنین تأمین سلول‌های بنیادی برای استفاده مراکز پیوند کشور است. در حال حاضر پس از یک دهه فعالیت در این



جداسازی سلول‌های بنیادی از خون بند ناف ظرف مدت ۲۴ ساعت انجام می‌شود. در این حجم از خون بند ناف حدود ۵۰۰ میلیون تا ۲ میلیارد سلول بنیادی وجود دارد. سلول‌های بنیادی پس از جدا شدن بلافاصله با کیسه‌های مخصوص داخل نیتروژن مایع قرار گرفته و در دمای ۱۹۶- درجه سانتیگراد نگهداری می‌شوند. با توجه به این شرایط تقریباً عمر نگهداری این سلول‌ها نامحدود است اما مدت زمان بهینه نگهداری را ۲۸ سال می‌دانند.

بانک خون بند ناف نیز همان‌طور که از نام آن پیداست، شرایطی را فراهم می‌کند تا سلول‌های بنیادی موجود در خون بند ناف تحت شرایط خاصی جمع‌آوری و ذخیره شود تا در صورت بروز بیماری‌هایی که با سلول‌های بنیادی قابل درمان هستند، این منبع ارزشمند به راحتی در دسترس باشد و بتوان برای پیوند از آن استفاده کرد.

بانک‌های عمومی و خصوصی خون بند ناف

۲ نوع بانک خون بند ناف در دنیا فعالیت می‌کنند. یک نوع بانک خون خصوصی یا اصطلاحاً خانوادگی است که در ازای پرداخت هزینه در زمان زایمان مبادرت به جمع‌آوری خون بند ناف نوزاد کرده و پس از استخراج سلول‌های بنیادی از آن، برای آن خانواده نگهداری می‌شود. نوع دیگر هم بانک خون عمومی است. در مورد افرادی که تمایل به اهدای خون بند ناف دارند این کار بدون هزینه و فقط با پر کردن رضایتنامه اهدا توسط فرد انجام شده و پس از آن، فرد هیچ‌گونه مالکیتی روی خون بند ناف ندارد.

بانک خون بند ناف رویان

با پیشرفت‌های وسیع جهانی

تنبلی

سیدمحمدوردبلی

ناخواسته می‌خواهند تنبلی و اهمال‌کاری را پیشه کنند به مقوله (جبر) اعتقاد پیدا می‌کنند و حضرت مولانا در این مورد یک موضوع روان‌شناختی جالبی را بیان می‌کند و آن این‌که آدم‌های تنبل برای توجیه تنبلی خود می‌گویند که این (جبر) است و خودشان را راحت می‌کنند. اما انسانی که به (اختیار) اعتقاد دارد در برخورد با مشکل می‌گوید درستش می‌کنم و از کنار آن رد نمی‌شود و به فردها موقوف نمی‌کند. در این مورد شاعر گرانقدر ما حضرت حافظ چنین می‌گوید:

تنبلی به معنی عدم تمایل به فعالیت و تلاش، علیرغم برخورداری از توانائی کافی است. به زبان دیگر کار امروز را به فردا انداختن و فردا را هم فراموش کردن کار تنبل‌هاست. پشت‌گوش انداختن کار در طول زمان به کوهی از کارهای انجام نشده ختم خواهد شد و افسوس و حسرت خوردن و افسرده شدن جای آن را خواهد گرفت که سودی نخواهد داشت زیرا هر کاری در زمان خودش که ایجاب می‌کند باید انجام شود و چون از تاریخ انجامش رد شود آن رضایت و بهره‌وری را نخواهد داشت و آدم‌هایی که خواسته یا

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم

دقت کنید چه نیروی شگرفی در این بیت نهفته است. ولی آدم‌های تنبل چه می‌گویند.

با پای خود رفتیم و هی گفتیم تقدیر

در گل نشستیم و به خود بستیم زنجیر

تا راحت وجدانمان بر هم نریزد

هر درد را با حکمتی کردیم تفسیر



همایش گروه زیست محیطی یاشیل میشو

روز جمعه هشتم آذر ماه همایش باشکوهی از سوی گروه زیست محیطی یاشیل میشو شبستر در تالار سازمان محیط زیست کشور واقع در پارک پردیسان تهران برگزار گردید.

طول سال‌های گذشته .. برنامه‌های پیش بینی شده . مشکلات موجود و عدم همکاری و کارشکنی برخی از ارگانهای ذیربط سخنان مبسوطی بیان داشتند. شرکت کنندگان در این مراسم با مشتت (دویماج نوعی خوردنی محلی) و انواع میوه‌های محلی پذیرایی شدند و افراد داوطلب کمکهای نقدی خود را برای تقویت فعالیتهای گروه و ادامه موفقیت آمیز آن تقدیم داشتند.

داشتند. در فواصل برنامه‌ها موسیقی محلی (عاشیقها) به رهبری عا شیق بهروز شجاعی و نمایش کمدی بوسیله آقای جواد انصافی کم‌دین مشهور رادیو تلویزیون و همکاران ایشان اجرا شد و دو نفر از شعرای محلی سروده‌های خود را به حاضرین ارائه داشتند و آقای عباس عادل‌نی مدیر عامل گروه زیست محیطی یاشیل میشو در مورد اقدامات انجام شده گروه. در

در این مراسم که خانم آقاپور نماینده مردم شبستر در مجلس شورای اسلامی. آقای حسن امین لو نماینده ادواری مجلس. تعدادی از مسؤولین محیط زیست کشور و جمعی از اعضای و دوستداران گروه زیست محیطی یاشیل میشو حضور داشتند سخنرانان در مورد تاثیر محیط زیست در زندگی انسانها و حفاظت از جانداران و نگهداری طبیعت سالم بیاناتی ایراد

مراسم اعطای جایزه سفرای برتر به جناب آقای شبستری سفیر ایران در کره جنوبی



شرکت هیته جینرو ، بانک کوک مین و شرکتهای دیگر در مرکز مطبوعاتی کره جنوبی برگزار شد. از سوی انجمن مذکور جناب آقای شبستری سفیر جمهوری اسلامی ایران در سئول ، سفیر عمان و سفیر تیمور شرقی به عنوان سفرای برتر مقیم کره جنوبی در سال ۲۰۱۹ معرفی و به پاس تلاش و خدمات ارزنده جهت گسترش روابط دو جانبه ، جایزه (مدال و لوح) دریافت نمودند.

از سوی انجمن دوستی فرهنگی سفرای کره ، مراسم اعطای جایزه سفرای برتر (Top Amb. Award) (۲۰۱۹) ، در روز سه شنبه ۵ آذرماه سالجاری با حضور تعدادی از نمایندگان مجلس ، سفرای کشورهای خارجی مقیم کره جنوبی، شهرداری شهر ایئی وانگ، رئیس خبرگزاری ان دی ان (نشریه سئول) ، رئیس گروه دوستی فرهنگی سفرای کره ، رئیس افتخاری دانشگاهان سانگ، مدیران شرکتهای مختلف از جمله شرکت دارویی دانگ گوگ ،

موافقت وزیر کشور با تاسیس شهرداری داریان



وزیر کشور در ابلاغیه ای به استاندار آذربایجان شرقی با تاسیس شهرداری در شهر داریان شهرستان شبستر موافقت کرد.

در ابلاغیه وزیر کشور به استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به موافقت بعمل آمده در تیر ۱۳۹۸ در خصوص تبدیل روستای داریان از توابع بخش مرکزی شهرستان شبستر به شهر داریان و در اجرای تبصره ذیل ماده (۶) آئین نامه اجرایی قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران و تبصره (۱) ماده (۱) قانون شهرداری، تاسیس شهرداری در شهر داریان مشروط به ایجاد ساز و کار مناسب برای ارائه خدمات آتش نشانی بلامانع اعلام شده است.

دستورالعمل «نحوه تبدیل شورای اسلامی روستا به شهر و تاسیس شهرداری»، برشمرده است.

ابلاغیه وزارت کشور، تاسیس شهرداری یاد شده را همچنین منوط به تحقق تعهدات موضوع ماده (۹)

معرفی شهردار جدید کوزه کنان



از سوی شهرداری در کوزه کنان انجام شده، اما کافی نیست و شورا و شهرداری باید با برنامه ریزی کارهای ناتمام شهری را کامل کنند.

حسن مستفید با اشاره به سیل خیز بودن منطقه، خواستار اجرای آب بند در بالا دست شهر کوزه کنان و اجرای کانال جمع آوری آبهای سطحی شد و این را تکلیف اعضا شورای شهر و شهردار عنوان کرد.

در این مراسم جلیل جهانپور کوزه کنانی به عنوان شهردار جدید کوزه کنان معرفی شد.

مرتضی علیخانی در مراسم معارفه شهردار جدید کوزه کنان با بیان اینکه بخش زیادی از اعتبارات شهری صرف خدمات شهری می شود، افزود: جلب مشارکت مردم در امور شهری هزینه های نگهداری شهر را کاهش می دهد.

وی خطاب به اعضای شورا و شهردار کوزه کنان گفت: مجموعه ای موفق است که اقتصاد مردم را به سمت رشد هدایت کند و این امکان در کوزه کنان فراهم است و با برنامه ریزی می توان برای مردم شهر اشتغال و درآمد پایدار ایجا کرد.

مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری آذربایجان شرقی با تاکید بر شفافیت عملکرد شهرداریها گفت: شهرداران گزارش درآمدها و هزینه های شهری را به طور شفاف در اختیار مردم قرار دهند.

علیخانی گفت: کوزه کنان با سفالش مشهور است و باید تلاش شود این هنر و صنعت احیا و کاربردی شود که این امر علاوه بر مشهور شدن شهر، به بهبود معیشت مردم نیز کمک می کند.

فرماندار شبستر نیز در این مراسم به کارهای صورت گرفته در شهر کوزه کنان اشاره کرد و گفت: کارهای خوبی

